



**روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران** شنبه ۶ دی ۱۴۰۴ - ۶ رجب ۱۴۴۷ سال بیست‌وهفتم - شماره ۷۴۸۶ - ۱۶ صفحه قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

گزارش خبرنگار «جوان» از تور نظارتی دستگاه قضا در سرزمین فراموش‌شده‌ها

## ۸ روایت از عدالت هوشمند تاترک فعل در خراسان جنوبی

● **حسین فعیفی**؛ دبیر گروه‌حواالت

خراسان جنوبی رانمی‌شود فقط با آمار شناخت؛ این استان را باید دید، شنید و لمس کرد. باید در جاده‌های دوطرفه و حادنه‌خیزش رانندگی کرد، پای حرف معدنچی‌هایش نشست-به زنده‌نش رفت، در دادگاه آنلایش شاهد عدالت بود و در روستای صفر مرزی‌اش فرمید که وقتی مدرسه و شغل نیست، «جرم» چگونه به‌انتخابی ناخواسته تبدیل می‌شود. تور نظارتی قوه قضائیه در این استان، سفری سه روزه بود به دل تناقض‌ها، استثنای امن، اما محروم، تروتمند اما مغفول و دستگه قضایی که تلاش کرده فراتر از قانون، نقش یک نهاد اجتماعی را ایفا کند | **صفحه ۱۲**

<b>یادداشت بین‌الملل</b>
حنیف غفاری

### حمله بی‌فایده گروسی به خطوط قرمز هسته‌ای ایران

رافائل گروسی، مدیر کل ژانس بین‌المللی انرژی اتمی، یک بار دیگر تقاب بی‌طرفی خود را رسماً کنار گذاشته و فصل جدیدی از بازی خطر‌ناک خود را در زمین طراحی‌شده توسط واسپیتکنک و تل اویو آغاز کرده است. در شرایطی که منطقه غرب آسیا شاهد یکی از بی‌سابقه‌ترین تجاوزات نظامی علیه یک دولت مستقل بود، اصرار مدیر کل ژانس بر پیگیری تهمیداتی که در بستر امنیتی کاملاً دگرگون‌شده، فاقد هر گونه توجیه حقوقی و منطقی است. گروسی در حالی مستولان گزارش خود را به شورای امنیت ارسال کرده که هیچ مستمسک حقوقی و انسانی برای این دخالت‌های سیاسی وجود ندارد. ایران پس از تحمل حملات مستقیم، توجیهی حقوقی و منطقی برای همسکاری با نهادی که مدیر کل آن بی‌محابه و وقیحانه به بازی خود در زمین واسپیتکنک و تل اویو ادامه می‌دهد، ندارد. روشن است که مدیر کل ژانس بین‌المللی انرژی اتمی، با تکرار این سناریو نمی‌تخما، نخواهد توانست خطوط قرمز هسته‌ای ایران را در هم بشکند. این یک حقیقت غیر قابل انکار است | **صفحه ۱۵**

<b>یادداشت اقتصادی</b>
وحید عظیم‌نیا؛ دبیر گروه اقتصادی

### بازنگری در دهکبندی یاران‌های

ادامه یارانه نقدی به شکل موجود، تقریباً کارایی خود را از دست داده است و صرفاً یک رفیع تکلیف برای دولت محسوب می‌شود که اگر آن را «مصیبت» نماند، حتماً بارها برای مردم فاکتور می‌کند که بنبید چه میزان یارانه پرداخت می‌کنیم اما نمی‌گوید روزی که این یارانه متولد شد، حدود ۴۵هزار تومان معادل تقریبی ۲۵دلار بود ولی به واسطه ناتوانی مسئولان اجرایی در دولت‌های مختلف هم‌کنون به حدود یک‌سوم یک دلار آن زمان رسیده است.پس اگر قرار است کسی شمانت شود، این مسئولان اجرایی و اقتصادی هستند که ارزش پول ملی را به قیقرآ برده‌اند. فارغ از این بحث طولانی که به عنوان زخم کهنه مانده است، اصلاح یا حذف روند فعلی یارانه‌های نقدی، به یک مسئله مالی محدود نمی‌شود و آثار آن مستقیم بر قدرت خرید، سطح رفاه و احسای عدالت اجتماعی خواهد‌ها تأثیر می‌گذارد | **صفحه ۴**

<b>یادداشت سیاسی</b>
محسن سلگی

### منطق پنهان غربی که باید افشا شود

توصیه اخیر رهبر حکیم انقلاب اسلامی مبنی بر تمرکز بر نقاط ضعف دشمن و ضرورت اتخاذ آرایش جنگی رسانه‌ای را نباید تنها یک فراخوان تاکتیکی یا واکنشی سیاسی فهم کرد. این توصیه، پیش از هر چیز، بیانگر درکی ساختاری از ماهیت قدرت در زمان اکنون است؛ زمانی که در آن سلطه محدود به زور نظامی نیست و از مسیر کنترل روایت، تولید معنا و مدیریت ادراک جمعی اعمال می‌شود. از منظر چپ‌نو، سخن رهبر حکیم دعوتی است به افشای تناقضات درونی نظامی که مدعی امنیت، آزادی و پیشرفت است، اما در عمل ناامنی، بی‌ثباتی و خشونت ساختاری را بازتولید کرده است | **صفحه ۶**

# تجلیل از احیاگر حوزه مشهد

**حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار اعضای کنگره بزرگداشت آیت‌الله سید محمدهادی میلانی:**

### آیت‌الله میلانی از ارکان نهضت اسلامی است

**آیت‌الله سبحانی:** مر حوم میلانی درد و درمان را می‌شناخت و خدمات زیادی در عرصه اجتماعی، علمی و سیاسی انجام داد

صفحه ۲

### طلبه‌ای که هم درس می‌داد هم انقلاب می‌ساخت

● **سیدعبدالله متولیان** |صفحه ۲

### حضور ذهن و حافظه‌ای بسیار قوی

سردبیر: فرامتن سخنرانی رهبر معظم انقلاب در دیدار با دست‌اندر کاران کنگره آیت‌الله میلانی، حافظه و حضور ذهن شگفت‌انگیز ایشان بود. ذکر مقاطعی از جلسات درس ۶۰ تا ۶۵ سال پیش که تجربه شخصی ایشان بوده است، چیزی نیست که در جایی نوشته باشد که بتوان آن را حتی قبل از سخنرانی مرور کرد. سپس ذکر جزئیات دقیق از روابط نسبی و سببی مرحوم میلانی و رفتار سلوکی و سیاسی ایشان و منبری‌های خانه آن مرحوم و ارتباطات‌شان با برخی فضلا و ملاهای زمانه و رفت‌وآمدها همه به شکلی بیان می‌شود که گویی تصاویر آن دوران مقابل چشم شما قرار می‌گیرد. بخش‌هایی از متن سخنان را اگر مرور کنیم مؤید آن است و چه‌سا برای فهم برخی از این ارتباطات و جزئیات ما باید وقت بیشتری روی این متن بگذاریم!

«ایشان با والد ما در تبریز هم‌مکتب بودند. ایشان متولد نجفند و پدر ایشان داماد مرحوم شیخ محمدحسن مامقانی معروف، محمّتی مکناسب و آن شخصیت برجسته و مرجع تقلید بزرگ زمان خودش که ظاهراً متوفای ۱۳۲۱ یا ۱۳۲۲ بوده‌اند. لذا ایشان متولد نجفند، منتها پدر ایشان می‌آیند تبریز و یکی دو سالی در تبریز بودند، بعد دوباره برمی‌گردند به نجف. در آن یکی دو سال، این پسر که مکتب می‌رفته، با مرحوم والد ما یکی دیگر از علمای تبریز، یعنی مرحوم آسیدابراهیم دروآزای- که پسر ایشان آسیدمهدی دروآزای در تهران بودند، مستند در درس هم گاهی بشناسند- این سه نفر، هم‌مکتب بودند... ضمناً این مورد توجه باشد که ایشان نوه‌ی شیخ محمدحسن مامقانی و داماد مامقانی صاحب رجال هستند؛ داماد مرحوم آشیخ عبدالله مصطفی‌ای بود که ایشان که آمدند راجع به دای‌شان می‌گفتند که مرحوم آقادی- به این تعبیر- در کتاب رجال‌شان این‌چور گفتند... عمدۀ استفاده‌ی علمی ایشان از مرحوم آقای نائینی و مرحوم آشیخ محمدحسن مصطفی‌ای بود که ایشان آن‌ها این‌چورا اسم می‌وردند. میرزا زکی استاد، حاج شیخ‌استاد، به این تعبیر از آنها در درس یاد می‌کردند لکن سلوک فکری فقهی ایشان به مرحوم آقای نائینی نزدیک‌تر بود... یک دورای در زمان مرحوم آقاده و مرحوم حاج آقا حسین، دوره‌ی اوج و اعلائی داشته؛ بعد از شهادت آنها تا سال‌ها این حوزه رکود داشت، یعنی در فقه و اصول، یک درسی که بتواند طلبه‌ی مشتاق را در حوزه‌ی مشهد پنداند کند و نگه دارد، نبود؛ ایشان که آمدند احیا کردند حوزه را... شبها درسی فقه را شروع کردند و در مدرسه‌ی مسجد حاج ملا هاشم، درس آچاره را شروع کردند... مرحوم حاج ملا آقاچان مثلاً می‌آمد مشهد، با ایشان ارتباط داشتند. منبر می‌رفت، از من دیده‌بودم که در منزل آقای میلانی- مرحوم حاج ملا آقاچان منبر می‌رفت. با بعضی دیگر، امثل آن آقای تقیبنی معروف به «هور» در مشهد، با ایشان ارتباطاتی داشتند. با مرحوم مهیندس بازرگان و دکتر سبحانی و مانند این‌ها ایشان مرتبط بود. من شاید دو بار یا سه بار می‌خواستم از مشهد بروم تهران، رفتم خدمت ایشان مثلاً برای حافظه‌ی، ایشان گفتند که شما تهران که رفتید، نشان برای دیدار آقای مهیندس بازرگان هم می‌روید؟... ایشان یک نامه‌ای به‌امام نوشتند نامه‌ی فوق‌العاده‌ی است؛ نامه‌ی بسیار قوی و متن در حمایت از امام و تأسیف از تبعید ایشان که این جمله‌ها را از آن نامه یادم هست: الشکوتُ أخوُ الرضا و من لم یکن ممتناً کانَ غَیثاً. این عبارات را در آن آورده بودند. از کلمات امیرالمؤمنین در وقتی که جناب ابودر تبعید می‌شدند آورده بودند.»

و با استقرار آیت‌الله میلانی در شهر مشهد (در پی دعوت‌های مکرر علمای این شهر در سفر پیشین) این کانون علمی جانی تازه یافت. تدریس او که از آورده‌های علمی آیتین میرزا حسین نائینی و شیخ محمدحسین اصفهانی (کمپانی) قوام یافته بود، رشته رفته توجه استعدادهای جوان و سرشار این حوزه را جلب کرد و آنان را ماذوب خویش ساخت. نگارنده مکرراً بر برخی شاگردان آن بزرگ شنیده است، که نحوه مواجهه او با مقولات پیچیده فقهی و قدرتش در حل و فصل غوامض آنان، طالب را به وجد و اعجاب می‌آورد؛ نیک‌بختانه بخش‌هایی از دروس فقهی او ضبط و در سالیان اخیر ارتقای کیفیت یافته و آئینه‌های گویا از این آثار کثیر علمی است. از نسوی دیگر تلاش ارجمند و آیت‌الله میلانی در تأسیس مدارس سی با برنامه‌های منظم و بدیع نیز، در اصلاح حوزه و سوق یافتن آن به تربیتی‌نوبن برای طلاب خراسان، من و مؤثر و موفق افتاد و به مرور آثار خویش را نمایان ساخت.

دو آیت‌الله میلانی تربیت‌یافته علامه نائینی و فضای حوزه نجف در دوره مشروطیت بود. هم از این روی، توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی را وظیفه خویش می‌انگاشت. به همین علت نیز، چه در دوره نهضت ملی - که در کربلا می‌زیست- نسبت به وقایع آن بی‌تفاوتی نرئید و چه در دوران نهضت اسلامی، به عنوان یکی از اصلی‌ترین عناصر آن به میدان آمد. پس از دستگیری امام خمینی و تصمیم مراجع و علمای بلاد مبنی بر مهاجرت مشهد، با آسواک هواپیمای حامل وی را به مشهد بازگرداند؛ او بلافاصله از راه زمینی خود را به تهران رساند و با حضور در تشریش، کانونی شاخص از معترضان را در این شهر ایجاد نمود و با آسما‌ی اعلامیه تصدیق مرجعیت امام، رژیم پهلوی را در تنگنا و بن‌بست قرار داد؛ وی را از آزادی رهبر نهضت اسلامی، به دست آنها سیر شد و تا کشور گنگسان شود در میان آنها حتی یک پرچم ایران هم به چشم نمی‌خورد. نملی از اسلام و دیانت قاطبه‌ی مردم ایران در میان نبود؛ بلکه اکثریت آنها کمال ناشناسی با این سنت عظیم و قویم ایرانی داشتند و یکی از آنها هم که از تجزیه‌طلبان مشهور و بنام است، بعد از این اظهارات شبکه‌های لندنی حملات زیادی به دکتر سروش کردند ولی او دوباره از دیدگاه خود نسبت به آن بازنگری نکرد. کار آن بازیگر در زمان خودش بسیار بیشتر دیده شد و بحث فوق‌العاده‌ی بیشتری را انگیزت. با آنکه نه خودش و نه دیگران مثل اکنون اعا کردند که دیده‌شدن این هر هجنگی مدار زاد». خلق یک اثر هنری و نشانه‌ی نفوذ در افکار عمومی و تغییر در ایرانیان است! پس اگر چیزی بسیار دیده می‌شود، الزماً از جنس «گفوذ» و «اهمیت‌دادن به مقام زن» نیست. در پیوست ما همان استدلال اول، اگر آن بازیگر خارجی که در غرب، برهنه کامل شد تا او را بپذیرند، فرضاً به ایران باز گردد و با حجاب کامل مقابل دوربین بنشیند و بگوید که من کمپ. بسیاری از سلبی‌تی‌های که در سال‌های اخیر خود را مقابل نظام و به ظاهر «طرف مردم» قرار داده‌اند، رانت‌های عظیم -توجه کنید رانت عظیم- از نهادهای نظام و صندوق‌ها و تلویزیون و در واقع از جیب مردم گرفته‌اند. اگر جامعه ما یک جامعه انقلابی در حد اعلا باشد، نمی‌پذیرد که سلبی‌تی‌های رانت‌خوار و دست‌پرورده چند نهاد رانتی بخواهند مدعی مردم و جامعه و هنر باشند.

### راهبری که در بحبوحه مصاف از فضایل استادمی گوید

● **محمد رضا کائینی**؛ دبیر گروه تاریخ

از نگره تاریخی و طی قرن‌ها، نوعی ارتباط وثیق میان برآمدگان حوزه علمیه خراسان، با حوزه‌های شیعی در عراق و ایران برقرار بوده و رد پای علمی آنان که در «سده‌ها» زاده شده‌اند، را در تأسیس و ارتقای حوزه‌های علمیه، از جمله در نجف می‌توان رصد کرد. از سوی دیگر توفع نیز، همواره بلندگی و رونق حوزه خراسان را از نظر دور نداشته و بسا فرزانگان پرورده خویش را، برای حراست از این کانون علمی، رهسپار مشهد و شهرهای اطراف ساخته است. دو مثال تاریخی بعید و قریب این امر نیز، تأسیس حوزه کهن نجف اشرف به دست شیخ محمد بن حسن طوسی در سال ۴۴۸ قمری و نیز قرن‌ها بعد، هجرت آیت‌الله العظمی سیدمحمدهادی حسینی میلانی -که خویش از فضایی حوزه نجف بود- در سال ۱۳۳۴ شمسی-، از کربلا به مشهد است. در این وجیزه‌ها، نظری به مهاجرت دوم افکنده‌ایم و پیامدهای فراوان آن را به مرور نشسته‌ایم. یک حوزه مشهد تا پیش از تضییقات رضاخان، کانونی به روال بود و عالمان نام‌آور، آن را مدیریت می‌کردند و بر غنائش می‌افزودند. مزاحمت‌های فراق او و واکنش‌های طبیعی اعلام مشهد، تبعید آنان از این شهر را موجب گشت. آیت‌الله شیخ محمد آقاده خراسانی (فرزند آخوند ملامحمد کاظم خراسانی) به تهران تبعید و نهایتاً در پایتخت کشته شد، آیت‌الله العظمی آقا حسین قمی به عراق تبعید گشت، آیت‌الله سید یونس اردبیلی نیز، به اقامت اجباری در تهران و سپس اردبیل محکوم شد. رده‌های پایین‌تر علمی و تبلیغی این حوزه نیز، سرنوشتی بهتر از بزرگان خود نداشتند و در بهترین صورت، با خانه‌شعبی شدند یا به فعالیت محدود بسنده کردند. حوزه مشهد طی دو دهه، نوعی آفت و رکود را تجربه کرد. سرانجام در سال ۱۳۳۳

در خارج از ایران شورای رهبری تشکیل دادند، دکتر عبدالکریم سروش، فیلسوف ایرانی منتقد حکومت که مقیم امریکاست، علیه این شورای رهبری صحبت کرد و مشخصاً درباره بازیگر زن گفت: «یکی از آن‌ها نامحان نادان سر تا پاره‌نشد او که در درون خانواده هنری نپذیرفتند». دکتر سروش این شورای رهبری را این‌گونه توصیف کرد: «بیشتر این افراد هنرگر در میان مردم ایران هم نزیسته‌اند. این‌ها همه در ارزش‌های مردم ایران آشنایی ندارند بعد با کمال بی‌خیالی و بلکه با کمال جسارت دعوی رهبری این قوم را هم دارند و گمان می‌کنند که زلفی است و نام امر به دست آنها سیر شده و تا کشور گنگسان شود در میان آنها حتی یک پرچم ایران هم به چشم نمی‌خورد. نملی از اسلام و دیانت قاطبه‌ی مردم ایران در میان نبود؛ بلکه اکثریت آنها کمال ناشناسی با این سنت عظیم و قویم ایرانی داشتند و یکی از آنها هم که از تجزیه‌طلبان مشهور و بنام است، بعد از این اظهارات شبکه‌های لندنی حملات زیادی به دکتر سروش کردند ولی او دوباره از دیدگاه خود نسبت به آن بازنگری نکرد. کار آن بازیگر در زمان خودش بسیار بیشتر دیده شد و بحث فوق‌العاده‌ی بیشتری را انگیزت. با آنکه نه خودش و نه دیگران مثل اکنون اعا کردند که دیده‌شدن این هر هجنگی مدار زاد». خلق یک اثر هنری و نشانه‌ی نفوذ در افکار عمومی و تغییر در ایرانیان است! پس اگر چیزی بسیار دیده می‌شود، الزماً از جنس «گفوذ» و «اهمیت‌دادن به مقام زن» نیست. در پیوست ما همان استدلال اول، اگر آن بازیگر خارجی که در غرب، برهنه کامل شد تا او را بپذیرند، فرضاً به ایران باز گردد و با حجاب کامل مقابل دوربین بنشیند و بگوید که من کمپ. بسیاری از سلبی‌تی‌های که در سال‌های اخیر خود را مقابل نظام و به ظاهر «طرف مردم» قرار داده‌اند، رانت‌های عظیم -توجه کنید رانت عظیم- از نهادهای نظام و صندوق‌ها و تلویزیون و در واقع از جیب مردم گرفته‌اند. اگر جامعه ما یک جامعه انقلابی در حد اعلا باشد، نمی‌پذیرد که سلبی‌تی‌های رانت‌خوار و دست‌پرورده چند نهاد رانتی بخواهند مدعی مردم و جامعه و هنر باشند.

### واکنش‌های ناموزون

### به یک «ترانه» رانتی

● **علامه‌رضا صدیقان** | سردبیر

یک خانم بازیگر درباره یک خانم بازیگر دیگر مستندی ساخته به اسم «ترانه» و بی‌بی‌سی فارسی پخش کرده است. درباره اظهار نظر‌های زیادی که پیرامون این مستند شده است، نقد و تحلیلی دارم. پس آنچه می‌نویسم درباره خود آن مستند و درباره خود آن خانم‌ها بالخصوص و بالاصاله نیست. و درباره حجاب و آزادی هم نیست. فقط درباره واکنش‌ها به آن است که از «شوک» تا «هوق» تا «م‌هوق شده است». «با آن اشک ریخته‌اند»، و از این‌گونه واکنش‌هاست.

مطابق گزارش بی‌بی‌سی در این مستند آن خانم که بی‌حجاب است و می‌گوید نخستین است که این‌گونه بی‌حجاب ظاهر می‌شود، مدعی شده «دیگر در هیچ شرایطی باحجاب بازی نخواهد کرد و از کنار گذاشتن بازیگری احساس بدی ندارد». و بعد ادعا شده که مستند در شبکه‌های اجتماعی ۲۵ میلیون بار دیده شده است و این را دلیل موفقیت و پذیرش آن و بیانگر «نفوذ این مصاحبه در جامعه ایران و گروه‌های مختلف» فرض کرده‌اند.

استدلال ساده‌ای علیه این ادعاها وجود دارد. هر «ساختار شکنی» آن هم اگر از طرف کسانی باشد که سال‌ها داخل چارچوب‌های قانونی کار کرده و با تلویزیون و نه سینما و شبکه‌نمایش خانگی قانونی به جامعه معرفی شده‌اند، معمولاً دیده‌ی‌شود و تعجب‌برانگیز خواهد شد. چون همان‌گونه که آن «ساختار» رانته بوده، این «ساختار شکنی» نیز در امتداد همان رانت قرار می‌گیرد و «رانتی» است. هر چه قدر هم این ساختار شکنی بیشتر باشد، بیشتر دیده می‌شود. پس کسانی که می‌خواهند بگویند این مستند به خاطر «حرف‌هایی که در آن زده شده، دیده شده، باید بتوانند مقایسه کنند که اگر همین حرف‌ها فقط به شکل صوتی یا با حجاب عرفی منتشر می‌شد، همین قدر دیده می‌شد یا نه. اگر امکان مقایسه ندارند، نمی‌توانند حکم قطعی بدهند، مگر این که با موضوع دیگری که دقیقاً شبیه به همین بوده باشد، مقایسه کنند.

با مقایسه می‌توان ادعا کرد که در همین مستند اگر حجاب از این هم بدتر بود، بسیار بیشتر دیده می‌شد. این یعنی «باز شدن» نه آزاد شدن و آزاد بودن و زن بودن. به یاد بیاورید در آثوب سال ۱۴۰۱ که چند تن از بازیگران سینما و بازیکن فوتبال جدول درهبدنی برود.



استاد، وی در همان دوره نیز آران‌های جهادی و سیاسی خود را به بوته فراموشی نسپرد و در حد توان، در طریق تحقق آن گام می‌زد. سه پرسش صریح در این مقطع اما، این است که آیت‌الله میلانی به چه کار امروز جامعه مسا می‌آید؟ با اندک نظری بر آرایش دشمنان اندیشه و عمل اسلامی در دنیای اکنون، باخس دشوار نیست. تمرکز حمله‌آوران بر گزار‌های اعتقادی و عملی حوزه‌ها از دخالت در سیاست و نهایتاً یورش همه‌جانبه بر نظام دین و میدان‌دهی به فرق ضاله، دوره ساختن جامعه از حدود و مرزهای شرعی و اعتبارزدایی از آنها، ناامید و سرخورده ساختن کلّام می‌توان آن را پروژه «لابالی‌سازی» نامید- می‌تواند در زمره ضرورت‌های این امر قلمداد شود. به جرئت می‌توان ادعان کرد که در کمتر دوره‌ای از تاریخ اسلام و ایران، دشمنان آن دو، اینچنین به هدم آنها کمر بسته‌اند و از سوی دیگر، تجربه‌اندوزی از منش سلف جامعه در میادینی شبیه بدان، تا این حد ضرورت و اهمیت مضاعف یافته است.

چهار: رویداد باشکوهی است که نیم قرن پس از رحلت آن فقیه فرزانه، شاگرد نامدارش که امروزه در جایگاه سکاندار مواجهه با زورمداری جهانی قرار دارد، در شرایطی که عده‌ای آن را جنگی می‌خوانند، با طمانینه، متانت و وقاری که به استناد شباهت می‌یزد، نخبگان حوزه‌وی را به الگوی آیت‌الله العظمی میلانی می‌دهد. او در ۱۷ سالگی به درس خارج فقه استاد بار یافت و به دلیل پیوندهای پیشین وی با پدر، با او مأتوس گشت. چندی بعد مهاجرتش به قم پیش آمد و در بی‌سالانی، دوباره به مشهد و درس آموزگار دبیرین خویش بازگشت. از آن پس تا پایان حیات آیت‌الله، با وی ارتباطی وثیق داشت و در تکاپوی تبلیغ دینی و مبارزات سیاسی، از مشاوره او بهره‌مند است. بی‌تردید بخشی از برخورداری علمی، اخلاقی و عرفانی رهبر معظم انقلاب اسلامی، متأثر از این مصاحبت شکل گرفته است، تاوانی که امروز با مدد گرفتن از آن، بخواه‌ان ایران را پشت در شکست نگاه داشته و امال سیاه‌شان را نقش بر آب ساخته است. عمر و توقیفش برقرار باد.

ناقهمی در میان استامان دانشگاه و بسیاری از فعالان سیاسی و هنری تا آنجاست که یک استاد دانشگاه شریف در کمال افتخار و در دفاع از این بازیگر گفته است «مستند نشان می‌دهد که ترانه وقتی در فیلم برداران لایلا به صورت پدر خودش سیلی زد، نقش بازی نمی‌کرد و خودش بوده است.»خب باید گفت خالصر بدهده به اطرافیان این آثار را اظهارات. دیگری گفته‌است این جمله ترانه جالب بود که هنر نمی‌تونه از جامعه عقب‌تر باشه است که هنر در نسبت با جامعه جلوتر، یا عقب‌تر یا مستقل از جامعه باشد. در پرگامت‌ست‌ها نیز که هنر آوانگار، رانمی‌پذیرند و می‌گویند هنر اگر جریان تجربه‌ی زیسته جدا شود، بی‌رط و ناآرگامد می‌شود، تعریفی از جامعه و تجربه‌ی زیسته دارند که با این تعریف‌های ساختگی سلبی‌تی‌های خورد و کسانی که هنر را ابزار ارتجاع اجتماعی می‌دانند، البته شاکله خاصیت شبکه‌های اجتماعی تقلید گلو‌وار در آن است. یعنی حرف‌ها را به نام خود منتشر می‌کنند! جامعه ما در حد قابل تأملی گرفتار آفت سلبی‌تی‌ها شده است. اصالت جامعه این‌گونه خشن‌دار می‌شود. نهادهای سلبی‌تی‌ساز باید به خود بیایند، آنها کمکی به مردم نمی‌کنند و آسیب‌های اجتماعی و روانی را بیشتر می‌کنند.

سوره‌ساز، حسین کشتکار | جوان

### طلبه‌های که هم درس می‌داد هم انقلاب می‌ساخت



سیدعبدالله مولیان

کارشناس سیاسی

امروز در قلب حوزه‌های علمیه، یک پرسش قدیمی با پوستینی جدید، ذهن نسل جوان را می‌خراشد: «آیا باید در کنایتانه‌ها غرق شد یا در میدان‌های اجتماع؟». پاسخ تاریخ، قاطع و الگومند است: در میانه دهه چهل، در مشهدی که حوزه‌ها به خاموشی می‌گرایید، مردی برخاست که هم‌زمان «مکاسب» می‌آموخت و «مصایب» را می‌زود، هم مدرسه‌سای بنا می‌نهاد و هم جبهه‌ای را

سازمان می‌داد. آیت‌الله العظمی سید محمدهادی میلانی، تندیس زندهای از نسل تکرار نشدنی‌ای است که مرز میان «نظریه» و «عمل» را نه با مناظره، که با زیست‌ماندگار خود محو کرد. در عصری که جریان‌های موازی در قم، حوزه هواز را به برج عاج علم یا واکنش‌های سطحی سیاست تقلیل می‌دهند، باز خوانی این الگو، (در سه پرده) تنها یک یادبود نیست، یک پروژه نجات بخش است.
پرده نخست: عمق علمی، پیش‌ران اقتدار سیاسی، برخی در فضای حوزوی امروز، بر این بنیادند که «فقه» و «سیاست» دو قلمرو جداگانه‌اند و حضور در عرصه عمومی، از قداست علم می‌کاهد. در نقطه مقابل، شماری دیگر، اجتهاد را فدای شعار می‌کنند و عمق استنباط را قربانی هیجان لحظه می‌سازند. میلانی خط‌ی بلطان بر هر دو نگاه کشید. اعلامیه‌های آتشین و متین او که رهبر انقلاب از «هیجان خوانندشان» یاد می‌کنند، بر بستری از استنباطی سخت‌کوشانه می‌روید که سال‌ها در محضر نائینی و شیخ محمدحسین اصفهانی تربیت یافته بود. این است تمایز طلبه انقلابی حقیقی با فعال سیاسی معمولی؛ یکی سلاحش «دلیل استوار فقهی- کلامی» است و دیگری تنها به «شعار هیجانی» مجیز است. احیای درخشان حوزه مشهد توسط او، ثابت کرد که حوزه زمانی می‌تواند در میدان سیاست اثرگذار باشد که اول در میدان علم، استوار ایستاده باشد.

پرده دوم: وحدت استراتژیک در میانه تنوع جریان‌ی: آیت‌الله العظمی میلانی درس بزرگ‌تری در مدیریت پیچیدگی‌های انتلافی به ما می‌آموزد. او با شرح صدی کم‌نظیر، هم با ملای مذهبی‌هایی چون مهندس بازرگان و دکتر سخای در ارتباط بود و هم مرزبندی شفاف خود را با جبهه ملی حفظ می‌کرد. هم در جمع علمای مهاجر به تهران، محور و مورد اعتماد بود و هم استقلال رأی خویش را فدای هرنگی با جمع نمی‌نمود. این، هنر وحدت‌افزینی بدون ذوب شدنگی است، استعدادی که امروز، در گیرودار کشمکش‌های جنجالی و پرچسب زنی‌های ویرانگر در فضای حوزوی، به یک مهارت بقا تبدیل شده است. الگوی میلانی نشان می‌دهد که وفاداری به اخط امام (ره)، به معنای قطع ارتباط با دیگر جریان‌ها نیست، بلکه به معنای هدایت هوشمندانه کل جریان‌های مردمی به سمت اهداف متعالی انقلاب است.

پرده سوم: سلوک معنوی، زره ناپذیری مبارزه؛ بعد کمترشناخته‌شده مرحوم میلانی بزرگ، جان‌مایه عرفانی شخصیت اوست. ارتباط او با اساتید سلوکی بزرگی چون سیدمدافعفار مازندرانی و حاج ملافاقاجان زنجانی، و نیز ارادت و یزاهای که شخصیتی مانند علامه طباطبایی(ره) به او داشت، گواه آن است که مبارزه سیاسی بی‌پشتوانه معنوی، محکوم به انحراف، شکستی یا غرور است. آن آرامش متانت‌آمیز که رهبری به آن اشاره می‌کنند و کرامات نقل‌شده از او، تنها استعاره‌هایی از همان قدرت باطنی هستند که یک طلبه را در طوفان سخت‌ترین میدان‌ها، مضمون و پابر جانگی می‌دارد. این بعد، پاسخخ به کسانی است که مبارزه را امری صرفاً مادی می‌بینند.

نسل میلانی، نسبت نایب بود؛ هم مدرس بود، هم مجاهد، هم فقیه بود. هم استراتژیست، هم متواضع بود، هم مقتدر، هم اهل خلوت بود، هم اهل خلوت شکنی. بحران امروز حوزه، کمبود افراد در هر یک از این قطب‌ها نیست، کمبود الگویی است که این قطب‌های به ظاهر متضاد را در وجود خویش جمع و هماهنگ کرده باشد. طلبه امروز، میان انبوه متون کهن و سیل اخبار اضطرابی جهان، سرگردان است. راه برون رفت، نه گرایش به یک سر طیف و طرد سسر دیگر، که بازآفرینی آن سنتز تاریخی است: ساختن شخصیتی که کتاب و میدان را دو فصل از یک وجود می‌بیند.

انتخاب پیش روی حوزه‌های علمیه، انتخابی سرنوشت‌ساز است؛ یا پذیرش این سنتز دشوار اما حیات بخش، یا تسلیم در برابر شکست قابعهار «علم بی‌عمل» و «عمل بی‌علم». مسیر نخست، مسیر حضرت آیت‌الله العظمی میلانی است و همان است که مقام معظم رهبری با تأکید مکرر بر حوزه‌ها، زمان آگاه و مردمی<sup>۹</sup> ترسیم می‌فرمایند. این مسیر، زرمه‌های عمیق حجه‌راه را با غرش سئواله‌های میدان در هم می‌آمیزد. گام بعدی با مطلاب، اسنادی و پنهان‌های حوزه است؛ با این میراث رازنده کنند و تاریخ‌ساز شوند، با شاهد انفصال درناک نهاد دین از یوپای جامعه باشند. میلانی ثابت کرد این هنر، ممکن است. اکنون نوبت ماست.

## خبر آخر

فرمانده نیروی دریایی ارتش خبر داد

### ایران میزبان رزمایش سه‌جانبه در منطقه اقیانوسی

فرمانده نیروی دریایی ارتش از برگزاری یک رزمایش سه‌جانبه به میزبانی ایران خبر داد که با مشارکت تعداد بیشتری از کشورهای در آینده‌ای نزدیک برگزار خواهد شد.

به گزارش ایرنا، امیر در یادار، شهرام ایرانی روز جمعه در حاشیه‌های پژوهش در نداجا در نوشهر در جمع خبرنگاران اظهار داشت: این نیرو تا به امروز در سال ۱۴۰۴ در ۱۲ رویندای بین‌المللی مختلف حضور فعال داشته است. این رویدادها شامل فعالیت‌های علمی، مهارتی، ورزشی و همچنین مشارکت در رزمایش‌های منطقه‌ای و فرمانطق‌های بوده است. در قالب پیمان‌های اقتصادی، ناوگروه ۱۰۳ نیروی دریایی ارتش به‌زودی در یکی از این رزمایش‌ها حضور پیدا خواهد کرد. اعضای گروه در حال حاضر در مسیر این رزمایش قرار دارند و پیش‌بینی می‌شود که ظرف یک هفته آینده، نیروی دریایی ایران به این رزمایش بپیوندد.
یادار ایرانی در ادامه تأکید کرد که علاوه بر رزمایش‌های بین‌المللی، کشورهای همسایه و در منطقه اقیانوسی برگزار کند. او همچنین از برگزاری یک رزمایش سه‌جانبه خبر داد که با مشارکت تعداد بیشتری از کشورها در آینده‌ای نزدیک بر گزار خواهد شد. وی با تأکید بر نقش راهبردی پژوهش‌های دریایی در تحقق سیاست‌های نه‌گانه توسعه دریامحور اظهار داشت: دستاوردهای پژوهشی این‌ها تنها در هفته پژوهش، با تمرکز بر امنیت دریایی، ایمنی دریاوردان و حفظ محیط زیست دریایی، مبنای حرکت علمی و عملی نیروی دریایی در سال جاری و آینده خواهد بود. فرمانده نیروی دریایی ارتش با بیان اینکه در هفته پژوهش و دو رویداد دیگر که جنبه پژوهشی داشته و به محصول منتهی شده‌اند، گرد هم آمده‌ام، افزود: این پژوهش‌ها در گستره بیکران دریا تعریف شده‌اند. گستره‌ای که امروز به یکی از کلان‌ترین و مهم‌ترین محورهای سیاست‌های نه‌گانه توسعه دریامحور کشور تبدیل شده است.

# ۲ جوان

روزنامه جوان | شماره۷۴۸۶ |

## پاسخ

سرویس سیاسی، ۶۰۸۸۵۲۳

#### خبر یک



اعضای کنگره بزرگداشت آیت‌الله سید محمدهادی میلانی با رهبر انقلاب دیدار کردند

# تجلیل از احیاگر حوزه مشهد

## رهبر معظم انقلاب: آیت‌الله میلانی از ارکان نهضت اسلامی است

کنگره بزرگداشت پنجاهمین سال رحلت آیت‌الله محمدهادی میلانی با بیانات رهبر معظم انقلاب در مورد این عالم بر جسته روز پنج‌شنبه در تالار قدس حرم مطهر رضوی برگزار شد. در ابتدای این مراسم بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اخیر اعضای ستاد برگزاری کنگره بزرگداشت آیت‌الله العظمی سید محمدهادی میلانی با ایشان ارائه کرد.

**■ آیت الله سبحانی: میلانی فقیه اجتماعی**

**و سیاسی بود**

روز پنج‌شنبه همچنین پس از بخش بیانات رهبر ضمن قدردانی از برگزاری چنین کنگره‌ای، مرحوم آیت‌الله میلانی را یک شخصیت جامع‌الاطراف از لحاظ «معنوی»، «اخلاقی»، «علمی» و «اجتماعی و سیاسی» دانستند و تأکید کردند: آیت‌الله میلانی واقعا احیاگر حوزه علمیه مشهد بود و این حوزه مدیون آن مرحوم است.

رهبر انقلاب، آیت‌الله میلانی را از لحاظ فردی، شخصی ممتاز و دارای وقار و متانت و در عین حال تواضع، وفاداری نسبت به دوستان و برخوردار از لطافت روحی و ذوق شعر توصیف کردند و افزودند: آن مرحوم از لحاظ علمی یک ملای بزرگ بود که از محضر اساتیدی همچون مرحوم نائینی و مرحوم شیخ محمدحسین اصفهانی بهره برده و در «درس و بحث علمی» خوش بیان بود و طلبه‌های فاضلی را پرورش می‌داد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای یکی دیگر از جنبه‌های شخصیتی آیت‌الله میلانی را اهل سلوک بودن آن مرحوم برشمردند و با اشاره به حضور ایشان در متن قضایای اجتماعی و سیاسی آن زمان گفتند: آقای میلانی در دوران شروع مبارزات در اوایل دهه چهل، حقا یکی از ارکان نهضت اسلامی بود و متن مسائل اجتماعی و سیاسی که سفر به تهران به همراه جمع دیگری از علما بعد از بازداشت امام خمینی(ره)، نمونه‌ای از حضور تاثیرگذار در مسائل سیاسی است.
رهبر انقلاب اعلامیه‌های قوی و متین و محکم آیت‌الله میلانی در حمایت از نهضت اسلامی را نمونه دیگری از حضور تاثیرگذار آن مرحوم در متن مسائل سیاسی دانستند و گفتند: نامه ایشان در حمایت از امام خمینی(ره) بعد از تبعید امام به ترکیه، یک سند تاریخی است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید کردند: آیت‌الله میلانی با مبارزات و افراد گوناگون از جریان‌های مختلف سیاسی ارتباط داشت اما همواره از منتسب شدن به یک

#### خبر

خطیب جمعه تهران با تأکید بر توان بازدارنده جمهوری اسلامی ایران تصریح کرد که قدرت موشکی کشور واقیعیی انکار ناپذیر است و دشمنان هرگز نخواهند توانست این توانمندی را از ایران بگیرند.
به گزارش فارس، حجت‌الاسلام سیداحمد خاتمی، در خطبه‌های نماز جمعه این هفته تهران، در بخش تحلیلی خطبه‌های سیاسی نماز جمعه این هفته تهران با یادآوری روز ۹ دی، آن را روز میثاق با ولایت خواند و گفت: ۹ دی ۸۸ قله ولایتمداری بود. در آن روز همه جای کشور، بویژه تهران، جمعیتی عظیم حاضر شدند، گویا زمین و زمان آدم می‌رسید. مقام معظم مردم، آن را حماسه نامیدند و انصافا حماسه بود؛ یکپارچه شعار مردم این بود که این همه لشکر آمده به عشق رهبر آمد.
وی با بیان اهمیت ولایت فقیه در قانون اساسی تصریح کرد: «ولایت فقیه صرفا یک تئوری فقهی نیست، بلکه در قانون آمده است، در چندین اصل

قانون اساسی بر این مهم اشاره شده است. ولی فقیه تنها رهبر سیاسی نیست، بلکه جانشین امام زمان است. در اصل پنجم آمده که در زمان غیبت حضرت ولی عصر، ولایت امر امامت امت بر عهده فقیه عادل و واجد شرایط است. خاتمی با اشاره به حوادث ۸۸ گفت: در آن زمان حرمت ولایت و حجت‌الاسلام خاتمی افزود: تحلیل دوم بنده این است که ایران، ایران قوی است؛ ایران همان ایرانی است که پدر رژیم صهیونیستی را درآورد و تل‌آویو را به شهر اشباح تبدیل کرد. ایران، ایران قوی است، وی با تأکید بر ضرورت پرهیز از ارسال پیام ضعف افزود: از تریبون‌داران و کسانی که سخنانشان منتشر می‌شود تقاضا دارم پیام ضعف صادر نکنند. شعار ایران قوی شعار مقام معظم رهبری است و این شعار ریشه فرا دارد. خطیب جمعه تهران با اشاره

به فشارهای بین‌المللی تصریح کرد: تلاش‌های بین‌المللی امروز برای این است که ایران قدرت موشکی نداشته باشد، اما نخواهد توانست؛ ایران قدرت موشکی دارد و قدرت موشکی بازدارنده نیز دارد. به دشمنان ایران می‌گویم اگر بخواهید به این نظام آسیب برسانید، روزتان به شام سیاه تبدیل خواهد شد. خاتمی با رد برخی القائات رسانه‌ای خاطرنشان کرد: می‌گویند ایران قوی نگویید چون دشمن به هراس می‌افتد؛ توجه داشته باشید دشمن از اسلام‌ما در هراس است. دشمن نمی‌خواهد ایران نامی باشد و در صدد براندازی است. تنها راه همان است که مقام معظم رهبری فرمودند؛ باید ایران قوی داشته باشیم و به یاری خداوند، ایران قوی دشمنان را زمین گیر خواهد کرد.

آیت‌الله خاتمی در ادامه خطبه سیاسی نماز جمعه تهران با اشاره به تعبیر شهید حاج قاسم سلیمانی اظهار داشت: به تعبیر شهید سلیمانی می‌گویم مراقب باشید که برای دشمن باز نکند؛ کوچک

آیت‌الله میلانی می‌تواند الگوی موفق و ترازوی برای حوزه‌های علمیه باشد. وی افزود: بعد معنوی، همایش زمین‌ساز شناسانه شدن ابعاد شخصیتی آیت‌الله میلانی، به مردم باشد. در ابتدای این دیدار تحول شگرف در حوزه علمیه این شهر شود. وی ادامه داد: آیت‌الله میلانی نسبت به مسائل داخلی و جهان اسلام دغدغه‌مند بود و در خدمات اجتماعی و رسیدگی به محرومان نیز حضور فعال داشت.

**■ میلانی مرجع بزرگ همراه با نهضت امام(ره)**

آیت‌الله میلانی از مراجع بزرگ همراه و همدل با نهضت امام(ره) بود و پیام بزرگ انقلاب و امام(ره) را دریافت کرده و خود نیز از فکری فعال، کنش‌دی و حکیمانه و شجاعانه در برابر عوامل غرب و اندیشه غربی برخوردار بود.

آیت‌الله علیرضا عراقی، مدیر حوزه‌های علمیه کشور در توصیف ویژگی‌های میلانی افزود: اثرگذار ایشان در بسیاری از میدان‌ها، بی‌نام و نشان و با اخلاص کامل بوده است. این اخلاص، گوهر نابی است که مطلاب امروز نیز باید در خود نهادینه کنند. مدیر حوزه‌های علمیه کشور گفت: مرجع میلانی همیشه بود که نظاره‌گر تخصص در ابعاد فقهی و معارفی در عرصه روابط مردمی کوشا، فعال، پیشرو و پیشگام بود و لحظه‌ای از توده‌های مردم جدا نبود در عین حال ارتباطات نخبگانی ایشان نیز برجسته و ممتاز بود. وی افزود: مرجع میلانی شخصیتی بود که افزون بر معارف عمیق، ارتباطات گسترده و سلوک معنوی، دارای حس هادنگری در درون و بیرون حوزه بود. او در

قسم و مشهد، سراغاز تحولاتی در نظام‌د علم و آموزشی مردم جدا نبود در عین حال ارتباطات عمیق، ارتباطات گسترده و سلوک معنوی، دارای حس هادنگری در درون و بیرون حوزه بود. او در قسم و مشهد، سراغاز تحولاتی در نظام‌د علم و آموزشی مردم جدا نبود در عین حال ارتباطات عمیق، ارتباطات گسترده و سلوک معنوی، دارای حس هادنگری در درون و بیرون حوزه بود. او در قسم و مشهد، سراغاز تحولاتی در نظام‌د علم و آموزشی مردم جدا نبود در عین حال ارتباطات عمیق، ارتباطات گسترده و سلوک معنوی، دارای حس هادنگری در درون و بیرون حوزه بود. او در قسم و مشهد، سراغاز تحولاتی در نظام‌د علم و آموزشی مردم جدا نبود در عین حال ارتباطات عمیق، ارتباطات گسترده و سلوک معنوی، دارای حس هادنگری در درون و بیرون حوزه بود. او در قسم و مشهد، سراغاز تحولاتی در نظام‌د علم و آموزشی مردم جدا نبود در عین حال ارتباطات عمیق، ارتباطات گسترده و سلوک معنوی، دارای حس هادنگری در درون و بیرون حوزه بود. او در

آیت‌الله عراقی اظهار کرد: مرحوم میلانی در عرصه سیاسی، دارای فکری روشن بود، امواج مهاجر در این شهر خوبی می‌ساخت و جایگاه خود را در این میدان بزرگ به درستی تشخیص می‌داد.

نماینده ولی فقیه در خراسان رضوی نیز طی سخنانی در این کنگره با تأکید بر اینکه جایعتی سپرده شد.

خطیب نماز جمعه تهران خطاب به دشمنان:

## قدرت موشکی ایران را نمی‌توانید بگیرید

به فشارهای بین‌المللی تصریح کرد: تلاش‌های بین‌المللی امروز برای این است که ایران قدرت موشکی نداشته باشد، اما نخواهد توانست؛ ایران قدرت موشکی دارد و قدرت موشکی بازدارنده نیز دارد. به دشمنان ایران می‌گویم اگر بخواهید به این نظام آسیب برسانید، روزتان به شام سیاه تبدیل خواهد شد. خاتمی با رد برخی القائات رسانه‌ای خاطرنشان کرد: می‌گویند ایران قوی نگویید چون دشمن به هراس می‌افتد؛ توجه داشته باشید دشمن از اسلام‌ما در هراس است. دشمن نمی‌خواهد ایران نامی باشد و در صدد براندازی است. تنها راه همان است که مقام معظم رهبری فرمودند؛ باید ایران قوی داشته باشیم و به یاری خداوند، ایران قوی دشمنان را زمین گیر خواهد کرد.

آیت‌الله خاتمی در ادامه خطبه سیاسی نماز جمعه تهران با اشاره به تعبیر شهید حاج قاسم سلیمانی اظهار داشت: به تعبیر شهید سلیمانی می‌گویم مراقب باشید که برای دشمن باز نکند؛ کوچک

## گزیده‌های خبر



رئیس مجلس شورای اسلامی:

### قدرت خرید مردم باید در بودجه ۱۴۰۵ افزایش یابد

رئیس مجلس شورای اسلامی رفع نقاظ ضعف لایحه بودجه ۱۴۰۵ را در گرو همکاری دولت و مجلس عنوان کرد و گفت: شرایط معیشتی و افزایش قدرت خرید مردم باید به نحوی افزایش یابد که سبب افزایش نقدینگی و پایه پولی نشود.

به گزارش ایرنا، محمدباقر قالیباف روز گذشته در نشست هماهنگی و ارائه گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و سازمان برنامه و بودجه در خصوص بودجه سال آینده، گفت: اجرای مفاد آیین‌نامه مجلس در رابطه با بررسی لایحه بودجه سالانه و ارائه نظر کمیسیون تلفیق به صحن علنی مجلس ضروری است. البته لایحه بودجه ۱۴۰۵ دارای نقاط قوت و ضعفی است که باید با همکاری و همراهی دولت و مجلس برای رفع نقاط ضعف تلاش کنیم.

رئیس مجلس شورای اسلامی با تأکید بر توجه به معیشت و قدرت خرید مردم در بودجه که باید افزایش داده شود، تصریح کرد: نحوه انجام این کار از جمله مسائلی است که باید در کمیسیون تلفیق با حضور دولت بحث و بررسی شود به نحوی که بدون افزایش نقدینگی و پایه پولی، بتوانیم ظرفیت‌های جدی برای افزایش قدرت خرید مردم ایجاد کنیم. وی با بیان اینکه با وضعیت دک‌بندی‌های کنونی، نمی‌توان اقدامات راه به صورت هدفمند و عادلانه در کشور توزیع کرد، گفت: در حالی که از سال ۹۲ براساس قانون، سامانه رفاه برانین وظیفه دارد اطلاعات خانوادها را جمع آوری کند تا برنامه‌ریزی‌ها و توزیع یارانه‌ها، براساس اطلاعات دقیق باشد. اما بیش از یک دهه از این قانون گذشته و هنوز این اطلاعات دقیق وجود ندارد. همه بخش‌های مرتبط در نهادهای مختلف باید با هم افزایی کمک کنند تا دستگاه‌هایی که موظف به ارائه برخط داده‌ها به سامانه رفاه برانین هستند به وظیفه خود عمل کنند و هیچ دستگاهی حق ندارد از ارائه این داده‌ها سرباز بزند.

رئیس قوم مقننه با تأکید بر لزوم همدلی و همراهی دولت و مجلس برای حل مشکلات کشور به خصوص کمک به معیشت مردم و رفع نارتازجی‌های فعلی کشور خاطر نشان کرد: دولت و مجلس باید با هم نسبت به رفع مسائل بودجه و نقاط ضعف آن اقدام کنند، چراکه قرار نیست مجلس یا دولت به تنهایی این اقدام را انجام دهند. البته بعد از تصویب قانون نیز انتظار داریم، قانون به نحو درست اجرا شود. در این نشست، کارشناسان مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و سازمان برنامه و بودجه، نظرات خود در خصوص جدول الزامات مصارف و منابع، در آمده‌های مالیاتی و گمرکی، عملکرد مجموع درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی، صندوق توسعه، افزایش حقوق و دستاویی به هدفگذاری بر برنامه هفتم توسعه در بودجه سال ۱۴۰۵ کل کشور بیان کردند.

رئیس دادگستری هرمزگان اعلام کرد

### ضربه قانون به بنیان‌های مالی مافیای قاچاق

رئیس کل دادگستری هرمزگان با بیان اینکه ارزش نفتکش متخلف توقیف شده خارجی حدود ۷۰۰ میلیارد تومان است، گفت: ضربه‌ای که در این خصوص به بنیان‌های مالی مافیا و سرشکبه‌های قاچاق سوخت وارد شده است بسیار چشمگیر و حائز اهمیت می‌باشد.

به گزارش خبرگزاری صاوسیما، مجتبی قهرمانی گفت: دلاورمردان یکی از یگان‌های متنفذ یکم نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی موفق شدند یک فروند نفتکش خارجی حمل‌قلوب ۴ میلیون لیتر سوخت قاچاق را در آب‌های نیلگون خلیج فارس و در مجاورت جزیره قشم توقیف کنند. وی افزود: رزمندگان متنفذ یکم نیروی دریایی سپاه ۱۶ خدمه غیر ایرانی این کشتی را دستگیر کردند و در حین مقاومت قضایی اذیت‌نادهاند که این افراد را صدور قرار تأمین کیفری در بازداشت هستند.

رئیس دادگستری هرمزگان به روند رسیدگی و فرآیند تشکیل پرونده قضایی برای این کشتی و سرنشینان آن نیز اشاره کرد و در این خصوص گفت: پرونده‌ای در خصوص تخلفات این کشتی در دادسرای عمومی انقلاب شهرستان قشم تشکیل شده است. قهرمانی با اشاره به اهمیت پرونده از لحاظ مالی و میزان سوخت قاچاقی کشف شده افزود: ضربه‌ای که در این خصوص به بنیان‌های مالی مافیا و سرشکبه‌های قاچاقی سوخت وارد شده است بسیار چشمگیر و حائز اهمیت می‌باشد. وی افزود: آب‌های خلیج فارس و سواحل و جزایر ایرانی آن به هیچ وجه جای امنی برای فعالیت سودجویان و قاچاقچیان نخواهد بود و به همین منظور، شبانه‌روز با تمام توان و بدون اغماض با آنها در زمین و دریا مبارزه خواهیم کرد.

رئیس دانشگاه عالی دفاع ملی:

### نه فلسطین حذف شد

### نه مقاومت شکست خورد

رئیس دانشگاه عالی دفاع ملی با بیان اینکه جنگ اخیر نتوانست اهداف راهبردی رژیم صهیونیستی را محقق کند، گفت: نه فلسطین حذف شد و نه محور مقاومت از بین رفت.

به گزارش مهر، سردار اسماعیل احمدی‌مقدم، در مراسم دومین سالگرد شهادت سردار رشید اسلام، سردار سرتیپ پاسدار سید رضی موسوی، اظهار کرد: در منلق قرآن و سنت‌های الهی، پیروزی و شکست امری مطلق و همیشگی نیست و خداوند روزگار را میان ملت‌ها دست‌به‌دست می‌گرداند. وی با اشاره به جنگ احد گفت: در این جنگ، به‌ظاهر و به دلیل غفلت برخی رزمندگان اسلام، شکست رخ داد، اما وحی الهی نازل شد و پیامبر مأمور شد همان رزمندگانی که از میدان بازگشته بودند، حتی حمرحان، سینه‌به برای تعقیب دشمن حرکت کنند. با وجود داوطلبان دیگر، تأکید شد همان افراد حرکت کنند و آنان بدون تحمل هیچ تلفات و خسارتی دشمن را شکست دادند. این همان سنت الهی است. پیروزی دائمی نیست و شکست هم پایان راه نیست. رئیس دانشگاه عالی دفاع ملی با تأکید بر اینکه محور مقاومت نیز بر همین سنت الهی استوار است، افزود: دوستان ایرانی از زمان شکل‌گیری محور مقاومت تاکنون، مستمرا در این مسیر حضور داشته‌اند و شهادت آنان نیز در همین جبهه رقم خورده است. احمدی‌مقدم با مرور تحولات سال ۱۹۸۲ نیز اظهار داشت: رژیم صهیونیستی در آن سال برای نابودی بقایای مقاومت فلسطین، فیاچاع بزرگی را در اردوگاه‌های فلسطینی از جمله صبرا و تیتلار رقم زد و بقایای گروه‌های مقاومت را با شلیک به تونس و مراکش تبعید کرد. در آن مقطع تصور می‌شد مقاومت به پایان رسیده است، اما درست در همان روزها حزب‌الله لبنان متولد شد. گفت: این رژیم کودک‌کش و جنایتکار حتی پس از آتش‌بس نیز به جنایت‌ها ادامه می‌دهد.





این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمندان شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آینه‌نفس



## یک فلسفه مهم اتفاق که غالباً مورد توجه قرار نمی‌گیرد

شهید مرتضی مطهری:

تیباید اتفاقی را از یک جنبه آن ملاحظه کرد و گفت فلسفه‌اش تنها سیر کردن شکم گرسنگان است، بنابراین می‌شود آن را از راه دیگر انجام داد، بلکه فلسفه اتفاق انباشتن روح انسان‌ها در سایه گذشت‌ها، بخشش‌ها و ایثارها روح‌شان روح انسانی می‌شود. روی این حساب، کسی نمی‌تواند بگوید من شخص قاعی هستم و به بادامی می‌سازم و نمی‌خواهم چیزی داشته باشم، بنابراین شخص کاملی هستم. خیر، شخصی که می‌تواند داشته باشد باید به دست بیآورد و با دهش مال، خود را تکمیل کند. نداشتن و ندادن کمال نیست، به دست آوردن و از خود جدا ساختن عامل سازندگی انسان است. این نکته از قرآن مجید به خوبی به دست می‌آید، آنجا که خطاب به رسول‌الله(ص) می‌فرماید: «خَذَّ مِنْ أَمْوَالِهِمْ مَذْقَةً تَطْعَمُهُمْ وَتُرَكِّبُهُمْ» (توبه/۱۰۲)

در این آیه به همان فلسفه سازندگی صدقه اشاره می‌کند، نه به فلسفه اجتماعی‌اش، یعنی سیر کردن شکم مستمندان، زیرا می‌فرماید: از اموال آنها صدقه بگیر که به این وسیله آنها را پاکیزه می‌کنی، آنها را رشد می‌دهی، درست مثل گیاهی که با وجین کردن رشد بیشتری یابد و اصولاً هر موجود زنده‌ای اینچنین است که گرفتن آفت‌ها مساوی با رشد بیشتر آن است.

(استاد مطهری، آشنایی با قرآن، ج ۲، صص ۶۹-۶۸)



به حزب‌اللهی‌ها می‌گویند تندر و! کاربر برپا با درج این تصویر نوشت: امام خاتمی‌های منظور دشمن از تندر و کسانی است که در انقلاب مصمم‌ترند. حزب‌اللهی‌ها را می‌گویند و میانه‌رو را کسی می‌دانند که در برابر آنها تسلیم باشد.



استخر روباز آب گرم در زمستان! سیدامیرسیاح نوشت: در کشوری که دولت آن دائم از ناترازی انرژی می‌نالند، ثروتمندان می‌توانند در هوای برفی از استخر روباز با آب گرم لذت ببرند.



بابائول دولت ترامپ! کانال فرنک در مطلبی با عنوان عجیب ولی واقعی نوشت: دولت امریکا این تبلیغ رو به مناسبت کریسمس منتشر کرده حتی بابائول دولت ترامپ فرق داره. جای دادن هدیه میاد دستگیر میکنه.

شنبه ۶ دی ۱۴۰۴ | ۶ رجب ۱۴۴۷ | گاه‌نگار | روزنامه جوان | شماره ۷۴۸۶



# گوشی آیفون و تئوری اثر رزلب!

وقتی جامعه زیر بار فشار اقتصادی باشد، مردم دنبال خوشی‌های کوچک می‌روند!

هر سال بیش از یک میلیون گوشی آیفون در ایران فروخته می‌شود! کافه‌های لوکس پر از آدم‌هایی هستند که با یک فنجان قهوه حس موفقیت و ارزشمندی می‌گیرند. فکر می‌کنید مردم پولدار شده‌اند؟ خیر. این همان اثر رزلب است.

کانال ژئوپلیتیک رسانه نوشت: وقتی جامعه زیر بار فشار اقتصادی باشد، مردم نمی‌توانند آرزوهای مثل مسکن یا ماشین را محقق کنند، بنابراین دنبال خوشی‌های کوچکی می‌روند که حال آنها را خوب کند! مانند خریدن یک آیفون، رفتن به یک سفر داخلی کم‌هزینه یا تفریح در پارک‌ها یا رفتن

به یک کافه خاص. وقتی مردم درآمدی ندارند نمی‌توانند برای رفاه‌یابی، پول بیشتری خرج کنند، حاضرند اندک پس‌اندازشان را برای خریدن احساس خوب خرج کنند، برای حس ارزشمندی و برای فرار از ناامیدی، مانند خرید گوشی آیفون یا چیزهایی از این قبیل.

چگونه گرفتار اثر رزلب بشویم؟ برای جلوگیری از گرفتار شدن در اثر رزلب و مدیریت بهتر رفتارهای خرید در دوران رکود اقتصادی یا بحران‌های مالی، می‌توانید از راهکارهای زیر استفاده کنید:

- به رفتارهای خرید خود توجه و سعی کنید دلایل خریدهای خود را شناسایی کنید. آیا خریده‌ها به دلیل احساسات و فشارهای اقتصادی است یا نیاز واقعی دارید؟
- یک بودجه ماهانه برای خریدهای خود تعیین کنید و به آن پایبند باشید. این کار به شما کمک می‌کند از خریدهای غیرضروری جلوگیری کنید.
- محصولات را مقایسه کنید قبل از خرید، قیمت‌ها و کیفیت محصولات را مقایسه کنید. این کار به شما کمک می‌کند بهترین گزینه را انتخاب و از خریدهای ناخواسته جلوگیری کنید.
- به جای خرید کالاها یا لوکس، به دنبال فعالیت‌های دیگری باشید که به شما احساس خوبی می‌دهند، مانند گذراندن وقت با خانواده و دوستان یا انجام فعالیت‌های تفریحی کم‌هزینه.

## نسخه واحد برای «یک زندگی خوب» شدنی است؟



کانال ترجمان علوم انسانی نوشت: فرض کنید یک نفر به طور ناگهانی در خیابان جلوی شما سبز شود، دوربین را به سمت‌تان بگیرد و از شما پرسد «از زندگی خوب چیست؟»، باید سریع و بدون فکر کردن پاسخ دهید، اولین پاسخی که به ذهن‌تان می‌رسد، چیست؟ پاسخ لحظه‌ای شما احتمالاً همان چیزی است که در آن لحظه فکر می‌کنید خلاص‌های زندگی‌تان را پر می‌کند. اگر مشکل مالی داشته باشید، به «پول» اشاره می‌کنید، اگر یکی از عزیزان‌تان در بیمارستان باشد، به «سلامتی» اشاره می‌کنید و اگر زندگی‌تان کسالت‌بار شده باشد، از مؤلفه‌های دیگری مثل سفر، ماجراجویی، شهرت و غیره نام می‌برید.

پاسخ دادن به این سؤال یک کار لحظه‌ای نیست و نمی‌شود در خیابان جلوی افراد را گرفت و از آنها سؤال کرد، باید تمام دوران عمر‌شان را با دقت زیر نظر گرفت و نه فقط تمام دوران عمر خود‌شان، بلکه نسل‌های قبل و بعدشان را.

پژوهش‌ها روایت‌های افراد مشخصی شروع شد که بعضی از آنها کودک بودند، آن افراد پایه میانسالی و سالمندی گذاشتند و حتی از دنیا رفتند، اما پژوهشگران متوقف نشدند و در تمام این سال‌ها مؤلفه‌های «زندگی خوب» را در مقاطع مهم زندگی این افراد بررسی کردند و حتی سراغ فرزندان و نوه‌های‌شان رفتند و همان الگو را ادامه دادند تا دقت و اطمینان‌بخشی پژوهش‌ها را هر روز بالاتر ببرند.

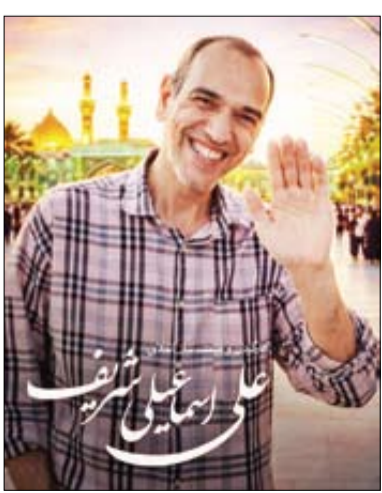
کتاب «زندگی خوب» حاصل این پژوهش‌ها و شگفت‌انگیز و بی‌مانند تاکنون است. رابرت والدینگ و مارک شولتنس، مدیران کنونی این پژوهش تاریخی، در این کتاب

محمدهادی شکوهیان‌زاد، پژوهشگر و نویسنده حوزه مطالعات سایبرنتیک در کانال تمدن‌نگار در اینستاگرام نوشت: در گریور فتنه پیچیده کرونا تماس گرفت، خودش رو معرفی کرد و گفت: «شرف هستم، از مستندسازهای مجموعه تریسا. از طریق یکی از دوستان در جریان جلسات تون با مسئولان و اسنادی که ارائه کردید قرار گرفتم که حدس‌های من رو تأیید کرد. خواستم حضوری صحبت کنیم.»

این شد سرآغاز یک آشنایی که برای من در بُعد شخصی، پربرکت و در بُعد غیرشخصی پر توفیق بود؛ آشنایی با انسانی دغدغه‌مند که در جهادش برای انقلاب اسلامی، مرز نمی‌شناخت و برای تحقق اهداف، به شدت سستی‌ها و میزان موانع توجهی نداشت؛ آشنایی با آقای شریف.

حتماً بخشی از ایستادگی‌های جریان انقلاب در برابر فتنه‌هایی مانند کرونا و اهداف توسعه‌یابدار ۲۰۳۰، بابت تلاش‌های آقای شریف است.

## آقای حقیقتاً شریف



ماه گذشته که احوالپرسی کردم و علت کمتر شدن فعالیت‌هایش رو پرسیدم، گفت: «به زخم ترمیم نشدنی ناشی از به غده، تو سینه دارم که چون مرتب خونریزی داره و نیاز به پانسمان هر چند ساعت، نمی‌شه بیام.»

آخرین بار هفته پیش صحبت کردیم، درباره یهود و مسائل مرتبط به این مهم‌ترین دشمن اهل ایمان! آقای شریف، ویژگی‌های متعددی رو بهم داشت اما سه‌تاش خیلی پررنگ‌تر بود:

با اعتقاد کامل کار می‌کرد، ذاتاً دشمن‌شناس بود و لایه‌های عمیق طراحی‌های دشمن رو درک می‌کرد. خسته نمی‌شد، امروز صبح شنیدم که آثار همان زخم، قلب ما رو زخمی کرد و آقای حقیقتاً شریف، به دیدار حق شتافت. ان‌شاءالله خداوند متعال، تلاش‌های برادر عزیزمون رو به عنوان جهاد فی سبیل‌الله ببیند. حمد و صلوات هدیه کنید. و نوبت ما هم در شش...

## روایتی از هزینه‌های پنهانی یک ترند اینستاگرامی!

کانال تبیان در اینستا نوشت: برخی از نوجوان‌های امروزی از ویدئوهای ترند «بنا من آماده شید پریم بیرون» می‌گیرند و هم‌زمان از روند آماده‌شدن‌شان که همراه با استفاده از روتین‌های متعدد پوستی است، فیلم می‌گیرند مثلاً دختر ۱۳ساله‌ای که هر صبح، لایه‌های متعدد از سرم، لایه‌بردارها و کرم‌های سنگین را روی صورتش می‌زند، مانند یک شیمیدان در حال امتحان انبوهی از مواد شیمیایی روی پوستش است! این رفتار نه یک نیاز پزشکی، بلکه نتیجه القای این پیام است که اگر روتین پوستی چندمرحله‌ای و بسته‌بندی‌های لوکس نداشته باشی، انگار چیزی کم داری. تحلیل‌های آماری از شبکه‌های اجتماعی مانند تیک‌تاک نشان می‌دهد نوجوانان به‌طور میانگین روزانه از شش محصول روی پوست‌شان استفاده می‌کنند؛ عادت که هزینه‌های سنگینی دارد، اما قاجعه اصلی مالی نیست، بلکه علمی است. مطالعات نشریات معتبر علمی (ژورنال وال استریت) می‌گویند که این مواد برای پوست نوجوانان، حکم سم را دارد.



پوست نوجوانی که تنها به یک شونده ملایم و ضدآفتاب نیاز دارد، زیر بار بمباران مواد فعال و لایه‌بردارها، سد دفاعی‌اش را از دست می‌دهد، در نتیجه التهاب، حساسیت‌های مادام‌العمر و افزایش خطر سرطان پوست در کمین او خواهد بود. شبکه‌های اجتماعی با بی‌رحمی این باور غلط را ترویج می‌کنند که سلامت پوست نتیجه «خرید بیشتر» است، نه سبک زندگی سالم.



برآورد تورم نزدیک ۶۰ درصد است

میشم ظهوریان نوشت: مطالبی که معاون رئیس‌جمهور در گفت‌وگوی ویژه خبری می‌گوید، آشکارا نادرست است. این نمودار مندرج در گزارش سیاست پولی شش ماهه اخیر بانک مرکزی نشان می‌دهد شاخص تورم تولیدکننده (PPI) که در انتهای دولت دوازدهم (اردیبهشت ۱۴۰۰) به ۸۲ درصد رسیده است تا شهریور ۱۴۰۲ (ابتدای کار دولت چهاردهم) با کاهش قابل توجه به ۲۷ درصد کاهش یافته است. این عدد در تابستان امسال (در کمتر از یک سال) به ۴۶ درصد افزایش داشته است و اکنون برآورد می‌شود نزدیک به ۶۰ درصد باشد. نرخ تورم مصرف‌کننده (CPI) نیز بین شهریور ۱۴۰۲ تا آبان ۱۴۰۴ از ۳۴٪ به ۴۰ درصد و تورم نقطه به نقطه به ۴۹ درصد افزایش داشته است. همچنین افزایش تورم مواد خوراکی از ۲۴٪ به ۶۶ درصد که عمده آن حاصل اشتگنی سیاستگذاری ارزی دولت بوده است، از دیگر مسائلی است که فشار بر طبقات اقتصادی محروم و به شدت افزایش داده است.

## ربات‌ها سوزن و نخ دست گرفتند!

ربات انسان‌نمایی در چین کاری انجام داده است که سال‌ها نماد ظرافت دست‌انسان بود و حالا نگاه‌ها را به آینده‌ای متفاوت از هوش مصنوعی دوخته است.

شرکت «رباتیک تارس» چین در یک رویداد زنده، دست‌آوردی بی‌سابقه در حوزه هوش مصنوعی تجسم یافته را

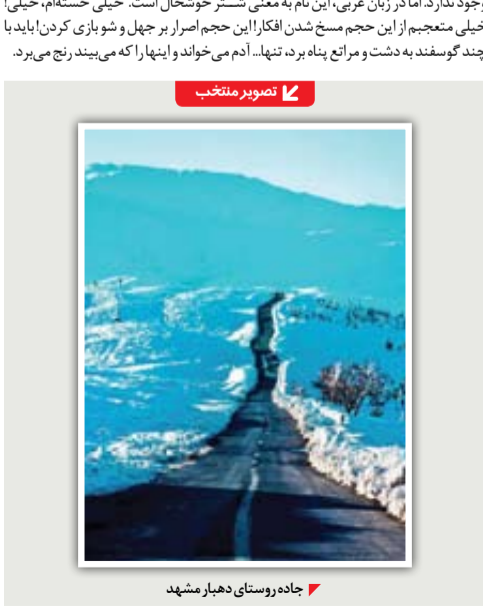


به نمایش گذاشت؛ جایی که یک ربات انسان‌نما توانست با استفاده هم‌زمان از هر دو دست، سوزن را نخ کند و یک نقش گلدوزی شده را بدوزد. این کار به دقت بسیار بالا و کنترل پایدار نیاز دارد و ربات موفق شد با دقتی در حد کسری از میلیمتر، با مواد نرم و انعطاف‌پذیر کار کند؛ کاری که تا پیش از این، خارج از توان ربات‌ها و مخصص مهارت دست‌انسان تصور می‌شد. این نمایش نشان داد ربات می‌تواند کارهای ظریف و هماهنگ طولانی مدت را بدون خطا انجام دهد؛ کاری که سال‌ها یکی از موانع اصلی اتوماسیون صنعتی بوده است. توانایی در چنین «دستکاری فوق‌دقیقی» مسیر را برای خودکارسازی فرایندهایی مانند مونتاژ قطعات حساس الکتریکی و کار با مواد نرم در تولید صنعتی باز می‌کند. به بیان ساده، ربات‌ها حالا به حوزه‌هایی نزدیک می‌شوند که پیش‌تر فقط از عهده نیروی انسانی ماهر برمی‌آمد.

مدیرعامل شرکت، توضیح داد که این موفقیت حاصل رویکردی سه‌گانه با محور «آده»، هوش مصنوعی و فیزیک» است. در این مدل، داده‌های واقعی محیطی کار از طریق پلتفرم «سنس‌هاب» جمع‌آوری می‌شود، سپس این داده‌ها برای آموزش «موتور جهان هوش مصنوعی آوه ۲/۲» به کار می‌رود؛ مدلی که به جای یادگیری یک کار خاص، مهارت‌های عمومی فیزیکی را می‌آموزد. این مهارت‌ها مستقیماً روی ربات‌های انسان‌نمای سری تی و سری ای اجرا می‌شوند، آن هم با حداقل فاصله بین آموزش دیجیتال و اجرای واقعی.

## جامعه با سر به سمت یک هویت جعلی و متوهم می‌رود

علیرضا زادیر با درج یک ویدئو نوشت: تاریخ خط درگیری ماست. جامعه با سر به سمت یک هویت جعلی و متوهم می‌رود. ۱۰۰ سال است با سرعت به این سمت می‌رویم، هر حالا بیشتر. پدرزنگ، نام این را ابرای نواش برمی‌گزینند و می‌گویند: این یک نام آریایی به معنی فرزند نجیب است، ولی بررسی‌ها نشان می‌دهد نام «آرن» در اوستا، شاهنامه و دیگر منابع تاریخی و ادبی ایران وجود ندارد، اما در زبان عربی، این نام به معنی شتر خوشحال است. خیلی خسته‌ام، خیلی! خیلی متعجبم از این حجم مسخ شدن افکار! این حجم اصرار بر جهل و شو بازی کردن با ابدا چند گوسفند به شت و مراتع پناه برد، تنها. آدم می‌خواند و اینها را که می‌بیند رنج می‌برد.



جاده‌روستای دهبار مشهد

توصیه اخیر رهبر حکیم انقلاب اسلامی مبنی بر تمرکز بر نقاط ضعف دشمن و ضرورت اتخاذ آرایش جنگی رسانه‌ای را نباید تنها یک فراخوان تاکتیکی یا واکنشی سیاسی فهم کرد. این توصیه، پیش از هر چیز، بیانگر درکی ساختاری از ماهیت قدرت در زمان اکنون است؛ زمانی که در آن سلطه محدود به زور نظامی نیست و از مسیر کنترل روایت، تولید معنا و مدیریت ادراک جمعی اعمال می‌شود. از منظر چپ نو، سخن رهبر حکیم دعوتی است به افشای تناقضات درونی نظامی که مدعی امنیت، آزادی و پیشرفت است، اما در عمل ناامنی، بی‌ثباتی و خشونت ساختاری را بازتولید کرده است.

ایالات متحده به عنوان مرکز نقل نظم غربی، نمونه‌ای برجسته از شکاف میان قدرت مادی و امنیت زیسته است. تداوم قتل‌های مصلحانه در محیط‌های دانشگاهی آمریکا در سال ۲۰۲۵، دو فضایی که نماد عقلانیت مدرن و تولید دانش تلقی می‌شوند، نشانه‌ای از شکست زیست‌سیاست لیبرال است.

دانشگاه که یادمحل تولید معنا و امنیت نمادین باشد، خود به صحنه عریان خشونت بدل شده است. در این زمینه، دولت بیش از تولید زندگی امن، مرگ و خشونت را مدیریت می‌کند.

امنیت امریکایی پروژه‌ای انسانی نیست، صورت‌بندی نهادی حفظ نظم سرمایه‌سالار است. آنچه در این جامعه جریان دارد، به تعبیر جورجو آگامبن، فیلسوف ایتالیایی گسترش وضعیت استثنایی به دل زندگی روزمره است. مبتنی بر تبعات فکری وی، خشونت مسلحانه، نظارت فراگیر، قطعی‌سازی سیاسی و ترس دائمی، دیگر وقایع اضطرابی نیستند بلکه به هنجار و وضع متداول بدل شده‌اند. در چنین شرایطی، مرز میان وضعیت عادی و اضطرابی فرو می‌برد و شهروند، به «زندگی برهنه» تقلیل می‌یابد. حیاتی که باید مدیریت شود، اما پاسداست نمی‌شود. فضای ناامن سیاسی آمریکا که در تهدیدها و خشونت‌های پرمشروع چهره‌هایی چون چارلی کرک بروز یافته، نشانه فروپاشی میدان گفت‌وگوی عمومی است. در این شرایط، کنش سیاسی از گفت‌وگو تهی و خشونت به زبان غالب بدل شده است. این وضعیت حاصل تناقضات درونی لیبرالیسم است، درست در زمانی که آزادی بیان باشد اما عدالت نباشد. آزادی به منطق حذف یا حذف منطق می‌انجامد.

رژیم صهیونیستی نیز وضعیتیی مشابه اما فشرده‌تر و البته سست‌تر تجربه می‌کند. رژیم‌ی که بقای خود را بر کنترشل دائمی، نظارت همه‌جانبه و برتری نظامی کوتاهمدت و شکننده وابسته بنا کرده است. از منظر فوکویو(میشل فوکو فیلسوف فکید فرانسوی)، اسرائیل شکل پیشرفته‌ای از دولت امنیتی است که در آن زیست‌سیاست به سیاست مرگ نزدیک می‌شود.

افزایش کنترل بر کادش مشروعیت انجامید و جنگ فرسایشی امنیت را از ابزار بقا به تهدید وجودی تبدیل کرده است. این همان وضعیتی است که آگامبن آن را تداوم استثنا می‌نامد و وضعیتی که در آن قانون به نام امنیت ملغق می‌شود.

ناتو نیز در امتداد بحران مذکور قابل تحلیل است. این ائتلاف نمونه وحدت راهبردی پایدار نیست؛ ائتلافی ناپایدار از منافع متعارض است که در آن همبستگی بیش از آنکه واقعی باشد، روایی است. وابستگی ساختاری به ایالات متحده، ناتو را به بازتابی از بحران‌های درونی قدرت مسلط بدل کرده و توان آن را برای تولید امنیت مستقل کاهش داده است.

در لایه‌ای عمیق‌تر، بحران مشترک آمریکا، اسرائیل و ناتو را باید بحران معنا در فهم امنیت دانست. امنیت در این نظم، دیگر پاسخی به خطر نیست بلکه به وارونه، خودش مولد خطر است. به بیان دیگر، امنیت به ابزار انضباط، کنترل و بازتولید سلطه تبدیل شده و از پیوند با عدالت اجتماعی گسسته است. نتیجه، جامعه‌ای است که در آن دانشگاه، خیابان و عرصه سیاست هم‌زمان ناام می‌شوند.

در صورت‌بندی نظری مذکور، توصیه رهبر انقلاب بر حمله به نقاط ضعف دشمن و آرایش جنگی رسانه‌ای، دعوت به افشای همین منطق‌های بنیاد قدرت است. جنگ رسانه‌ای در این فرانت تبلیغات سطحی نیست بلکه فرای آن، کنشی انتقادی و آگاهانه برای هم‌رزدن گفتمان مسلط، افشای وضعیت استثنایی و بازگرداندن سیاست به میدان معانست. تمرکز بر قتل‌های دانشگاهی، خشونت سیاسی و ناامنی ساختاری در قلب نظم غربی، تمرکز بر لحظاتی است که به تعبیر فوکو، قدرت خود را عریان و آسیب‌پذیر نشان می‌دهد.

## دشمن بانیرنگ فرهنگی و تبلیغی به جنگ ما آمده‌است

دشمنان ما در پی شکست‌های نظامی به این نتیجه رسیده‌اند که باید با نیرنگ‌های فرهنگی و تبلیغاتی به جنگ ما بیایند، به همین دلیل، ما باید در ایجاد مختلف علیه این جنگ شناختی واکنش نشان دهیم. به گزارش سپاه‌نیوز، حجت‌الاسلام عبدالله حاجی صادقی، نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در همایش طلاب و روحانیون بسیجی استان مرکزی گفت: ما امروز در برهه‌ای قرار داریم که دشمنان نظام اسلامی به شدت در تلاشند با ایجاد نفاق و بدبینی در میان مردم، وحدت ملی و دینی را مختل کنند، اما ما با هدایت الهی و بصیرت ملت ایران، بر این توطئه‌ها غلبه خواهیم کرد.

وی به تهدیدات و چالش‌های کنونی اشاره و ضمن تأکید بر لزوم انسجام ملی و دینی تصریح کرد: دشمنان ما به دنبال این هستند که با طراحی‌های پیچیده، تمایلت ارضی و وحدت نظام اسلامی را زیر سؤال ببرند، ما باید با شناخت کامل از نقشه‌های آنها و درک وضعیت جهانی، هرگونه ناهنجاری و تفرقه را شناسایی و با آن مقابله کنیم.

نماینده ولی فقیه در سپاه با بیان اینکه جمهوری اسلامی ایران دارای اشرف اطلاعاتی کامل بر تمامی مراکز قدرت و تحرکات دشمن است، افزود: ما می‌دانیم که در تمام عرصه‌ها، دشمن چه می‌کند و از کجا ضربه می‌زند. امروز، ما برای حفاظت از هویت و موجودیت‌مان، هیچ‌گاه امروز احساس ضعف و ناامیدی کنیم.

وی به نقش کلیدی طلاب و روحانیون در تبیین معارف دینی و مقابله با گفتمان‌های ضدانقلاب اشاره کرد و گفت: حضور شما در این عرصه، نه تنها باعث تقویت باورهای دینی در جامعه می‌شود، بلکه به عنوان یک نیروی محرکه امید و اعتماد را در دل مردم زنده نگه می‌دارد. امروز بیشتر از هر زمان دیگری به شما نیاز داریم تا معارف عالی اسلامی را در جامعه تبیین و با برگزاری جلسات و مراسم‌های دینی، روح جامعه را تقویت کنید. حاجی صادقی در بخش دیگری از صحبت‌های خود به موضوع جنگ شناختی اشاره کرد و گفت: دشمنان ما در پی شکست‌های نظامی به این نتیجه رسیده‌اند که باید با نیرنگ‌های فرهنگی و تبلیغاتی به جنگ ما بیایند، به همین دلیل، ما باید در ایجاد مختلف از جمله آموزش و پرورش، فرهنگ و رسانه‌ها، علیه این جنگ شناختی واکنش نشان دهیم.

## روزنامه جوان | شماره ۷۴۸۶ | سرویس سیاسی، ۶۰-۸۸۵۲۳۰

روزنامه جوان | شماره ۷۴۸۶ | سرویس سیاسی، ۶۰-۸۸۵۲۳۰

روزنامه جوان | شماره ۷۴۸۶ | سرویس سیاسی، ۶۰-۸۸۵۲۳۰



تلاش‌های ایالات متحده برای توقیف یا به تعبیر واقعی‌تر تصاحب کشتی‌های تجاری و نفتکش‌های کشورهای تحت تحریم یکجانبه را باید در چارچوب تقوای واشینگتن برای حفظ وضعیت موجود و عدم تغییر نظم امریکای اول دانست. در چند ماه اخیر آمریکا به بهانه‌های مختلفی چون مهار صادرات نفت به ویژه در منطقه پیرامونی ونزوئلا، نفتکش‌های حاضر در آب‌های بین‌المللی را توقیف کرده است. واشینگتن پیش از این دو نفتکش دیگر به نام‌های اسکایپر و سنسپرینز را به اتهام نقض تحریم‌ها در آب‌های بین‌المللی توقیف کرده بود.

اقدامات واشینگتن نشان می‌دهد رویکرد کاخ سفید از فاز غیرمستقیم «رحیمی» به فاز مستقیم «توقیف فیزیکی» متحول شده است و اهداف متنوعی را در خود می‌پروراند. اول آنکه آمریکا درصدد است بر شبکه حمل‌ونقل نفت کشورهای تحت تحریم، که به ویژه ونزوئلا فشار وارد و به طور عملی شبکه دور زدن تحریم‌ها را مهار کند. دوم آنکه، مصادره کشتی‌ها و نفتکش‌ها با بهانه‌های جعلی، رویه جدیدی از سیاست خارجی آمریکا را بر پایه سرقت سازمان یافته بین‌المللی توجیه‌پذیر می‌کند و با نام‌سازی آب‌های آزاد، به کشورهای تحت تحریم و همچنین رقبای راهبردی خود در عرصه تجارت بین‌المللی هشدار می‌دهد. سومین دلیل به ناتوانی‌های متعدد آمریکا در خنثی‌سازی نفوذ و تغییر رفتار گرایش

مقاوم و دین‌گرا در جهان است.

مقاوم و دین‌گرا در جهان است.

## مشاور فرمانده کل سپاه: دشمنان ما در پی شکست‌های نظامی به این نتیجه رسیده‌اند که باید با نیرنگ‌های فرهنگی و تبلیغاتی به جنگ ما بیایند، به همین دلیل، ما باید در ایجاد مختلف علیه این جنگ شناختی واکنش نشان دهیم.

دشمنان ما در پی شکست‌های نظامی به این نتیجه رسیده‌اند که باید با نیرنگ‌های فرهنگی و تبلیغاتی به جنگ ما بیایند، به همین دلیل، ما باید در ایجاد مختلف علیه این جنگ شناختی واکنش نشان دهیم.

دشمنان ما در پی شکست‌های نظامی به این نتیجه رسیده‌اند که باید با نیرنگ‌های فرهنگی و تبلیغاتی به جنگ ما بیایند، به همین دلیل، ما باید در ایجاد مختلف علیه این جنگ شناختی واکنش نشان دهیم.

به گزارش تسنیم، سردار محمدرضا نقدی، مشاور فرمانده کل سپاه پاسداران طی سخنانی در مراسم بزرگداشت شهید سلیمانی و آیت‌الله مصباح‌زیدی در دانشگاه تهران گفت: امروز ما درگیر جنگی فراتر از نظامی هستیم و به گفته رهبر انقلاب در روز ولادت حضرت زهرا(س) جبهه کارگزاران باید این جنگ را به خوبی بشناسد تا به درستی تصمیم بگیرد و حرکت کند. سردار نقدی با بیان اینکه سطحی‌سازی شدن از افت‌های امروز جامعه ماست که آسیب‌های زیادی به ما زده است، ادامه داد:

چند سال پیش اگر می‌خواستید در این دانشگاه از اقتصاد مقاومتی و داخلی‌سازی بگوئید از سوی استاد و دانشجو تحسنته می‌شدید.

در آن زمان تصویری پیش روی ما قرار داده بودند که بر اساس آن دیگر اقتصاد داخلی در جهان وجود نداشت و همه باید به سمت جهانی‌شدن می‌رفتیم، البته به گفته بسیاری از کارشناسان مسائل دنیا را به‌گونه‌ای تصویرسازی می‌کنند که شما به جای واقعیات بر اساس تصویری که از واقعیت‌ها به شما ارائه می‌دهند، تصمیم بگیرید.

مشاور فرمانده کل سپاه در ادامه با بیان اینکه آمریکا که خود را مبدأ تحولات اقتصاد جهانی می‌نامید، امروز مبدأ وضع تعرفه‌های عجیب و غریبی بر اقتصاد و واردات شده است، افزود:

کسانی که ادعای جهانی‌شدن و آزادشدن اقتصاد داشتند و می‌گفتند هر کشوری برای واردات خود تعرفه ببیند، از چرخه می‌گفتند اقتصاد جهانی دور می‌شود و اجازه صادرات ندارد، امروز در مقابل جنگ تعرفه‌ای که آمریکا را انداخته است، چه پاسخی دارید؟ سطحی نگاه کردن آسیب‌هایی از این دست دارد، بنابراین همواره باید با برنامه و به دور از سطحی‌نگری اندیشید تا بتوان به‌درستی تصمیم گرفت.

نقدی در ادامه با بیان اینکه برخی معتقد بودند مدیریت آمریکا یک مدیریت فقیه، علمی و حساب شده است، به نتیجه بررسی‌های عملکرد و تصمیمات اخیر دشمنان دولتمردان این کشور بر اساس سند امنیت ملی ۲۰۲۵ آمریکا اشاره کرد و گفت: اگر بخواهید فضاسازی و تصویرسازی را کنار بگذارید و وارد لایه‌های واقعی شوید، می‌بینید خود آنها نیز اذعان دارند

## روزنامه جوان | شماره ۷۴۸۶ | سرویس سیاسی، ۶۰-۸۸۵۲۳۰

روزنامه جوان | شماره ۷۴۸۶ | سرویس سیاسی، ۶۰-۸۸۵۲۳۰

روزنامه جوان | شماره ۷۴۸۶ | سرویس سیاسی، ۶۰-۸۸۵۲۳۰

## «دزدی دریایی»

# تقلای امریکا برای بازسازی شکست



در عرصه بین‌الملل دلالت دارد. هدف دیگر

واشینگتن، گروه‌کشی و نمایش قدرت در راستای تأمین منافع کلان برای ایجاد توازن به تهدیدات متأثر از نفوذ چین، روسیه و ایران در حیاط خلوت امریکاست، اما هدف غایی کاخ سفید از این اقدامات غیرقانونی، مقابله با تغییر نظم جهانی و فروپاشی نظام تک‌قطبی است. رفتار تهاجمی آمریکا بیانگر عین‌شدن یکجانبه‌گرایی آمریکا و تنها شدن او بیش از هر زمانی عیان شده و این موضوع نشان می‌دهد دولت‌ها و مناسبات حقوقی و جهان دیگر با او هم‌راهی نمی‌کنند.

**راهزنی دریایی مدرن**
امریکا سابقه طولانی در سرقت مدرن ثروت و دارایی کشورها با بهانه‌های مختلف دارد. یکی از نمونه‌های عینی، سرقت نفت سوریه و حتی عراق به بهانه مبارزه با داعش و ضرورت حضور آمریکا در منطقه است. بعد از به اصلاح شکست داعش، نیروهای امریکایی مستقیماً بر برخی چاه‌های نفت سوریه به مسلط شدند و از همان زمان شروع به استخراج و سرقت نفت سوریه و انتقال آن به پایگاه خود کردند. آمریکا حتی با مشارکت دیگر کشورهایمان مستقر در شمال سوریه به مانند فلسطین، منابع ملی و محصولات استراتژیک مانند نفت، گندم و جو را غارت و مردم سوریه را از آن محروم می‌کرد. اکنون نیز توقیف نفتکش‌ها یا کشتی‌های تجاری کشورهای تحت تحریم به مثابه راهزنی دریایی

در قالب استعمار مدرن است. در بیانیه‌های ترامپ و مقامات آمریکا، تصرف دارایی‌های نفتی از سوی ونزوئلا برای حفظ حاکمیت ملی خود، بارها «سرفت» نامیده شده است. در حالی که واقعیت تاریخی نشان می‌دهد این امریکاست که نقش اصلی دزد بین‌المللی را ایفا می‌کند، زیرا شرکت امریکایی دهه‌ها با تسلط بر نفت ونزوئلا، سودهای کلان و نامشروعی را به جیب زده‌اند. ملی‌سازی صنعت نفت از سوی ونزوئلا، در واقع پایان دادن به این غارت سیستماتیک و استرداد ثروت ملی بود. اکنون، آمریکا تلاش می‌کند با توجیه راهزنی مدرن خود، به سرقت‌های تاریخی‌اش را کتمان و حق قانونی و مشروع کشورهای خارج‌شده از استعمار را بزپس گیری منابع ملی از دست‌رفته را به عنوان «دزدی» معرفی کند.

**توسعه شبکه ضد تحریم‌ها**

عدم کارایی تحریم‌ها و توسعه ائتلاف‌های ضد تحریمی، نمایانگر تاکتیک جدیدی برای تحریم به عنوان آخرین برگ برنده آمریکا برای فشار بر کشورهاست. علاوه بر آن، تحریم‌ها به جای آنکه نفوذ و تسلط آمریکا را افزایش دهد، به تقویت و گسترش رویکرد ضد امریکایی جدید منازعه در آب‌های بین‌المللی، چالشی جدید در میانه چالش‌های گذشته برای خود ایجاد کرده است که می‌تواند بر راهبردهای جهانی و منطقه‌ای آن اثر معکوس بگذارد.

ایجاد کنند. این روند به تناسب تهاجمی‌تر شدن سیاست‌های آمریکا با سراتپ به عرصه سیاست بین‌الملل، سبب تضعیف جایگاه امریکابه عنوان قدرت بالادستی در صحنه جهانی شده است. در این میان همکاری‌های نزدیک مخالفان آمریکا یعنی چین، روسیه و ایران که بسیاری آن را بلوک شرق می‌نامند، تهدیدی جدی برای واشینگتن تلقی می‌شود و سبب تغییر رفتار آمریکا شده است. آمریکا با دستاویز قرار دادن بهانه‌های مختلفی چون تروریسم، تهدید اقتصادی، عامل بی‌ثباتی و غیره و با استفاده از تحریم، فشارهای سیاسی و تهدیدات امنیتی تلاش می‌کند خود را از این تهدیدات رهایی بخشد. توقیف کشتی‌ها و نفتکش‌ها هم در همین چارچوب تحلیل می‌شود.

این کشور در واکنش به ناتوانی در پیشبرد مؤثر سیاست‌های خود تلاش دارد با حضور در آب‌های بین‌المللی و اختلال در شبکه توزیع نفت تحریمی، بر آن تأثیر مستقیم بگذارد تا با این شیوه عقب‌ماندگی و شکست راهبرد تحریمی خود را جبران کند.

**هراس از انزوا**

روند تغییر نظم جهانی به سمت چندقطبی شدن و همچنین ناتوانی سیاست خارجی آمریکا برای حفظ برتری آمریکا، سبب شد کاخ سفید

برای احیای قدرت و ترمیم راهبردهایش برای سبطره به جهان به انزوا جبری و مقطعی روی آورد. طبق سند جدید استراتژی امنیت ملی ایالات متحده، واشینگتن بر تقویت پیوندهای خود با کانادا، امریکای لاتین و همسایگان نزدیک تمرکز دارد و سیاست انزواگرایی سنتی خود را با رنگ و بویی تازه به اجرا می‌گذارد. بنابراین ایجاد جنگ‌هایی که از آن با عنوان جنگ سایه هم نام برده می‌شود، نوعی از تکاپوی آمریکا برای احیای برتری در منطقه کلان‌لایتین تلقی می‌شود که تلاش دارد در کل جهان نیز منتشر شود.

اگر چه امریکا طی سال‌های گذشته این جنگ سایه را با علیه ایران نیز به راه انداخته است، اما ایران با اقدامات متقابل و تلافی‌جویانه به موازات سبزی تهدیدات دفاعی و رفتار تهاجمی و خودسرانه آمریکا را در میدان جنگ سایه خنثی یا مهار کرده است. توقیف نفتکش‌های مرتبط با این کشور یا متحدانش در تنگه هرمز در چارچوب پاسخ‌گویی منطقی، واکنشی مستقیم و ضروری به توقیف محموله‌های ایران در آب‌های بین‌المللی است که می‌تواند امنیت تجارت را برای ر اضمأن و با تهدیدات واشینگتن مقابله کند. بنابراین امریکا با بازسازی میدان جدید منازعه در آب‌های بین‌المللی، چالشی جدید در میانه چالش‌های گذشته برای خود ایجاد کرده است که می‌تواند بر راهبردهای جهانی و منطقه‌ای آن اثر معکوس بگذارد.

## دزدی دریایی



در شامگاه ولادت حضرت عیسی (ع) صورت گرفت

## دیدار پزشکیان با خانواده شهید مسیحی

در شامگاه ولادت حضرت عیسی مسیح(ع) دکتر پزشکیان با حضور در منزل خانواده شهید والا مقام رازمیک خاچاطوریان از شهدای سرفراز جامعه مسیحیان ایران با این خانواده دیدار و گفت‌وگو کرد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری در این دیدار صمیمانه که با هدف تجلیل از مقام شاخمشهدا و تکریم صبر، ایثار و استقامت خانواده‌های معظم آنان و همچنین تبریک ولادت حضرت عیسی(ع) و سال نوی میلادی صورت گرفت، پزشکیان با گرمیادست‌یاد و خاطره این شهید گرانقدر و نقش بی‌بدیل همه اقوام و ادیان الهی در دفاع از استقلال، عزت و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران، حضور و فداکاری شهدای مسیحی در دفاع مقدس را جلوه‌ای روشن از وحدت ملی و همدلی عمیق ملت ایران دانست. رئیس جمهور همچنین با تجلیل از صبر و ایستادگی خانواده شهید خاچاطوریان، عزت و اقتدار امروز کشور را مروهون ایثار شهیدان و استقامت خانواده‌های بزرگوار آنان دانست و تصریح کرد که قدردانی از این عزیزان وظیفه‌ای همیشگی برای مسئولان نظام به شمار می‌رود و امیدواریم سر شنده شهدا نسویم. در این دیدار خانواده شهید رازمیک خاچاطوریان و همچنین آرا شاوردیان، نماینده مسیحیان در مجلس شورای اسلامی نیز با قدردانی از حضور و توجه رئیس‌جمهور اسلامی ایران بر پایدینی خود به آرمان‌های انقلاب اسلامی و تداوم راه شهدا در مسیر خدمت به ایران عزیز تأکید کردند.

## جهان در دل گذار تاریخی

جهان امروز در نقطه‌ای ایستاده است که دیگر نمی‌توان آن را صرفاً یک دوره بحران گذرا یا تلاطم سیاسی معمولی توصیف کرد، بلکه آنچه در حال وقوع است نشانه‌هایی روشن از ورود به یک گذار تاریخی عمیق و بنیادین را در خود دارد که با فاقول سلطه تک‌بعدی غرب همراه شده است. این وضعیت همان «برزخ تاریخی» است که در آن نظم مصلح‌پیشین که بر پایه هژمونی تحمیلی بنا نهاده بود، در حال فروپاشی است و نظم جدید هنوز متولد نشده است و در این فاصله میان مرگ جهان قدیم و زاده نشدن جهان جدید، انواع بدیده‌های ساختار شکنانه و رفتارهای ناپهناجار در سیاست بین‌الملل ظهور می‌کنند. امروز سیاست جهانی دقیقاً در همین دوره مبهم قرار گرفته است که در آن هنجارهای تثبیت‌شده گذشته که دهه‌ها ابزار تأمین منافع قدرت‌های خاص بود، کارایی خود را از دست داده‌اند و هیچ جایگزین پایداری نیز برای آنها تعریف نشده است.

«صدای ایران» روزنامه انجمن‌رئیس‌رسان KHAMENEI.IR در سرمقاله شماره ۱۸۶ خود نوشته است: تحولات بزرگ تاریخی هیچ‌گاه به‌صورت دفعی و ناگهانی رخ نمی‌دهند بلکه این دگرگونی‌ها همواره جریان‌ی تاریخی، انباشتی و گاه نامحسوس دارند که در زیر پوست حوادث روزمره پیش می‌روند. واقعیت اینست که جهان در دل یک «بیج تاریخی» مهم حرکت می‌کند که در آن هندسه قدرت جهانی از غرب به سمت شرق در حال بازترسیم است و الگوهای سنتی رهبری جهانی دیگر پاسخگوی نیازهای جدید و مطالبات ملت‌های مستقل نیستند. نظم بین‌المللی که پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفت، برخلاف ادعاهای تبلیغاتی، نه برای صلح جهانی بلکه بر مجموعه‌ای از قواعد و نهادها استوار بود که آمریکا می‌کرد. این ساختار بر این فرض بناشده بود که آمریکا با صرف هزینه‌های نظامی و اقتصادی، تسلط کرده و به عنوان تنها پلیس جهانی حفظ کند اما امروز به دلیل فرسودگی داخلی و شکست‌های بی‌دبی راهبردی، این فرض به‌طور کامل فرو ریخته است.

امروز باید دلیل بحران‌های انباشته و کاهش معنادار قدرت تعیین‌کنندگی‌اش، نه تنها دیگر توان مدیریتی یک‌جانبه نظم جهانی را ندارد، بلکه خود به اصلی‌ترین عامل ایجاد ناامنی و تخریب ساختارهای موجود تبدیل شده است. خروج از معاهدات بین‌المللی، بی‌اعتنایی سیستماتیک به معاهدات، خودروزی مدافعش بود و برخورد کاملاً ابزاری با قواعد جهانی، همگی نشانه‌هایی از یک عقب‌نشینی اجباری و زوال هژمونیک هستند که نایب سیستم قدیم را به مخاطره انداخته است. آنچه امروز واشینگتن تحت عنوان «نظم مبتنی بر قواعد» تبلیغ می‌کند، در واقعیت یک تهدید اخلاقی یا حقوقی نیست، بلکه این تخریب تقلا برای حفظ ابزاری مشروع است که تنها در جهت تأمین منافع فوری آنها کارکرد دارد. در این نگاه، هر جا که قواعد بین‌المللی مأمعی برای زیاده‌خواهی آمریکا ایجاد کنند، به‌راحتی زیر پا گذاشته می‌شوند و هر جا که بتوان از آنها به عنوان سلاحی علیه قدرت‌های نوظهور و مستقل استفاده کرد، به شکلی گسترده و ریاکارانه برجسته می‌گردند.

به دنبال این افول در عرصه قدرت سخت و نرم، سیاست بین‌الملل به‌سمت بازتولید الگوهای قدیمی حرکت کرده که در آن استفاده عریان از زور برای حفظ بقا در تلاش‌های در حال سقوط، دواپ را به امری عادی تبدیل شده است. تضعیف اعتبار نهاد‌های داوری بین‌المللی که روزگاری تحت نفوذ کامل غرب بودند، نشان می‌دهد که قانون حتی در آنجا حکمیانه عمل می‌کند، و ی با اشلاره و اینکه آمریکا و اسرائیل تلاش می‌کنند با تصویرسازی نشان دهند پیروز شده‌اند، تصریح کرد: آنها در عرصه راهبردی شکست بزرگی خوردند. نزدیک ۷۰ سال تلاش کردند جمعیت خودشان را افزایش دهند و برابر با فلسطینی‌ها کنند ولی وقتی نتوانستند به اندازه این جمعیت برسند، با مهاجرت معکوس و فرار جمعیت روبه‌رو شدند. امروزه اکثر روستاهای آنها در شمال و اطراف لبنان خالی است. اگر این شکست نیست، پس چیست؟ آنها در برابر غزه یک شکست تمدنی خوردند. اساس تفکرشان در دنیا شکست خورد و امروز کسی دیگر نمی‌پذیرد فکر امریکایی‌ها بر تراست.

سردار نقدی گزینه مورد اقبال امروز مردم جهان را اسلام خواند و گفت: وقتی جمعیتی مثل غزه دو سال زیر آتش شدید و در محاصره کامل هنوز بابرخا و زنده است، آیا کسی تمدن مقابل او را می‌پذیرد؟ آنها در غزه شکست راهبردی خوردند اما شکست اصلی‌شان تمدنی است.

وی انتخاب برخی فرمانداران و شهرداران مخالف با اسرائیل را در همین راستا خواند و گفت: دیدید در انتخاب چندین فرماندار و شهرداری در آمریکا، کسانی رأی آوردند که مخالف اسرائیل بودند، در حالی که چند سال قبل اقبال به سمت کسانی بود که اسرائیل از آنها حمایت می‌کرد، حتی اگر این مسئولان بعدها ضداسرائیل هم عمل نکنند، همین که انتخاب شدن‌شان به دلیل مخالفت با اسرائیل است، برای این رژیم شکست است. وی افزود: در انگلیس هر هفته یک تظاهرات در حمایت از فلسطین برگزار می‌شود، بنابراین امروز تفکر اسلام و مقاومت به همه‌جا سرخه است.

تقویم دفاع

«دی» ماه پر حادثه در دفاع مقدس

روزهای سرخ  
در آغازین ماه زمستان ۶۵

غلامحسین بهبودی

دی ماه یکی از سخت ترین و در عین حال عجیب ترین ماه‌های دوران دفاع مقدس است. در این ماه دو عملیات بزرگ کربلای ۴ و ۵ در سال ۶۵ انجام گرفت. تقریباً می توان گفت تمامی روزهای این ماه، آبستن حوادث بسیار سختی در دفاع مقدس بود. از سوم دی تا پنجم همین ماه عملیات کربلای ۴ انجام گرفت و دو هفته بعد نیز کربلای ۵ در ۱۹ دی ماه آغاز شد. بررسی سرباط آن روزهای کشور و جبهه‌ها در دی ماه سال ۶۵ را پیش رو دارید.

یک سال پس از والفجر ۸

بررسی ورود ایران به سال ششم جنگ (۱۳۶۵) بدون نگاه و بررسی عملیات والفجر ۸ امکان پذیر نیست. در واقع اگر عملیات والفجر ۸ انجام نمی شد، شاید کربلای ۴ و ۵ نیز انجام نمی گرفتند. والفجر ۸ و فتح فاو در حالی انجام گرفت که ایران از سال ۶۱ اقدام به ورود به خاک عراق کرده بود. اما غیر از تصرف جزیره مجنون در عملیات خیبر، پیروزی خاصی تا قبل از والفجر ۸ کسب نشده بود. وقتی در زمستان سال ۶۴ ایران توانست فاو را فتح کند و دسترسی عراق به خلیج فارس را تا حد زیادی از بین ببرد، فرماندهان جنگ (چه



فرماندهان سیاسی و چه فرماندهان نظامی) به این باور رسیدند که باید در سال بعد (۱۳۶۵) یک اقدام اساسی برای تعیین سرنوشت جنگ انجام گیرد.

تداوم فتوحات فاو

در عملیات کربلای ۴ قرار بود فتوحات عملیات والفجر ۸ تکمیل شود و رزمندگان از جنوب بصره تا فاو را تحت کنترل خود در آورند. در این صورت تنها کانسال عراق از ام القصر تا خلیج فارس که تنها راه باقیمانده این کشور به آب‌های آزاد بود قطع می شد. کربلای ۴ می توانست یک ضربه اساسی به یعنی هوا وارد کند. بنابراین برای این عملیات تمهیدات زیادی نیز اندیشیده شده بود. تعداد گردان‌های شرکت کننده بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ گردان در نظر گرفته شده بود که به نسبت عملیات بزرگ گذشته، یک تحول مثبت به شمار می رفت. اما نسبت منفی این عملیات حداقل به نسبت والفجر ۸ این بود که حفاظت عملیات آن طور که باید رعایت نشد

فرماندهان سیاسی و چه فرماندهان نظامی) به این باور رسیدند که باید در سال بعد (۱۳۶۵) یک اقدام اساسی برای تعیین سرنوشت جنگ انجام گیرد. کربلای ۵ دو هفته بعد از اتمام کربلای ۴ آغاز شود. کربلای ۵ بر اساس یکی از محورهای عملیات کربلای ۴ به سرعت طرح ریزی و اجرا شد. در کربلای ۴ در تپه‌ای از سیاه‌مأمور بودند با عبور از سنگ‌های نونی شکل به شلمچه نفوذ کنند و حالا این محور ابتدایی تبدیل به محور اصلی کربلای ۵ شده بود. در تاریخ ۱۹ دی ۱۳۶۵ نیروهای ایرانی دوباره در مناطق عملیاتی تجمع کرده و این بار فشار اصلی را روی دژ شلمچه وارد کردند و با نفوذ به این دژ مناطق حساسی را تا حومه بصره به تصرف در آوردند. هر چند کربلای ۵ به خونین ترین عملیات کل دوران دفاع مقدس تبدیل شد و با تقدیم هزاران شهید، تک تک روزهای «دی ماه» نام صدها شهید را در دیباجه خود به ثبت رساند.

یک سحرگاه پرفیض

زمانی که جنگ با داعش و گروه‌های تروریستی در سوریه و عراق در اوج قرار داشت، شهید نعمتی چند بار به سوریه اعزام شد. او وصیتنامه خود را قبل از یکی از همین اعزام‌ها نوشته بود. ابتدا هم ذکر کرده بود قبل از «اعزام مجدد» این وصیتنامه را می نویسد. در سحرگاه روز پرفیض عرفه که شهید نعمتی به گرامیداشت این روز و شرکت در دعای عرفه توجه زیادی داشت.

مهدی در وصیتنامه‌اش نوشته بود: «در سحرگاه روز پرفیض عرفه در آستانه اعزام مجدد به سوریه جهت دفاع از اسلام و راه الهی معصومین (ع)، وصیتنامه خود را به این شرح تقدیم می نمایم: از خداوند کریم سپاسگزارم که به این عید عصیانگر خود با لطف و کرم توفیق شرکت مجدد در میدان جهاد را عطا فرمود و امیدوارم خون بی ارزش این بنده گناهکار زمینه ظهور حضرت امام زمان (عج) گردیده و به دعای حضرت زینب (س) و حضرت رقیه (س) همه سینات و گناهانم به حسنات تبدیل گردد.»

پشتیبانی از ولی فقیه

یکی از خصوصیات سازش شهید نعمتی ولایت‌مداری و علاقه بسیارش به حضرت آقا بود. او همیشه خانواده را به پیروی و پشتیبانی از ولی فقیه سفارش می کرد و این موضوع در وصیتنامه‌اش هم بازتاب یافته بود. شهید نعمتی در بخشی از وصیتنامه‌اش نوشته بود: «از پدر و مادر عزیزم تشکر می کنم که با زحمات فراوان این عبد حقیر را در مسیر ولایت قرار داده و زمینه عاقبت بخیری ام را فراهم نمودند. اگر در این مدت فرزند خوبی برای شما نبودم عذر می خواهم و امیدوارم ایمن فرزند خود را حلال بفرمایید. از همسر گرامی و دختر دلبندم که زمینه حضور بنده در میدان جهاد را فراهم نمودند، سپاسگزارم. اگر در این مدت همسر و پدر خوبی نبودم، بوزش می طلبم و امیدوارم شما با حجاب و عفتتان ادامه‌دهنده راه شهیدان باشید. به خواهر و برادران خود وصیت می کنم پشتیبان ولایت فقیه باشید و به فرامین ولی امر مسلمین عمل نمایید.»

دیدار با حاج اسماعیل دولابی

شهید نعمتی از مریدان مرحوم حاج اسماعیل دولابی بود و پای جلسات ایشان می نشست. این حضور باعث تقویت روحی و معنوی شهید شده و زندگی‌اش را تحت تأثیر قرار داده بود. آن قدر که مهدی حتی در وصیتنامه‌اش هم دیدار با مرحوم دولابی و توجه ایشان به شهید را آورده بود. شهید در وصیتنامه‌اش می نویسد: «در ایام جوانی روزی خدمت مرحوم حاج اسماعیل دولابی رسیدم و ایشان به بنده فرمودند «راه باز کن تا خدا برایت راه باز کند». این سخن ایشان همواره مد نظر بنده بوده است و اگر خداوند توفیق حضور در صحنه جهاد را به حقیر داده، به این سبب بوده است.»

در واقع شهید نعمتی خودش اذعان می کند مانند در مسیر حق و جهاد در این مسیر را مدیون خدمت به خلق است. گشودن گره از کار دیگران، همیشه سرلوحه امور ایشان بود. در هر ستمی که خدمت می کرد، این توجه به گره‌گشایی و باز کردن راه مردم را مدنظر داشت. به عنوان نمونه عرض می کنم وقتی به فراجا مأمور شد، در بحث گذرنامه اربعین چون خودش هم عاشق و شیفته امام حسین (ع) و سفر معنوی اربعین بود، کار مردم را راه می انداخت. در صدور گذرنامه اربعین توجه خاصی داشت. اگر کسی کارش گیر می کرد و

نگاهی به وصیتنامه شهید مهدی نعمتی از شهدای تجاوزه رژیم صهیونیستی در گفت‌وگوی «جوان» با برادر شهید

راهگشا بود و خدا هم راهش را تاشهدات باز کرد



شهید نعمتی (سمت راست) در کنار شهید پاشا پور از فرماندهان مدافع حرم

زمانی که جنگ با داعش و گروه‌های تروریستی در سوریه به اوج رسیده بود، شهید نعمتی چند بار به آنجا اعزام شد. او وصیتنامه خود را قبل از یکی از همین اعزام‌ها نوشته بود. ابتدا هم ذکر کرده بود می نویسد: در سحرگاه روز پرفیض عرفه که شهید نعمتی به گرامیداشت این روز و شرکت در دعای عرفه توجه زیادی داشت

چند بار در وصیتنامه ایشان بازتاب یافته است. شهید نعمتی در بخش دیگری از وصیتنامه‌اش می نویسد: «سعی نمایم دستگیر برادران مؤمن یکدیگر باشید که دعای یک نفر می تواند گر هگشایی زندگی انسان باشد. هیچ‌گاه امید خود را به عفو و رحمت الهی از دست ندهید که حساب و کتاب خداوند با ما انسان‌های گناهکار فرق می کند و اگر از سسر اخلاص به درگاه الهی روی آوریم، مورد عفو و رحمت الهی قرار می گیریم.»

این وصیتنامه یک مدافع حرم که بعدها مدافع امنیت و اقتدار کشور می شود، نمونه‌ای از ایمان و اعتقاد جوانان ایرانی را نشان می دهد که هر وقت کشور و ارزش‌هایشان را در خطر ببینند، لباس رزم برتن می کنند و به میدان نبرد می روند. شهید نعمتی یک روز به سوریه رفت و آنجا جنگید و روز دیگر به رغم خطر بمباران دشمن تا آخرین لحظه پشت میز خدمتش ماند و همانجا به شهادت رسید. مهدی در پایان وصیتنامه‌اش می نویسد: «در پایان از همه برادران و خواهران عاجزانه طلب عفو و بخشش داشته و امیدوارم اگر حقی از آنها را زائل نموده‌ام به حرمت خون حضرت اباعبدالله الحسین (ع) حلال نمایند. پدر

مهدی نعمتی نهم شهر بورامه ۱۳۹۶»

مانند تا خدمتش کامل شود

شهید نعمتی چند بار به جبهه دفاع از حرم اعزام شد و هر بار امکان داشت به شهادت برسد. سال‌ها قبل نیز وقتی تازه وارد سپاه شده بود و حدوداً ۲۰ سال داشت، یک نیمه شعبان نذری شیرینی مادرم را برداشتم تا با موتور برای دوستانتش ببرم. شب بود و بین راه روی دست‌اندازی به زمین افتاد و سرش آسیب جدی دید. او را به بیمارستان بعثت رساندند. آن شب وقتی من می آمد و علائم خونریزی مغزی داشت. وخامت حالش باعث شد او را به بیمارستان بقیه‌الله اعزام کنند. برادرم از این حادثه به شکل معجزه‌آسایی نجات پیدا کرد و بعد همان طور که عرض کردم چندین بار به سوریه اعزام شد. اما در هیچ کدام از این وقایع آسیب چندانی به او نرسید. انگار خواست خدا بود تا ایمان و شهید جنگ با رژیم صهیونیستی شود. شهید آوینی می گوید شهادت لباس تک سبزی است که آدم باید خودش را هم اندازه این لباس کند. به نظر من مهدی رفته رفته به اندازه این لباس شهادت کرد و با پوشیدن آن با عاقبت بخیری دنیا را ترک کرد.

علیرضا محمدی

شهید مهدی نعمتی از شهدای تجاوزه نظامی امریکا و رژیم صهیونیستی به کشورمان است که روز دوم تیرماه در حمله دشمن به ستاد فرماندهی فراجا به شهادت رسید. در پاره شهید نعمتی بیشتر مطلبی در روزنامه جوان منتشر کرده بودیم اما انتشار وصیتنامه این شهید پیش از اعزامش به سوریه برای دفاع از حرم، فر صتی پیش آورد تا با مرور این وصیتنامه درباره ثبات قدم شهید نعمتی و دیگر شهدای ایران اسلامی در پیمودن مسیر اعتقادی شان بیشتر بپردازیم. آقا مهدی نمونه‌ای از یک جوان ایرانی است که هر جا احساس کند کشور، اعتقادات و ارزش‌های معنوی‌اش به خطر افتاده است، قد راست می کند و برای دفع فتنه پیشقدم می شود. چه کیلومترها دورتر در سوریه باشد یا در قلب تهران و در آغوش کشیدن شهادت پشت میز خدمت... مروری بر وصیتنامه معنوی شهید مهدی نعمتی را از زبان برادرش مجید نعمتی پیش رو دارید.

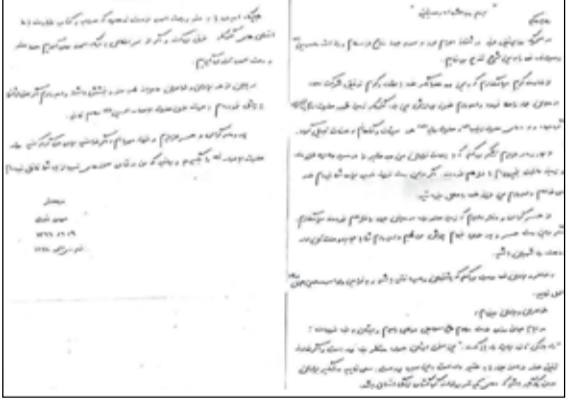
تمام در بیمارستان پیش من ماند. اتفاقاً چهار روز قبل از شهادتش بود. این آخرین باری بود که کمک آقا مهدی را در زندگی مان احساس می کردیم.

نمی توانست گذرنامه اربعین بگیرد، کافی بود با آقا مهدی تماس بگیرد و ایشان سریع کارش را راه می انداخت. این توجه به دیگران و رسیدگی به امور مؤمنان تا پایان عمر زمینی شهید نعمتی دیده می شود. چند روز قبل از شهادت برادرم، من و یکی دیگر از برادرهایم همزمان عمل جراحی داشتیم که شهید کارهای ما را انجام داد. وقتی من عمل کردم، ۴۸ ساعت



شهید مهدی نعمتی در وصیتنامه‌اش می نویسد: «در ایام جوانی روزی خدمت مرحوم حاج اسماعیل دولابی رسیدم و ایشان به بنده فرمودند «راه باز کن تا خدا برایت راه باز کند». این سخن ایشان همواره مد نظر بنده بوده است و اگر خداوند توفیق حضور در صحنه جهاد را به حقیر داده، به این سبب بوده است.»

شهید پوریا از وصیتنامه شهید پاشا پور از فرماندهان مدافع حرم



جدول

طراح:علیرضاسجادی فر ■ شماره ۷۴۸۶

۷	۶		۱		۳
			۳	۱	۵
	۵	۳	۴		
۸		۵			
			۹	۶	
				۸	۷
				۳	۱
۲		۴		۷	
			۶	۲	

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک‌سده سه فقط یک‌بار به کار روند.

جدول کلمات متقاطع

باسخ جدول شماره ۷۴۸۵

۷	۶	۸	۱	۳	۷	۱	۵
۷	۷	۳	۸	۶	۱	۳	۱
۱	۱	۳	۳	۷	۳	۸	۶
۸	۶	۷	۷	۳	۱	۳	۳
۳	۱	۷	۳	۸	۱	۷	۱
۳	۳	۷	۳	۸	۱	۷	۱
۳	۳	۷	۳	۸	۱	۷	۱
۳	۳	۷	۳	۸	۱	۷	۱
۳	۳	۷	۳	۸	۱	۷	۱
۳	۳	۷	۳	۸	۱	۷	۱

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳
۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴
۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵
۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶
۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷
۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸
۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹
۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱
۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲
۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳
۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴
۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵

از راست به چپ

۱- ادیب، منشی و شاعر دوره قاجار که در باغ نگارستان کشته شد. ۲- گردنبند اسارت- ماهر در دعوا- ضمیر بسی حضور ۳- بندگی- شکاف و ترک- پایتخت شاهرخ تیموری- دشت و صحرا ۴- درد پا- شیرینی تولد- دشنام- مهاجم سال‌های دور فوتبال ایتالیا ۵- ماهی فروش- تخلص ایرج میرزا- خوردنی ۶- قه‌زاگرس- برکت و فزونی نعمت- جنس ۷- بزرگ برنده- گناه- پوشیده و پنهان- هنوز انگلیسی ۸- بنده خانه‌زاد- رمان مبارک تواین- ربه ۹- مسالوی- ناگهانی- دامنه کوه- بند دست ۱۰- امجودیت- جوب خوشبو- جست‌وجوی اینترنتی ۱۱- پایتخت فرهنگی پاکستان- باران منجمد- القبا‌ی اینتایبان ۱۲- از خدایان مصری- انگرالاصوات- نظرات- دهل ۱۳- رازش/اعتبار- هرپسه- صدای رعد- تن پوش مردانه ۱۴- آش- نوعی کلم- خوب و زیبا ۱۵- رفتاری مخالف و ناسازگار از خودنشان دادن

از بالا به پایین

۱- نوعی آلبالو- بسیار فقیر و بی چیز ۲- نماینده قانونی- جهنم- کمک ۳- تکرار حرف آخر- توشه، خوراک- درخت بومی حاشیه خلیج فارس ۴- مظهر نرمی- گیاه گوئی- شتر تندرو- شامه نواز ۵- گودال- محکم نظامی- بانگ و آواز مهیب ۶- عزیزت- شاه مغولی- پاک و سادگی ۷- حرف خطاب- اسب قهوه‌ای رنگ- ترش و شیرین- پارچه کشاف ۸- بلدا لاین- از اعضای طبی که عوارض ناشی از دیابت را کاهش می دهد- سازمان بزرگ جهانی ۹- لیست- علامت جمع- زنگ و جرس- عنصر شیمیایی ۱۰- از آلات موسیقی قدیمی- نوشیدنی ترش و گازدار که از تخمیر شیر به دست می آید- واحد مسافت دریایی ۱۱- گاز نیتروژن- قالب ریخته گری- شهری در لرستان ۱۲- نفس خسته- اندام تعادلی ماهی- باختر- مقابل و نزد ۱۳- پایتخت بنگلادش- ریم- تلخ ۱۴- از وزرای دفاع شهید- سنگ سبز قیمتی- سیخ نانواپی ۱۵- سبک ترین عنصر شیمیایی- کاخ پادشاهان صفوی در اصفهان و قزوین



## پیشخوان

نظر و گذری بر «بکصد و ده فرمان آیت‌الله بلادی بوشهری برای مبارزان تنگستانی»

### «نظام نامه حرب» برای مدافعان وطن

■ سمانه صادقی



مبارزان تنگستانی در جنگ جهای اول است. این مجموعه از سوی مرتضی سرهنگی آماده چاپ شده و انتشارات سوره مهر آن را روانه بازار کتاب کرده است.
تارنمای ناشر در ابضاحی بر مضمون و محتوای این کتاب به نکات پی آمده اشرات برده است:

«نظام نامه حرب شامل یکصد و ده فرمان از آیت‌الله بلادی بوشهری برای مبارزان تنگستانی در جنگ جهانی اول است که مرتضی سرهنگی آنها را گردآوری کرده. در مقدمه این کتاب می‌خوانید: آیت‌الله سیدعبدالله بلادی بوشهری در لابه‌لای کتاب لویج و سوانج خود متن نظام‌نامه حرب را آورده است که از فصول درخشان و ماندگار این کتاب به شمار می‌رود. ایشان پیش از ورود به مبث نظام‌نامه علت تألیف آن را کوتاه و مختصر می‌نویسد و در برابر ما تصویری از بوشهر قرار می‌دهد که به اشغال کامل انگلیسی‌ها درآمده و آتش جنگ و گریز مدافعان ایرانی با نیروهای اشغالگر شعله‌ور است. در همین متن کوتاه، متوجه می‌شویم که رئیس‌علی دلواری به شهادت رسیده، ولی به روحیه تهاجمی نیروهای ایرانی سدمنه‌ای وارد نشده است. در شیراز هم وضعیتی فوق‌العاده برای آموزش نظامی و دفاع همه‌جانبه علیه انگلیس حاکم است. آیت‌الله بلادی در دوسطر آخر شرح‌وضعت بوشهر در جنگ جهانی اول (۱۹۱۵ میلادی)، درباره علت تألیف نظام‌نامه حرب می‌نویسد: از مرکز مجاهدین ادر تنگستان، آ. خواش نظام‌نامه اساسی واصل حربی برای عملیات ملی شد. لذا فوراً یکصد و ده ماده اصول حرب نوشتم و برای آنها فرستادم... همین سراحت لهجه و روشن‌گویی در



آیت‌الله سیدعبدالله بلادی بوشهری در سن ۴۰ سالگی

یکصد و ده ماده نظام‌نامه حرب دیده می‌شود. ممکن است برخی گفته‌های آیت‌الله بلادی، ساده و بدبهبی دانسته شود، اما همین بدبهبیات در نظام اهمیت دارد. این نظم که از اطاعت باطنی سرچشمه می‌گیرد، اگر از آشپزخانه تا توپخانه حاکم باشد، رسیدن به نتیجه دلخواه برای فرمانده یا یک قشون دشوار نیست. نظام‌نامه حرب را از دل کتاب لویج و سوانج بیرون آورد تا این دست‌ورهای نظامی بیشتر و بهتر دیده شود. مردم ما که یک جنگ فغاهی شمت‌ساله را پشت سر گذاشته‌اند، اهمیت چنین نوشته‌هایی را بیشتر می‌دانند. وقتی این مجتهد تواند پیش در نظام‌نامه حرب با آینده‌نگری خویش از فرماندهان مبارز جنوب خواسته است تا از میدان‌های نبرد عس تهیه کنند و گزارش روزانه جنگ خود را بنویسند؛ دامنه زرفرنگری ایشان را درباره اهمیت اسناد و مدارک جنگ بیش از پیش نشان می‌دهد. این کتاب از اسناد تازه به دست آمده است که حدود ۲۰۰ سال پیش جناب آقای زین‌العابدین بلادی نوه ایشان، متن دست‌نویس آن را در اختیار هیئت علمی کنگره بزرگداشت هشتادمین سال شهادت رئیس‌علی دلواری قرار می‌دهد و جناب آقای سیدقاسم یاحسینی از محققان حوزه تاریخ جنوب و ادبیات یاداری، مقدمه و توضیحی برای کتاب می‌نویسد و در سال ۱۳۷۳، کتاب لویج و سوانج در بوشهر منتشر می‌شود. بعدها متن کامل نظام‌نامه حرب در دو هفته‌نامه کمان نشریه تخصصی ادب و هنر یاداری منتشر می‌شود. همین امر نشان می‌دهد که این متن آن قدر استحکام محتوایی و ادبی دارد که بیرون از کتاب لویج و سوانج هم می‌تواند روی پای خود بایستد و امروز هم در این کتاب کج‌حجم – که برخاسته و در واقع عصاره‌ای از اصول حرب براساس آیات و روایات و سیره پیامبر (ص) و حضرت امیر (ع) در جنگ‌های سه‌گانه‌جمل، صفین و نهروان است– همچنان با قامت افراشته ایستاده است...»

■ محمدرضا کائینی

در روزهایی که بر ما گذشت، از چهل و چهارمین سالروز شهادت عسارف میجاهد، آیت‌الله سیدعبدالحسین دستغیب شیرازی عبور کردیم و به همین مناسبت صفحه‌ای را نیز به شما تقدیم داشتیم. در پی آن، مجموعه‌ای نفیس از روایات فعالان و شاه‌دان یگانه نهضت اسلامی در شیراز به دست‌مان رسید که در بیغمان آمد از انتشار آن درغ ووزیم. راویان عمدتاً در محضر حق ساوی گذشته‌اند و این امر، ضرورت انتشار مشاهدات‌شان را افزون ساخته است. این شهادت‌ها نشان می‌دهد که اولاً بستری‌های نهضت اسلامی ایران در بدو وقوع آن چیست؟ ثانیاً عمق و گستره آن در شهرهای بزرگ ایران تا چه حد بوده است؟ و مجموع این همه، باطل‌کننده و همیاتی است که جریان موسوم به سلطنت‌طلب به پراگندن آنها دست و پا می‌زند! امید آنکه تاریخ پژوهان و عموم علاقه‌مندان را مقید و مقبول آید. ■ ■ ■

■ رهبر سازش تا پذیر نهضت اسلامی در خطه فارس

در آغاز این مقال مناسب است که بر چند و چون رهبری نهضت اسلامی در شیراز و نیز حالات و مقامات سلسله جنیان اصلی این حرکت نظری بیفکنیم. زنده‌یاد آیت‌الله سیدمحمدهاشم دستغیب فرزند شهید آیت‌الله سیدعبدالحسین دستغیب، در باب رویکردها و نخستین دستگیری خویش و پدر در بدایت این حرکت ماجراهای بی‌آمده را روایت کرده است:

«پدرم تأکید داشت که نهضت شخصی نشود و رنگ جمعی داشته باشد؛ به همین دلیل با علما دیدار کرد و مسئولیت اصلی را برعهده گرفت. ایشان گفت اگر پای زندان یا تبعید در میان باشد، بهتر است که متوجه خود او باشد. مجالس دعا به‌عنوان پوشش آغاز شد، اما به تدریج محتوای مبارزاتی یافت. دستنگاه امنیتی با تهدید، شایعه و ارباب تلاش کرد تا مردم را بترساند، اما این مجالس ادامه یافت و سخنرانی‌ها هم مخفیانه ضبط و به‌قم ارسال می‌شدن. این خطابه‌ها نقش مهمی در توسعه این حرکت در شیراز و حتی دیگر نقاط کشور داشت. در شب عاشورای سال ۱۳۴۲، پدرم در مسجد نو سخنرانی قاطعی ایراد و شاه را به‌صراحت محکوم کرد. پس از اعلام بازداشت

محمدعلی حسینی: «عده‌ای به‌بام‌خانه آیت‌الله دستغیب رفتند و برخی دم در ماندند. در کوچه هم فرش انداخته و مردم روی آن نشسته بودند!» پس از ساعاتی، ماشین‌های روی ارتشیی پشت‌سر هم رسیدند. دو نفر رفتند ببینند چه خبر است که آنها را دستگیر کردند؛ بعد کم‌اندوها ریختند و زد و خورد شد و برخی را زخمی کردند. حدود ۱۰ دقیقه طول کشید تا کم‌اندوها بتوانند وارد منزل شوند و به تخریب بیر زادند»

حضرت امام، ایشان تعطیل عمومی اعلام کردند! احتمال دستگیری‌شان بسیار زیاد بود و در همان شب، حمله نجرها به سوی منزل ما آغاز شد. مردم مقاومت کردند، اما خانه محاصره شد. در این میان، بنده به‌شدت مورد ضرب‌و‌شتم قرار گرفتم؛ جراحاتی که آشراش تا امروز هم باقی است! مرا بازداشت و به تهران منتقل کردند. در حالی که پدرم در اختفا به سر می‌برد و هنوز دستگیر نشده بود. در زندان عسرت‌آباد در شرایط بسیار سختی بودم، اما صبر و آرامش پدرم و پیمایی که به شکل مخفی برابم فرستاد، موجب قوت قلب شد. پس از مدتی، هر دو در زندان یکدیگر را ملاقات کردیم!

ایشان از جنایات انجام شده در شیراز و شهادت خواهرزاده‌اش و تعدادی از مردم سخن گفت. اما همچنان بر انجام وظیفه تأکید داشتیم. پس از ابتدا بنده را و با فاصله کوتاهی پدر را آزاد کردند، اما به‌ما اعلام شد که به مدت پنج ماه نمی‌توانید از حوزه قضایی تهران خارج شوید! ترس آن‌ها این بود که ما به شیراز برگردیم، ما هم گفتیم که به شیراز نمی‌رویم، اما می‌خواهیم برای زیارت به مشهد برویم! رفتیم و پس از مدتی به تهران بازگشتیم. پس از آن، پدر به دیدن خواهر‌شان (مادر شهید خلیل دستغیب) به سسنندج رفتند. سرانجام به دلیل فشار علما و مردم از شیراز و سراسر کشور، رژیم ناگزیر و تقریباً پس از سیری شدن شش ماه به آزادی ما رضایت داد! خواستند برای مراعات نظم و امنیت از پدر تعهد بگیرند، اما ایشان دعای ما کاری بر خلاف نظم نداده‌ایم و نمی‌دهیم که بخواهیم برای آینده‌مان تعهد بدهیم و نداد! بازگشت ایشان به شیراز با استقبال بی‌سابقه‌ای همراه شد. از آاده تا شیراز، صف طولانی مردم شکل گرفته بود. این استقبال نشان داد که فشار و خشونت رژیم نتیجه‌ای معکوس داده است. جامعه، حق‌شناسی و درک عمیق خود را نشان داد. همچنین این استقبال حاکی از آن بود که ظرفیت ادامه نهضت در جامعه وجود دارد...»

■ تلافی آغاز مبارزه با نزول رحمت الهی
راوی خاطراتی که در پی می‌آید، از یاران و مصاحبان دیرین آیت‌الله دستغیب قلمداد می‌شود که در بطن بسا وقایع نهضت اسلامی در این شهر قرار داشته است. محمد سودبخش بر این باور بود که نخستین تجمع سیاسی در شیراز با مجلس دعا برای نزول باران کلید خورد و با تمهیدات آیتین محلاتی و دستغیب به اعتراض سیاسی سوق یافت:



بگاه نهضت اسلامی در شهر شیراز در آئینه ۵ روایت

# صدای افشاگری و اعتراض در مجالس دعا برای بارش باران!

«پاییز ۱۳۴۱ گذشت و زمستان هم بدون بارش یک قطره باران به پایان رسید! مردم در مضیق شدیدی بودند. نیمه بهمن بود که علما تصمیم گرفتند دعای باران بخوانند. صبح پنج‌شنبه‌ای از طریق یکی از همسایگان متوجه شدم که در این‌باره برنامه خاصی در مسجد جامع هست. فوراً به منزل آیت‌الله دستغیب رفتم و جریان را گفتم. ایشان فرمودند: به منزل آیت‌الله محلاتی برویم تا موضوع را پیگیری کنم. به آنجا رفتم و آیت‌الله محلاتی آیت‌الله دستغیب وقتی از جلسه بیرون آمدند رفتند. شهید دستغیب وقتی از جلسه بیرون آمدند به من گفتند: برنامه‌ای از سوی آیت‌الله خمینی اعلام شده که طی آن باید با مردم سخن بگوییم تا نسبت به اوضاع ملکیت آگاه شوند. آقای محلاتی امشب را به عنوان نخستین جلسه انتخاب کرده‌اند و من هم در آن سخن خواهیم گفت. ایشان به همین دلیل دستور دادند که شبستان مسجد فوراً آماده شود. با وجود مصالح ساختمانی در محل، نبودن فرش و به هم ریختگی ناشی از مراسمات همه را بسیج کرد تا نظافت و فرش کردن مسجد به‌سرعت انجام شود. در آن شب، جمعیت در مسجد جامع موج می‌زد و شبستان آن پر شد. آیت‌الله دستغیب برخلاف معمول که اجازه نصب بلندگو نمی‌دادند (چون صدای رسایی داشتند)، به دلیل پیش‌بینی از دید جمعیت فرمودند: امشب باید بلندگو نصب سخنرانی هم ضبط شود! با کمک آقای ابوالاحرار، دستگاه‌های مرخوبی را آوردیم. نماز خوانده و دعای کمیل نیز از سوی آقای سیدابوالحسن دستغیب (برادر شهید دستغیب) قرائت شد؛ سپس آیت‌الله دستغیب بر منبر رفتند. ابتدا از خشکسالی و ضرورت دعا و ضرع به درگاه باری تعالی گفتند، اما در ادامه بحث را به مسائل سیاسی کشاندند و از رژیم شاه به شدت انتقاد کردند! منبری بسیار داغ بود و آن شب مجلس دعای باران نامیده شد! مردم هنوز به خانه نرسیده، آسمان ابری شد و باران مفصلی بارید! مردم این را نشانه لطف الهی و مقام والای آیت‌الله دستغیب دانستند و جلسات بعدی نیز تحت عنوان مجلس دعای باران ادامه یافت!

شب جمعه بعد جمعیت بسیار بیشتری آمد و حتی شبستان‌های قدیمی را هم فرش کرده بودیم. از آن پس هر هفته منبرها داغ‌تر می‌شد و لطف الهی در این بود که هر شب جمعه هم باران می‌آمد و مردم با شوق و امید به رو شدن حاجات خود می‌آمدند. جالب اینجا بود که عده‌ای از آنان، از فرط اطمینان می‌گذاشتم و به فرد دیگری می‌دادم تا آن را در شبستان قرار دهم؛ سپس با سیم رابط آن را به بلندگو وصل می‌کردم. پس از ضبط نوار را به یکی از دوستان می‌دادم و ایشان آن را به خانه ما منتقل می‌کرد. چون امکان قطع برق وجود داشت، عصرهای پنج‌شنبه از آقای نیک‌اختر بتری قرض می‌گرفتم تا جلسات مختل نشود. بعضی از جلسات سخنرانی با دشواری‌ها و احتیاطات فراوان ضبط و ماندگار شدند...»

■ تا ۳ می‌شماریم باید بگویید دستغیب را کجا پنهان کرده‌اید!
در شب شانزدهم خرداد ۱۳۴۲، رویارویی رژیم پهلوی با مردم معترض شیراز به نقطه اوج خویش رسید. لشکری از زره پوش‌های اعزامی از سوی ارتش، با منزله آیت‌الله دستغیب و مردمی که در اطراف آن جمع شده بودند، حمله بردند و به ضرب و شتم مردم و خانواده آن روحانی مجاهد دست زدند. دامنه

▲ دهه ۴۰ شیراز، شهید آیت‌الله سیدعبدالحسین دستغیب در صف نخست روحانیون و مردم

▲ دهه ۴۰ شیراز، حاج شیخ به‌الدین محلاتی

محمد سودبخش: «در آغاز سال ۱۳۴۲، آیت‌الله دستغیب به منبر رفتند. ابتدا از خشکسالی و ضرورت دعا به درگاه الهی گفتند، اما در ادامه بحث را به مسائل سیاسی کشاندند و از رژیم شاه به‌شدت انتقاد کردند! منبری بسیار داغ بود و آن شب مجلس دعای باران نامیده شد! مردم هنوز به خانه نرسیده، باران مفصلی بارید! خلاق این را نشانه لطف الهی دانستند و جلسات بعدی نیز تحت عنوان مجلس دعای باران ادامه یافت»

به بارش باران با خود چتر هم می‌آوردند! از آن تاریخ، تمامی سخنرانی‌ها را ضبط می‌کردیم. این نوارها، طالبان زیادی در شیراز، قم و سایر نقاط ایران داشت. از سوی دیگر اعلامیه‌هایی که از قم می‌رسید را نیز با ماشین تحریری که از بانک به امانت گرفته بودیم، در شبستان مسجد به صورت پنهانی تایپ و تکثیر می‌کردیم. در آن روزها تا صبح بیدار می‌ماندیم تا کار را به نتیجه برسانیم. واقعاً ترس در کار نبود، گویا خدا نگهدارمان بود. در شب‌های محرم و مخصوصاً شب عاشورا مسجد نو مملو از جمعیت می‌شد و ما باید همزمان با دو دستگاه، سخنرانی‌ها را ضبط می‌کردیم تا اگر یکی مصادره شد، نسخه دیگری باقی بماند. هفته‌ها خواب درست نداشتیم و این جوانی و شور آن روزها بود که ما را سرپا نگاه می‌داشت. حتی برخی از دوستان، بلندگو را روی پشت خود حمل می‌کردند و روی نردبان می‌ایستادند تا صدا به‌درستی پخش شود. این مجموعه گرانگت به خاطر زحمت و مخلصانه آن دوستان فراهم آمد و به تاریخ سپرده شد...»

■ اولین بار که صدای اعتراض شیراز ضبط شد!

شهید آیت‌الله سیدعبدالحسین دستغیب در عداد شخصیت‌هایی است که خطابه‌های فراوانی از او ضبط شده که بعدها بخش‌هایی از آنها به کتاب تبدیل شدند. آغاز ضبط این سخنرانی‌ها، همزمان با کلید خوردن نهضت اسلامی است و این امر نیز با اراده و دستور آن عارف مجاهد انجام شد. محمدرضا ابوالاحرار از فعالان انقلاب در شیراز در این خصوص آورده است:

«در آن سال‌ها و در شب‌های جمعه، روحانیون شیراز در مسجد جامع گرد هم می‌آمدند. پس از قرائت دعای کمیل، آیت‌الله دستغیب به عنوان سخنگوی روحانیت منطقه فارس به منبر می‌رفتند و مسائل روز و مفاسد دستگاه حکومت را به‌صراحت بیسان می‌کردند. من سخنان ایشان را ضبط و همچنین نوارهای سخنرانی حضرت امام را – که از قم می‌آمد – تکثیر می‌کردم. کیفیت کار هم به این صورت فرس که همراه یکی از دوستان به نام آقای سودبخش در منطقه پشت مسجد مشغول تکثیر نوار می‌شدیم، تا صبح آماده ضبط و شود و به شهرهای دیگر برسد. این نکته را هم ناگفته نگذارم که بنده هنگام ضبط سخنان آیت‌الله دستغیب حالتی عجیب داشتم! از این برای من تنها در ضبط و ضبط سخنان ایشان معنا پیدا می‌کرد! به خانواده هم گفته بودم هر وقت که امام را گرفتند، فدای آن روز نماز نیز می‌گیرند! آن نوارها همگی با انگیزه و علاقه فراوان ضبط شده‌اند. اساساً ضبط صوت در آن زمان، تقریباً دستگاهی ناشناخته بود! برادرم در دانشسرای کشاورزی یک دستگاه از آن را دیده بود. تصمیم گرفتم که بدون اطلاع آیت‌الله دستغیب صدای‌شان را ضبط کنم! دستگاه را در منبر جاسازی کردم و میکروفون را زیر تشکی گذاشتم که ایشان روی آن می‌نخستند.

پس از دعای کمیل نوار را برداشتم. پس از آن موضوع را خدمت‌شان اطلاع دادیم، با نگرزوری پذیرفتند که سخنرانی‌های‌شان ضبط شود. اولین بار بود که صدای خود را می‌شنیدند و برای‌شان جالب بود. فقط تأکید کردند که نوار در جای بپهوده استفاده نشود. از همانجا ضبط سخنرانی‌ها ادامه پیدا کرد. در مراسم‌های مسجد نو، دستگاه را در یک ساک می‌گذاشتم و به فرد دیگری می‌دادم تا آن را در شبستان قرار دهم؛ سپس با سیم رابط آن را به بلندگو وصل می‌کردم. پس از ضبط نوار را به یکی از دوستان می‌دادم و ایشان آن را به خانه ما منتقل می‌کرد. چون امکان قطع برق وجود داشت، عصرهای پنج‌شنبه از آقای نیک‌اختر بتری قرض می‌گرفتم تا جلسات مختل نشود. بعضی از جلسات سخنرانی با دشواری‌ها و احتیاطات فراوان ضبط و ماندگار شدند...»

■ تا ۳ می‌شماریم باید بگویید دستغیب را کجا پنهان کرده‌اید!

در شب شانزدهم خرداد ۱۳۴۲، رویارویی رژیم پهلوی با مردم معترض شیراز به نقطه اوج خویش رسید. لشکری از زره پوش‌های اعزامی از سوی ارتش، با منزله آیت‌الله دستغیب و مردمی که در اطراف آن جمع شده بودند، حمله بردند و به ضرب و شتم مردم و خانواده آن روحانی مجاهد دست زدند. دامنه

این تقابل به روزهای بعد کشید که به دلیل دستگیری رهبران و فقدان مدیریت سرکوب شد. محمدعلی حسینی از فعالان انقلاب

در شیراز در این‌باره می‌گوید: «در شب ۱۶ خرداد، نوعی حالت آشفتگی و سراسیمگی در میان مردم ایجاد شده بود. خاطرهم هست که در مسجد جامع، نخست آقای ساجدی بر منبر رفتند و گفتند: ما توهین به یک مرجع تقلید و دستگیری او را تحمل نمی‌کنیم و از هیچ چیز هم نمی‌ترسیم! بعد آیت‌الله دستغیب به منبر رفتند و ناراحتی مردم از بازداشت حضرت امام را قدری تسکین دادند و آنها را آرام کردند. طبق توصیه آیت‌الله نجابت ما چند نفر بودیم که سلاح سرد به همراه داشتیم و شهید دستغیب را به منزل‌شان رساندیم. عده‌ای به پشت‌بام خانه رفتند و بعضی دم در ماندند. در کوچه هم فرش انداخته بودند و مردم روی آن نشسته بودند! پس از ساعاتی، ماشین‌های ربوی ارتشی پشت‌سر هم رسیدند. دو نفر رفتند ببینند چه خبر است که آنها را دستگیر کردند! بعد کم‌اندوها ریختند و زد و خورد شد و برخی را زخمی کردند. حدود ۱۰ دقیقه طول کشید تا کم‌اندوها وارد منزل شوند و در همین فاصله، آیت‌الله دستغیب به خانه‌های مجاور منتقل شدند. کم‌اندوها مردم را به مسجد گنج بردند. مسلسل‌ها را رو به مردم گرفته بودند و می‌گفتند: تا سه می‌شماریم، باید بگویید دستغیب را کجا پنهان کرده‌اید! با این همه، هیچ کس حرفی نزد! یک آقای قصاب که جثه بزرگی هم داشت را گرفتند و سخت کتک زدند! با این کارها قصد ارباب حضار را داشتند. واقعاً هم هیچ کس نمی‌دانست که شهید دستغیب در آن ساعات کجاست؛ فقط آقای افراسیابی خبر داشت که مأموران نتوانستند به او دست پیدا کنند. با روشن شدن هوا، مأموران طبق دستور رفتند. من برای سرکشی به مجروحان به بیمارستان‌های سعدی و نمازی رفتم. در این دو بیمارستان مأمور گماشته بودند. یکی از کم‌اندوها با دیدن زخمی‌ها گفت: اینها را باید به پادگان ببرید و شکنجه کنید! اینگونه سخنان آنان شکنجه روحی قلمداد می‌شد. خود من هم مجروح شده بودم. گفتند سرنیزه تا نزدیکی کبدم رفته و اگر کمی بیشتر جلوی رفت، زنده نمی‌ماندم! وقتی در بیمارستان بستری بودم، برادرم لیاسم را آورد و من مخفیانه به خانه بازگشتم. دکتر نجابت و چند نفر دیگر پانسمانم را انجام دادند. بزشکان بیمارستان به ما می‌گفتند: قبل از آمدن مأموران و بازجوها خودتان را بی‌هوشی بنید! بخش زیادی از کادر درمان با انقلابیون همراهی می‌کردند...»

■ ۹ مجلس رحیم، برای تجلیل از رهبر نهضت اسلامی

مردم شیراز پس از سرکوب قیام نیمه خرداد ۱۳۴۲، از راه‌های متنوعی برای زنده نگه‌داشتن اندیشه و انگیزه نهضت اسلامی بهره بردند. یکی از این مسیرها، بهره‌بردن از ظرفیت تجمعات گوناگون در مساجد بود که در مناسبت‌های مختلف پذیرای بدنه سخنان ایشان را ضبط و همچنین نوارهای سخنرانی حضرت امام را – که از قم می‌آمد – تکثیر می‌کردم. کیفیت کار هم به این صورت بود که همراه یکی از دوستان به نام آقای سودبخش در منطقه پشت مسجد مشغول تکثیر نوار می‌شدیم، تا صبح آماده ضبط و رفت. برای ایشان ۹ مجلس تحریم برگزار شد و در تمامی منابر آن درباره دستگیری امام سخن می‌رفت و متن سخنرانی‌ها را هم بنده تنظیم می‌کردم. پس از اینکه مجالس پایان یافت، نوار هر ۹ جلسه را به قم و خدمت آیت‌الله حاج شیخ یحیی انصاری شیرازی – که شاگرد امام و علامه طباطبایی بود بردم. ایشان حدود ۳۰ نفر از استنادان حوزه را دعوت کرد. وقتی نوارها را شنیدند، آنها هم تصمیم گرفتند تا در همه مجالس، درباره امام و اهداف ایشان صحبت کنند. اولین کسی هم که سد سکوت را شکست خود آقای انصاری شیرازی بود. ایشان در مجلسی متعلق به مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، پشت بلندگو رفت و گفت: ما یک میلیمتر از خواسته‌های آیت‌الله خمینی عقب‌نشینی نمی‌کنیم! بعد از آن حرکت، تظاهرات خیابانی شدت گرفت. حدود ۷۰ نفر دستگیر شدند؛ از جمله مرحوم سیدحسین ساجدی، آقای زبرجد، آقای شیخ‌علی موحد، آقای سودبخش، آقای ابوالاحرار، آقای رضائی، آقایان نجابت (چاپخانه احمدی) و جمعی دیگر. بعد از ۴۰ روز، بنده هم احضار شدم. در آن موقع بنا بودم. یک روز صبح با لباس شخصی آمدند و مرا ابتدا به شهربانی و سپس به ساواک بردند و بعد هم وقتی دیدند که از ما چیزی عایدشان نمی‌شود، به زندان سیاسی منتقل‌مان کردند. من به‌خاطر ارتباط با روحانیت و همچنین نوارهایی که در منزلم یافتند، دستگیر و زندانی شدم. مدتی را در انفرادی بودم و سپس به بند عمومی منتقل شدم که در آنجا تعدادی از دوستان نیز هم‌بند من بودند. در بند عمومی، روزانه همراه با هم ورزش می‌کردیم، نماز را به جماعت می‌خواندیم و بعد از ظهرها هم بر نامه تلاوت قرآن داشتیم. این گذشت تا یک حادثه آتش‌سوزی در زندان اتفاق افتاد و مرا به بند قماربازها فرستادند! قمارباز‌های آن بند به احترام حقیر قمار را کنار گذاشتند و گفتند: می‌خواهیم نماز خوان شویم! این اتفاق رئیس زندان را عصبانی کرد و دستور داد که دوباره مرا به همان قسمت قبلی بفرستند!...»

مستند  
الناز برکتی

«نوک آویز» پیوند تلاش و مسئولیت یک دهه هشادی از قاب موبایل

«نوک آویز» به کارگردانی حمید عالی و مسعود معماری با تکیه بر شور درونی برای دنبال کردن علاقه شخصی و دغدغه کمک به خانواده از طریق سروروش حیوانات، تولید شده است. این اثر با روایت صادقانه از زندگی روزمره و نمایش جذابیت‌های زیست روستایی، در بخش فیلم ما پانزدهمین دوره از جشنواره مردمی فیلم عمار مورد تقدیر داوران قرار گرفت.

به گزارش «جوان» مسعود معماری، کارگردان مستند «نوک آویز» در ساره ورود خود به عرصه هنری گفت: ورود من به دنیای فیلمسازی به صورت اتفاقی و از طریق حضور در یک کارگاه آموزش فیلمسازی در باغ شهر فین استان هرمزگان رقم خورد. این کارگاه که در یکی از بازارچه‌های محلی و به همت استاد حمید عالی زاده و شاگردان ایشان برگزار شد، دعوت آنها از من برای شرکت در کلاس، آغازگر مسیر فیلمسازی ام شد. پس از شرکت در دوره و ساخت چند اثر کوتاه، اثر «نوک آویز» تولید شد و علاوه بر جشنواره مردمی فیلم عمار، به سایر جشنواره‌ها نیز راه یافت.



معماری در ادامه افزود: «نوک آویز» به طور خاص بر زندگی روزمره من به عنوان یک دانش آموز متحرک است. محور اصلی اثر، نمایش شور و اشتیاق بی پایان فردی است که با انگیزه درونی قوی به سمت علاقه خود حرکت می‌کند و در مسیر دستیابی به آنها مصمم است. یکی از دغدغه‌های مهمی که در این اثر مورد توجه قرار گرفته است، پرورش خانگی حیوانات از جمله مرغداری کوچک و تولید تخم مرغ بود. علاقه به حیوانات و توجه به منفعت خانوادگی دو دلیل اصلی انتخاب این موضوع و تولید اثر بود.

کارگردان «نوک آویز» درباره هدف از ساخت این اثر بیان کرد: هدف از ساخت این اثر از طریق قاب موبایل، تلاش برای به تصویر کشیدن انجام کاری بود که هم به رشد شخصی کمک و هم به عنوان یک اقدام عملی، بخشی از بار مسئولیت‌های خانواده را سبک کند. معماری درباره چالش‌های ساخت اثر اظهار کرد: حمایت از استعدادهای نوجوانان که علاقه و انگیزه درونی دارند، برای شکوفایی آن‌ها استعدادهای حیاتی است. ساخت این اثر در دوران نوجوانی، چالش‌هایی نظیر لزوم کسب اعتماد جامعه را به همراه دارد، با این حال حمایت بی‌دریغ خانواده و حمید عالی زاده که راهنمایی و هدایت فنی و هنری پروژه را به عهده داشته است، نقطه قوت فرایند ساخت «نوک آویز» به شمار می‌روند.

معماری در ادامه گفت: نقطه عطف قابل تأمل در ساخت «نوک آویز» استفاده از فلتن همراه به عنوان ابزار اصلی فیلمبرداری بود. این اثر توانست در ششمین دوره از المپیاد فیلمسازی و جشنواره مردمی فیلم عمار با فیلم‌هایی که از طریق دوربین‌های حرفه‌ای و پیشرفته ساخته شده بودند، رقابت کند.

کارگردان این اثر در ادامه بیان کرد: برجسته‌ترین ویژگی که به نظر می‌رسد موجب جلب نظر داوران شده است، اصالت و نزدیکی اثر به واقعیت روزمره است. در شرایطی که بسیاری از جوایز شهری از سبک زندگی سنتی فاصله گرفته‌اند، این فیلم توانست تصویری ملموس از یک زندگی تقریباً روستایی و تلاش برای حفظ دغدغه‌های اصیل ارائه دهد که این تضاد فرهنگی توانست توجه هیئت داوران جشنواره عمار را به خود جلب کند. معماری در پایان خاطر نشان کرد: انگیزه اصلی برای ارسال این اثر به جشنواره مردمی فیلم عمار، محک زدن توانمندی‌ها و سنجش میزان تأثیرگذاری کار در مقیاس وسیع تر است.

در آمدی بر ضرورت «مدیریت هوشمند سلبریتی‌ها» در فضای پیچیده رسانه‌ای

«سلبریتی‌های وطنی» قربانی جنگ رسانه‌ای – شناختی



دعوت به برنامه‌های خارجی) برایش به ارمنیان آورد، بدون آنکه هزینه‌های سنگین بلندمدت آن (از دست دادن پایگاه اصلی هواداران، بی‌هویتی و بشیمانی) را به درستی بسجد.

تجربه جهانی و لزوم تدوین «سند مدیریت هوشمند سلبریتی‌ها»

این ادعا که «در همه دنیا برای چهره‌های مشهور چارچوب وجود دارد» کاملاً درست است. در کشورهای توسعه‌یافته، یک «کوسیتسم مدیریت شهرت» پیچیده وجود دارد که شامل موارد زیر است:

**مشاوران رسانه‌ای و ارتباطات سیاسی:** این مشاوران به سلبریتی‌ها آموزش می‌دهند که چگونه در فضای عمومی حاضر شوند، چگونه مصاحبه کنند و چگونه از ورود بی‌ضابطه به عرصه‌های حساس خودداری ورزند.

**قراردادهای حرفه‌ای:** بسیاری از قراردادهای کاری، بندهای اخلاقی و رفتاری مشخصی دارند که فعالیت‌های عمومی فرد را محدود می‌کند تا به برند شرکت‌های طرف قرارداد آسیب نزنند.

**نهادهای منفی:** اتحادیه‌های بازیگران و ورزشکاران با ارائه راهنمایی‌های اخلاقی و حرفه‌ای، از اعضای خود در برابر تصمیم‌های مخاطره‌آمیز محافظت می‌کنند.

**پیشنهاد عملی:** تدوین سند مدیریت هوشمند سلبریتی‌ها در ایران. هدف از این سند، نه «سانسور» یا «تحمیل عقیده» که «توانمندسازی» و «پیشگیری از آسیب» است. این سند باید با همکاری نهادهای فرهنگی، اصناف هنری، روان‌شناسان و کارشناسان علوم سیاسی و رسانه تهیه شود و محورهای اصلی آن عبارتند از:

- آموزش سواد رسانه‌ای و سیاسی:** برگزاری دوره‌های اجباری یا تشویقی برای چهره‌های مشهور، جهت آشنایی با مفاهیم پایه‌ای علوم سیاسی، مکانیسم‌های تبلیغات رسانه‌های مخالف و تکنیک‌های روان‌شناختی مورد استفاده در جنگ شناختی.
- مشاوره روان‌شناختی و حمایت اجتماعی:** ایجاد سازوکارهای مشاوره‌ای محرمانه برای کمک به سلبریتی‌ها در مدیریت فشارهای روانی، بحران‌های هویتی و تصمیم‌گیری‌های سرنوشت‌ساز.
- تقویت نهادهای منفی:** تبدیل اصناف هنری به پناهگاه‌های حرفه‌ای که بتوانند در مواقع بحران، از منافع حرفه‌ای و روانی اعضای خود دفاع کنند و راهنمایی‌های لازم را ارائه دهند.
- شفاف‌سازی تبعات:** تهیه مستندات و مطالعه موردی از تجربیات افرادی مانند برزور احمدی و دیگران، به صورت علمی و غیراحساسی، برای نمایش واقعی تبعات مهاجرت‌های سیاسی و موضع‌گیری‌های افراطی.
- ایجاد کانال‌های دیالوگ سازنده:** فراهم آوردن فضایی امن برای گفت‌وگو بین نسل‌های مختلف هنرمندان با مسئولان فرهنگی و سیاسی تا دغدغه‌ها در فضایی غیرقطبی و عقلانی مطرح شود.

یک فراخوان ملی

ماجراجوی برزور احمدی یک «حلقه آموزشی» برای جامعه ایران است. این روایت به ما می‌گوید که سلبریتی‌های ما، قربانیان بی‌دفاع یک جنگ پیچیده رسانه‌ای- شناختی هستند. هر کد آنان در این میدان، نه تنها بی‌عدالتی است که خطری برای انسجام اجتماعی محسوب می‌شود. تدوین و اجرای «سند مدیریت هوشمند سلبریتی‌ها» یک سرمایه‌گذاری استراتژیک برای حفظ سرمایه‌های اجتماعی و جلوگیری از خسارن فردی و جمعی است. این کار، نه سلب آزادی، بلکه اعطای «آزادی» بر اساس آگاهی است. باید کاری کنیم که دیگر هیچ سنسارهای، نه از روی ناآگاهی در دام توهم «صف کوتاه خارج» گرفتار آید و نه از سر درماندگی مجبور به اشک ریختن در مقابل دوربین شود. آینده فرهنگی ما در گرو محافظت از چهره‌هایی است که بخشی از هویت جمعی این ملت هستند.

یک جابه‌جایی جغرافیایی نیست، بلکه نوعی «خودکشی نمادین» است که پیامدهای روان‌شناختی سنگینی به همراه دارد.

چرا سلبریتی‌ها ناگهان «تند» می‌شوند؟ یک تحلیل چندسطحی

پدیده گرایش ناگهانی برخی چهره‌های هنری به مواضع افراطی، ترکیبی پیچیده از عوامل فردی و ساختاری است:

- ضعف سواد سیاسی و شناختی:** سلبریتی‌ها در حوزه تخصصی خود (بازیگری، ورزش، موسیقی) استنادند، اما عرصه سیاست، قواعد، تاریخ و پیچیدگی‌های خاص خود را دارد. ورود به این عرصه بدون «سواد سیاسی» کافی، مانند ورود یک فرد عادی به اتاق عمل است. مغز آنها برای تحلیل پدیده‌های پیچیده سیاسی، به «اثرکارهای اکتشافی» ساده‌سازانه‌تر از آنچه هست، تصور می‌کند.
- محاصره از سوی رسانه‌های ضدانقلابی:** این رسانه‌ها، با ایجاد «حباب اطلاعاتی» فرد را در معرض یک جریان یک‌سویه از اطلاعات قرار می‌دهند. وقتی فردی تنها منبع خبری خود را شبکه‌های خاصی قرار دهد، به تدریج «واقعیت اجتماعی» را با «روایت رسانه‌ای» یکی می‌پندارد. علوم شناختی به این پدیده «تأثیر جهان کثیف» نیز می‌گوید، یعنی با تماشای مداوم اخبار منفی، فرد دنیا را مخوف‌تر از آنچه هست، تصور می‌کند.
- فشار گروهی و طردشدگی:** در فضای قطبی‌شده کنونی، فرد ممکن است برای اجتناب از «طردشدگی» از سوی حلقه‌های خاصی (چه در داخل یا خارج)، تحت «فشار هنجاری» قرار گیرد و برای حفظ پذیرش در آن گروه، به ابراز مواضع همسو با آنان بپردازد.
- خطای ارزیابی هزینه- فایده:** فرد به اشتباه محاسبه می‌کند که پیوستن به جریان مخالف، می‌تواند منافع کوتاه‌مدتی (مانند شهرت بیشتر در میان یک گروه خاص، دریافت حمایت مالی یا

اینکه «صف در خارج طولانی است»، در واقع این الگوی ذهنی را در هم شکست. او نشان داد فضای اجتماعی- سیاسی خارج، خود میدانی رقابتی، سلسله‌مراتبی و گاه بی‌رحم است که برای تازه‌واردان فاقد شبکه قدرت و سرمایه نمادین مشخص، «فروش قرمز» پهن نمی‌کند.

از منظر علوم شناختی، مواجهه با واقعیتی که این الگوی ذهنی را نقض می‌کند، می‌تواند به «تاهاهمنگی شناختی» شدید منجر شود. فرد بین باور قدیمی (خارج بهشت است) و تجربه جدید (خارج پر از مشکل و رقابت است) گیر می‌کند و این تنش، می‌تواند به بروز واکنش‌های هیجانی مانند افسردگی، بشیمانی یا عصبانیت بینجامد. اشک‌های ارجمند را می‌توان نماد این نااهم‌هنگی شناختی عمیق تفسیر کرد.

هویت در تبعید، چرا شهرت سلبریتی‌ها در گرو جغرافیای فرهنگی خودشان است

ارجمند به درستی تشخیص داد که «هویت و کارش در ایران است». این یک گزاره ساده نیست، یک اصل بنیادین در جامعه‌شناسی شهرت است. شهرت یک سلبریتی مانند درختی است که ریشه در خاک فرهنگ، تاریخ و جامعه زادگاه خود دارد. این شهرت در یک «کوسیتسم نمادین» خاص رشد می‌کند که شامل مخاطبان، رسانه‌های داخلی، منتقدان و بافتار فرهنگی- اجتماعی خاص آن کشور است.

جداسازی این درخت از خاک اصلی، آن را به تدریج پژمرده می‌کند. یک بازیگر ایرانی در خارج از کشور، برای مخاطب خارجی، عمدتاً یک «چهره عجیب و غریب» یا نامایند یک جریان سیاسی خاص است، نه آن ستاره همه‌فهم و محبوب در میان مردم خود. این کاهش تدریجی سرمایه نمادین، به احساس بی‌هویتی، انزوا و سرخوردگی منجر می‌شود، بنابراین این تصمیم برای ترک وطن، تنها

گزارش  
سیدجواد شیخ‌الاسلامی

بلکه نمادی بود از یک پدیده کلان‌تر و هشداردهنده. او با صداقت، از دشواری‌های «صف طولانی اپوزیسیون خارج»، از بیگانگی در سرزمینی که تصور می‌کرد به او خوشامد می‌گویی و از فرور یختن توهم «بهشت موعود» سخن گفت. این روایت، پرده از واقعیتی تلخ برداشت: بسیاری از چهره‌های هنری و ورزشی ما، در مواجهه با فضاهای پیچیده سیاسی- رسانه‌ای، همچون کشتی بی‌سکانی هستند که به راحتی در طوفان القانات، جریان‌های قدرت و تحلیل‌های نارسا گرفتار می‌آیند.

پرشن اساسی این است: آیا جامعه و نهادهای متولی می‌توانند نسبت به این «پناهی سیستماتیک» بی‌تفاوت بمانند؟ پاسخ این نوشتار، قاطعانه «خیر» است. زمان آن فرا رسیده است که با تدوین «سند مدیریت هوشمند سلبریتی‌ها»، از سرمایه‌های اجتماعی خود در برابر آسیب‌های فردی و جمعی محافظت کنیم.

اناتومی یک توهم  
تحلیل شناختی «تصویر آرماتی خارج»

مغز انسان برای پردازش سریع اطلاعات به «الگوهای ذهنی» و «اثرکارهای اکتشافی» متکی است. یکی از این اثرکارها، «سوگیری تأییدی» است، یعنی تمایل به جست‌وجو، تفسیر و به خاطر آوردن اطلاعاتی که باورهای پیشین ما را تأیید می‌کنند. رسانه‌های ضدانقلابی، با بهره‌گیری ماهرانه از این سوگیری شناختی، یک «الگوی ذهنی» قدرتمند می‌سازند: «خارج = آزادی، رفاه، پذیرش بی‌قیدوشرط». این تصویر، به‌خصوص برای کسانی که تحت فشارهای اقتصادی یا اجتماعی قرار دارند، جذابیتی مقاومت‌ناپذیر دارد. برزور احمدی با بیان

موسیقی  
محمد یوسف‌نیا

موسیقیدان، آهنگساز و نوازنده پیشکسوت کشورمان با انتقاد از وضعیت و حال روز موسیقی ایرانی، ریشه کم‌رنگ‌شدن موسیقی اصیل را نه در نبود مخاطب، بلکه در غلبه موسیقی‌های بازاری دانست که به گفته او از سوی مافیای کنسرت‌گزاران با تزریق پول‌های کثیف در حال ترویج و انتشار هستند؛ جریانی که با حذف تنوع و آموزش درست، مانع حضور شایسته موسیقی ملی و سنتی در جامعه می‌شوند.

حسین علیزاده، موسیقیدان، آهنگساز و نوازنده شناخته‌شده کشورمان در مراسم پایانی نخستین جشنواره سنتورنوازی استاد فرامرز پایور، با وجود طرح مباحث متنوعی در رابطه با آسیب‌هایی که موسیقی ایرانی به خاطر جریان‌ات مافیایی، افراد منفعت‌طلب و تصمیم‌گیری‌های اشتباه دیده است، از پارچا بودن احترام اجتماعی موسیقی نزد مردم کشورمان برخلاف همه این مشکلات و آسیب‌ها حرف زد.

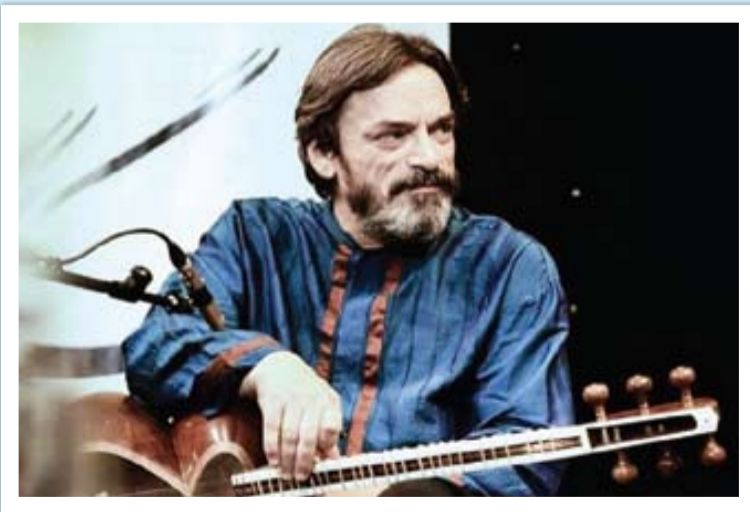
علیزاده در ادامه با اشاره به اینکه استادان جوانی ابوالحسن صبا، دهلوی و پایور، فرماندهان و پیامبران موسیقی هستند، می‌گوید: در هنرستان، حتی ما که بسیار کم‌سن بودیم، می‌دانستیم که در رأس این جریان، استاد دهلوی قرار دارد؛ انسانی که وجودش با موسیقی گره خورده بود. استاد پایور نیز جایگاهی بی‌بدیل داشت. یاد است وقتی در هنرستان باز می‌شد و ما در حیاط منتظر بودیم، انگار در بهشت ایستادیم و فرشته‌ها یکی یکی وارد می‌شوند؛ استاد ظریف، استاد پایور و دیگر بزرگان.

او می‌افزاید: بسیار درباره جنبه‌های فنی موسیقی صحبت شده و می‌شود، اما آنچه مهم است اینکه هر هنرمندی که در جایگاه اثر گذار قرار می‌گیرد، باید خلاق، از نظر اجتماعی پذیرفته‌شده

حسین علیزاده، آهنگساز و پیشکسوت موسیقی ایرانی:

مشکل امروز موسیقی ما پول‌های کثیف، مافیا و تولیدات بازاری است

به نظر من در زمینه خوش‌فکری، آموزش و شیوه عرضه موسیقی باید تحول جدی ایجاد شود تا موسیقی سنتی یا موسیقی ملی ما به‌عنوان موسیقی‌ای کهنه و قدیمی تلقی نشود



شونده در نسل خودش درست تربیت شده باشد و موسیقی‌شناس بار بیاید، موسیقی گوش می‌کند، نه اینکه تفکیک افراطی قائل شود. مشکل امروز، موسیقی‌های بازاری است که متأسفانه حجم زیادی پول‌های کثیف پشت‌انهاست و پای مافیای کنسرت‌گزار هم در میان است.

زنده است و هر شب اجرا می‌شود. از موسیقی رئسانس گرفته تا دوره‌های بعد، هیچ کدام مزاحم یا حذف‌شده نیستند، اتفاقاً همه‌شان مخاطب دارند. حسین علیزاده در پایان خاطر نشان می‌کند: ماجرا این نیست که شنونده موسیقی را فقط یک نوع موسیقی گوش می‌کند، اگر

تا آخرین سال‌های عمر، با وجود بیماری، همچنان موسیقی ایران را دنبال می‌کرد و حتی نوشته‌های شاگردان جوان را می‌خواند. این پیگیری و مسئولیت‌پذیری، بخشی از همان میراث اخلاقی و هنری است که از آن استادان بزرگ به ما رسیده است. با وجود همه آسیب‌هایی که موسیقی ایران دیده، احترام اجتماعی موسیقی نزد مردم همچنان با برجاست. نسل جوانی که امروز می‌نوازد، موسیقی را در وجود خود دارد، گویی پیش از آموزش رسمی، این هنر در جان‌شان به ارث رسیده است. تعداد هنرجویان خلاق امروز، با وجود همه محدودیت‌ها، امیدوارکننده است.

این پیشکسوت موسیقی ایرانی می‌گوید: هیچ‌وقت نگران نباشید، یک لشکر بزرگ و اصیل هنوز وجود دارد که موسیقی، جزئی از بودن و هویت نسل‌های ماست و ادامه هم پیدا می‌کند. اما در زمینه خوش‌فکری، آموزش و شیوه ارائه، متأسفانه به نظر من باید تحول جدی ایجاد شود تا موسیقی سنتی یا موسیقی ملی ما به‌عنوان موسیقی‌ای کهنه و قدیمی تلقی نشود. اگر ما خودمان به آن نگاه کهنه و قدیمی داشته باشیم و به همان شکل هم آموزش دهیم، به فراموشی می‌شود، حتی در موزه هم باقی نمی‌ماند.

او در ادامه می‌افزاید: اینکه امروز موسیقی کمتر شنیده می‌شود یا کمتر اجرا دارد، به این دلیل نیست که مخاطب ندارد، بلکه علتش این است که قدرت تصمیم‌گیری در حوزه تولید موسیقی دست ما نیست. قدرت دست عده‌ای است که بلد نیستند تصمیم بگیرند و صلاحیت این کار را ندارند، و گرنه نباید موسیقی را تفکیک کرد و گفت فقط موسیقی‌ای تولید شود که صرفاً مردم را سرگرم کند و پول در بیاورد. این هنرمند برجسته موسیقی ایران اظهار می‌دارد: تمام کشورها پیشرفته، همه شاخه‌های هنر زنده‌اند. کافی است به موسیقی کلاسیک در قرون گذشته نگاه کنید، هنوز هم

و از نظر انسانی صاحب شخصیت باشد. اگر دست روی هر یک از این استادان بگذاریم، نمی‌توانیم بگوییم کدام کمتر یا بیشتر بوده‌اند؛ همه به درجه‌ای نهایی رسیده بودند. بزرگی آنها تنها به سن و سال‌شان نبود؛ از همان آغاز، مأموریت‌شان در موسیقی روشن بود. علیزاده در ادامه خاطر نشان می‌کند: وقتی خودم وارد هنرستان شدم، موسیقی ایران ریشه‌ای بسیار کهن داشت؛ هنری که بارها گردآوری و تدوین شده بود. موسیقی، مانند زبان فارسی، اگر بخواهد ماندگار بماند، باید با زمانه حرکت کند. این به معنای بریدن از گذشته نیست. مشکل ما این است که گاهی در تاریخ «فیبچی» می‌شویم؛ موسیقی ما یا به گذشته برتاب می‌شود یا به شکلی نادرست به امروز.

موسیقیدان و نوازنده پیشکسوت موسیقی ایرانی می‌گوید: یادم است وقتی در ۱۱ سالگی تصمیم گرفتم به هنرستان موسیقی بروم، بسیاری از اطرافیان به خانوادهم اعتراض کردند که چرا با وجود درس خوب، فرزندشان را به هنرستان می‌فرستند. موسیقیدان در مقطعی از تاریخ ما جایگاه اجتماعی مناسبی نداشت، اما وقتی وارد هنرستان شدم، فضای دیگری دیدم؛ فضایی پاک، منظم و الهام‌بخش. هنرستان برای من بهشت بود. وی در ادامه اظهار می‌دارد: نظم و انضباطی که استاد دهلوی در هنرستان ایجاد کرده بود، مثال‌زدنی بود. صبح زود، پیش از همه در دفترش حاضر و نبض هنرستان در دست او بود. استاد پایور نیز با شخصیت، وقار و رفتار اجتماعی‌اش نشان داد که یک موسیقیدان می‌تواند انسانی برجسته و محترم در جامعه باشد، نه صرفاً نوازنده‌ای که سازش را زیر بغل بگیرد و از مجلسی به مجلسی دیگر برود.

علیزاده تأکید می‌کند: خود من این شناس را داشتم که کنار استاد هوشنگ ظریف و در ارکستر استاد پایور بنوازم. استاد پایور



هادی اسماعیلی

### نظام ارزی درین بست «قراستی‌ها»

واقعیت تجارت خارجی کشورمان مسیری را طی می‌کند که کمتر درباره بنیان آن گفت‌وگوی صریح انجام گرفته‌است. این مسیر متکی بر اعتمادهای فردی، واسطه‌های غیرشفاف و سازو کارهایی است که در ادبیات تخصصی از آن باعنوان نظام «تراستی» یاد می‌شود. این ساختار ابتدایی اضطراری برای عبور از محدودیت‌ها تلقی می‌شد، اما به تدریج به رویه غالب بدل شد و امروز پیامدهای آن به یکی از گره‌های اصلی اقتصاد کلان تبدیل شده‌ است.

نظام تراستی به زبان ساده به معنای جابه‌جایی ارزش از طریق شبکه‌ای از افراد، صرافی‌ها و حساب‌های واسطه‌ای است که هیچ‌کدام در چارچوب نظام بانکی رسمی کشور تعریف نشده‌اند. در این الگو، اعتماد شخصی جایگزین قرارداد حقوقی می‌شود و تعهد اخلاقی به‌جای ضمانت نهادی می‌نشیند. چنین ساختاری در کوتاه‌مدت امکان انجام معامله را فراهم می‌کند، اما در بلندمدت هزینه‌های سنگینی را بر اقتصاد تحمیل می‌کند که بخش مهمی از آن در آمارهای رسمی نیز قابل مشاهده است.

برخلاف تصور رایج، تحریم‌کنندگان بیشترین تسلط را بر همین مسیرهای غیررسمی دارند. شبکه‌های تراستی به دلیل محدود بودن بازیگران، شفافیت پایین و تکرارپذیری الگوها به راحتی رسد می‌شوند و هر بنای که یکی از گلوگاه‌های آن شناسایی می‌شود، اثر مستقیم بر جریان ارز کشور وارد می‌آید. بلوکه شدن منابع، بدهجی واسطه‌ها و افزایش هزینه انتقال، نتایج تکرار شونده این وضعیت بوده‌ است.

پیامد دوم، اتلاف منابع ارزی است که به شکلی پنهان اما مستمر رخ می‌دهد. کارمزدهای چندلایه، اختلاف نرخ‌ها، هزینه پوشش ریسک و خسارت‌های ناشی از توقف یا سرگشت معاملات، همگی از جیب اقتصاد ملی پرداخت می‌شود. این هزینه‌ها در هیچ بودجه‌ای ردیف مشخص ندارند، اما در نهایت خود را در کاهش قدرت مداخله بانک مرکزی و افزایش فشار بر بازار ارز نشان می‌دهند. نتیجه چنین فرایندی، شکل‌گیری انتظارات تورمی و تشدید روند صعودی نرخ ارز است.

وابستگی به نظام تراستی همچنین امکان سیاستگذاری مؤثر ارزی را محدود می‌کند. هنگامی که بخش عمده مبادلات خارج از دید و کنترل نهادهای رسمی انجام می‌شود، ابزارهای تنظیم‌گری عملاً کارایی خود را از دست می‌دهند. سیاستگذار در چنین شرایطی ناچار است بر داده‌های ناقص تصمیم بگیرد و همین امر خطای سیاستی را افزایش می‌دهد. این چرخه معیوب، بی‌ثباتی را بازتولید می‌کند و اعتماد فعالان اقتصادی را بیش از پیش فرسایش می‌دهد.

در برابر این واقعیت‌ها، سال‌هاست بحث گذار از نظام تراستی به نظام پرداخت رسمی مطرح می‌شود. مقصود از نظام رسمی الزاماً بازگشت به الگوی کلاسیک سوئیتز و بانکداری متعارف نیست، بلکه طراحی شبکه‌ای از سازوکارهای حقوقی، قراردادی و نهادی است که انتقال ارزش را از سطح اعتماد فردی به سطح نهادین دولتی یا نهادی ارتقا دهد. وضعیت کشورهای مختلف در شرایط اینچنینی نشان می‌دهد حتی در شرایط تحریم نیز می‌توان با تنوع‌بخشی به ابزارها و اطلاق نقشه تجاری و ارزی، مسیرهای رسمی و پایدار ایجاد کرد.

در این چارچوب، توافقات پولسی دو جانبه، سازوکارهای فائتری پیشرفته، حساب‌های مشترک سوئیس و استفاده از پول‌های محلی، تنها بخشی از گزینه‌های در دسترس هستند. آنچه اهمیت دارد، نگاه سیستمی و هماهنگ به این ابزارهاست. زمانی که سیاست تجاری بدون توجه به پیامدهای ارزی تدوین می‌شود و سیاست ارزی نیز از واقعیت‌های تجارت خارجی جدا می‌ماند، حتی بهترین ابزارها نیز به نتیجه مطلوب نخواهند رسید.

با این حال، پرسش اصلی این است که چرا با وجود آگاهی از این مسائل، گذار ساختاری رخ نداده‌ است. بخشی از پاسخ به سطح راهبردی تصمیم‌گیری بازمی‌گردد، جایی که اهمیت این موضوع یا به درستی درک نشده یا در اولویت‌های فوری تر گم شده‌ است. بخش دیگر به تعارض منافع مربوط می‌شود. شبکه تراستی به مرور ذی‌نفعانی پیدا کرده که از استمرار آن سود می‌برند و طبعی است در برابر هر تغییری مقاومت نشان دهند.

نکته مهم آن است که تجربه‌های محدود اجرا شده در کشور نشان داده عبور از این وضعیت امکان پذیر است. هر جا هماهنگی نهادی شکل گرفته و اراده سیاسی وجود داشته‌ است، سازوکارهای رسمی توانسته‌اند بخشی از مبادلات را پوشش و ریسک را کاهش دهند. این تجربه‌ها اگرچه مقیاس کوچک داشته‌اند، اما به روشنی نشان می‌دهند مسئله، فقدان راه‌حل نیست، بلکه نبود تصمیم قاطع و فراگیر است.

گذار از نظام تراستی به نظام پرداخت رسمی باید به‌عنوان پروژه‌ای کلان و فرادستگاهی دیده شود که نیازمند هماهنگی میان نهادهای پولی، تجاری، دیدیلمتیک و نظارتی است و بدون اجماع در سطوح بالای تصمیم‌گیری به سرانجام نمی‌رسد. این گذار ضرورتی برای حفظ منافع ملی و مدیریت پایدار اقتصاد در شرایط پرریسک کنونی است.

زمان آن رسیده است که مسئله مبادلات ارزی از حاشیه به متن دستور کار سیاستگذاری بازگردد. شفاف‌سازی هزینه‌های پنهان نظام تراستی و تبیین منافع گذار به ساختار رسمی می‌تواند زمینه شکل‌گیری این اجماع را فراهم کند. بی‌توجهی به این ضرورت راهبردی در نهایت به معنای پذیرش یک قاعده نانوشته است که بر اساس آن اقتصاد کشور همواره باید با ضرب‌بیشی افزایش بهره‌وری و رقابت‌پذیری ناچار است بخش مهمی از انرژی خود را صرف مدیریت ریسک‌های غیرمولد کند. این جابه‌جایی اولویت‌ها به تدریج کیفیت رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد و ظرفیت‌های بالقوه کشور را بلااستفاده باقی می‌گذارد.

از منظر حکمرانی اقتصادی، استمرار نظام تراستی به معنای واگذاری بخشی از حاکمیت پولی به شبکه‌های غیررسمی است. هنگامی که مسیرهای اصلی ورود و خروج ارز خارج از چارچوب‌های نهادی عمل می‌کند، امکان اعمال سیاست‌های ضدچرخه‌ای و مدیریت شوک‌ها تضعیف می‌شود. این وضعیت ابزارهای سیاستگذار را محدود می‌کند و مسئولیت‌پذیری را نیز مخدوش می‌سازد، زیرا در نبود سازوکارهای شفاف، امکان ارزیابی عملکرد و اصلاح خطاها کاهش می‌یابد.

مسئله دیگر به تصویر بین‌المللی اقتصاد کشور بازمی‌گردد. اتکای مزمن به سازوکارهای غیررسمی پیام روشنی به شرکای تجاری ارسال می‌کند مبنی بر اینکه چارچوب‌های نهادی پایدار در دسترس نیست. این پیام قدرت چانه‌زنی کشور را در مذاکرات تجاری کاهش و طرف مقابل را در موقعیت برتر قرار می‌دهد. در مقابل، شکل‌گیری نظام‌های رسمی هرچند محدود و منطقی‌ای، می‌تواند به تدریج اعتماد نهادی را بازسازی کند و افق همکاری‌های بلندمدت را بگشاید.

کشورهایی که در شرایط فشار خارجی موفق به حفظ ثبات نسبی شده‌اند، پیش از هر چیز به انسجام در سیاست‌های پولی و تجاری توجه کرده‌اند. این انسجام با طراحی چارچوب‌های حقوقی و عملیاتی پایدار حاصل شده‌ است. در این چارچوب، نقش دولت از مداخله مستقیم به تنظیم‌گری هوشمندانه تغییر می‌کند و بخش خصوصی در فضایی قابل پیش‌بینی فعالیت می‌کند. برای تحقق چنین گذاری، لازم است نگاه کوتاه‌مدت به مسئله تحریم کنار گذاشته شود. تحریم واقعیتی است که ممکن است شدت و ضعف داشته باشد، اما ساختارهای اقتصادی باید به گونه‌ای طراحی شوند که وابسته به وضعیت‌های مقطعی نباشند. نظام پرداخت رسمی دقیقاً در همین نقطه اهمیت پیدا می‌کند، زیرا امکان برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت را فراهم می‌آورد و اقتصاد را از حالت واکنشی خارج می‌کند. بی‌گمان اجرای این تحول بدون هزینه نخواهد بود. شفافیت بیشتر به معنای پایان برخی رانت‌هاست و طبعی است که مقاومت‌هایی شکل گیرد، اما هزینه تعویق این تصمیم به مراتب سنگین‌تر است.

کدراش یک زنجب زربین

**معاون اجرایی رئیس‌جمهور**، اخیراً از رشد چندبرابری تحویل مسکن در دولت چهاردهم سخن گفته است، اما طبق آمارهای زنجب قیصری، عضو کمیسیون ویژه حمایت از تولید و نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی «بر خلاف ادعای آقای قائم‌رנסا، معاون اجرایی رئیس‌جمهور در رابطه با تحویل ۱۲برابری مسکن در دولت دکتز پیش‌شکینا، رشد تولید مسکن از مثبت ۲/۱ درصد در سال ۱۴۰۲ به منفی ۱۲/۹ درصد در شش ماهه سال معاونت جاری رسیده و این یعنی ۲۰ واحد در صد کاهش تولید مسکن». از سوی دیگر، طبق تبصره ۸ ماده ۳ قانون جهش تولید مسکن، ۶هزار میلیارد تومان اعتبار برای کمک به تأمین مسکن محرومان در بودجه سال ۱۴۰۴ پیش‌بینی شده، اما تاکنون حتی یک ریال نیز تخصیص نیافته است. این آمارها حاکی از بی‌عملی در اجرای سیاست‌های حمایتی است و زنگ خطرری جدی برای بازار مسکن و برنامه‌های دولت به‌شمار می‌آید.



بازار مسکن با نوسانات شدید مواجهه شده و تورم قیمت زمین و مسکن، دسترسی خانوارها به واحدهای مسکونی را به شدت محدود کرده است، اما این ناسامانی در سایه ناسامانی دیگر بازارها از جمله ارز و البته گرانی قوت غالب مردم مورد توجه قرار نمی‌گیرد. این در حالی است که سیاست‌های حمایتی در حوزه مسکن از جمله طرح جهش تولید مسکن با هدف افزایش ساخت‌وساز و تسهیل خرید مسکن برای اقشار متوسط و متوسط طراحی شده است، اما آمارها نشان می‌دهد فاصله زیادی میان اهداف اعلام‌شده و عملکرد واقعی وجود دارد.

دولت مدعی است در سال ۱۴۰۲ تولید مسکن رشد ۷/۱درصدی داشته است، در حالی که در شش ماهه نخست سال جاری کاهش ۱۲/۹ درصدی ثبت شده است. این تغییر معادل حدود ۲۰ واحد درصد افت تولید مسکن است و نشان می‌دهد روند تولید بهترین ابزارها نیز به نتیجه مطلوب نخواهد رسید.
با این حال، پرسش اصلی این است که چرا با وجود آگاهی از این مسائل، گذار ساختاری رخ نداده است. بخشی از پاسخ به سطح راهبردی تصمیم‌گیری بازمی‌گردد، جایی که اهمیت این موضوع یا به درستی درک نشده یا در اولویت‌های فوری تر گم شده‌ است. بخش دیگر به تعارض منافع مربوط می‌شود. شبکه تراستی به مرور ذی‌نفعانی پیدا کرده که از استمرار آن سود می‌برند و طبعی است در برابر هر تغییری مقاومت نشان دهند.
نکته مهم آن است که تجربه‌های محدود اجرا شده در کشور نشان داده عبور از این وضعیت امکان پذیر است. هر جا هماهنگی نهادی شکل گرفته و اراده سیاسی وجود داشته‌ است، سازوکارهای رسمی توانسته‌اند بخشی از مبادلات را پوشش و ریسک را کاهش دهند. این تجربه‌ها اگرچه مقیاس کوچک داشته‌اند، اما به روشنی نشان می‌دهند مسئله، فقدان راه‌حل نیست، بلکه نبود تصمیم قاطع و فراگیر است.

گذار از نظام تراستی به نظام پرداخت رسمی باید به‌عنوان پروژه‌ای کلان و فرادستگاهی دیده شود که نیازمند هماهنگی میان نهادهای پولی، تجاری، دیدیلمتیک و نظارتی است و بدون اجماع در سطوح بالای تصمیم‌گیری به سرانجام نمی‌رسد. این گذار ضرورتی برای حفظ منافع ملی و مدیریت پایدار اقتصاد در شرایط پرریسک کنونی است.

زمان آن رسیده است که مسئله مبادلات ارزی از حاشیه به متن دستور کار سیاستگذاری بازگردد. شفاف‌سازی هزینه‌های پنهان نظام تراستی و تبیین منافع گذار به ساختار رسمی می‌تواند زمینه شکل‌گیری این اجماع را فراهم کند. بی‌توجهی به این ضرورت راهبردی در نهایت به معنای پذیرش یک قاعده نانوشته است که بر اساس آن اقتصاد کشور همواره باید با ضرب‌بیشی افزایش بهره‌وری و رقابت‌پذیری ناچار است بخش مهمی از انرژی خود را صرف مدیریت ریسک‌های غیرمولد کند. این جابه‌جایی اولویت‌ها به تدریج کیفیت رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد و ظرفیت‌های بالقوه کشور را بلااستفاده باقی می‌گذارد.



بازار ارز و طلا در اقتصاد همواره فراتر از یک بازار معمولی عمل کرده و به شاخصی روانی برای سنجش آینده اقتصادی کشور تبدیل شده است. تغییرات این بازار، حتی زمانی که محدود و کوتاه‌مدت باشد، به‌سرعت به سایر حوزه‌ها سرایت می‌کند و رفتار مصرف‌کننده و تولیدکننده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در چنین شرایطی، شیوه‌های انتظاردار در

نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری انتظارات دارد. هم‌زمان با گسترش شبکه‌های اجتماعی، مرچیت قیمتی از نهادهای رسمی فاصله گرفته و کانال‌ها و زمستان تازه از راه رسیده است اما نشانه‌های بحران گاز دوباره خود را نشان می‌دهد. کاهش فشار شبکه، هشدار به صنایع و محدودیت برای بخش تولید، تصویری آشنا از هر سال است. در همین شرایط، استخرهای آب‌گرم روپاز آن هم از نوع لوکس و پر مصرف، بدون وقفه فعال‌اند و با تعرفه‌های ناچیز گاز می‌سوزانند. اختلاف چشمگیر میان قیمت گاز مصرفی این مراکز تفریحی و بهایی‌سی که صنایع برای همان گاز می‌پردازند، بر سش‌های جدی درباره منطق اقتصادی، عدالت در توزیع گاز، یارانه انرژی و اولویت‌های سیاستگذاری کشور ایجاد کرده‌ است.



بازگشت محدودیت‌های گماری برای صنایع در روزهای سرد سال، به یکی از تکراری‌ترین خبرهای زمستانی اقتصاد تبدیل شده‌ است. هر سال با افت دما، نخستین بخش‌هایی که با هشدار کاهش یا قطع گاز روبه‌رو می‌شوند، واحدهای تولیدی از فولاد و سیمان گرفته تا پتروشیمی و صنایع کوچک‌تر هستند. استدلال همواره یکسان است مبنی بر اینکه گاز

## اقتصاد

سرویس اقتصادی۲۰۰۶۸۵۲۲

آمارسازی دولت در حوزه ساخت مسکن جواب نداد

# آمارهای «جعفر» در حوزه مسکن هم نادرست از آب درآمد

با وجود پیش‌بینی ۶هزار میلیارد تومان برای مسکن محرومان، دولت تاکنون هیچ تخصیصی انجام نداده است و تولید مسکن نیز

از رشد مثبت به کاهش قابل توجه رسیده که نشان‌دهنده بی‌عملی و اطلاعات گمراه‌کننده است



علی‌وردیخان اوجان

ضعف نظارت و هماهنگی میان نهادهای اجرایی است. نبود تخصیص اعتبار موجب می‌شود پروژه‌های مسکن محرومان متوقف شود و خانوارهای هدف از دریافت کمک‌های دولتی محروم‌مانند. کارشناسان اقتصادی بر این باورند که بی‌توجهی به اجرای این قانون می‌تواند تبعات گسترده‌ای بر سر بازار مسکن، رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی داشته باشد. کما

اینکه این تبعات در حال رخ‌نمایی است و ظاهر دولت برنامه مشخصی برای مدیریت آن ندارد. اطلاعات ارائه‌شده از سوی معاون اجرایی برای این منابع صورت‌نگرفته است. این وضعیت نیز نشان می‌دهد وعده‌ها صرفاً روی کاغذ باقی مانده و هیچ اقدام عملی برای حمایت از گروه‌های محروم انجام نشده است.

عملکرد دولت در این حوزه همچنین نشان‌دهنده بهترین ابزارها نیز به نتیجه مطلوب نخواهد رسید.
با این حال، پرسش اصلی این است که چرا با وجود آگاهی از این مسائل، گذار ساختاری رخ نداده است. بخشی از پاسخ به سطح راهبردی تصمیم‌گیری بازمی‌گردد، جایی که اهمیت این موضوع یا به درستی درک نشده یا در اولویت‌های فوری تر گم شده‌ است. بخش دیگر به تعارض منافع مربوط می‌شود. شبکه تراستی به مرور ذی‌نفعانی پیدا کرده که از استمرار آن سود می‌برند و طبعی است در برابر هر تغییری مقاومت نشان دهند.

نکته مهم آن است که تجربه‌های محدود اجرا شده در کشور نشان داده عبور از این وضعیت امکان پذیر است. هر جا هماهنگی نهادی شکل گرفته و اراده سیاسی وجود داشته‌ است، سازوکارهای رسمی توانسته‌اند بخشی از مبادلات را پوشش و ریسک را کاهش دهند. این تجربه‌ها اگرچه مقیاس کوچک داشته‌اند، اما به روشنی نشان می‌دهند مسئله، فقدان راه‌حل نیست، بلکه نبود تصمیم قاطع و فراگیر است.

گذار از نظام تراستی به نظام پرداخت رسمی باید به‌عنوان پروژه‌ای کلان و فرادستگاهی دیده شود که نیازمند هماهنگی میان نهادهای پولی، تجاری، دیدیلمتیک و نظارتی است و بدون اجماع در سطوح بالای تصمیم‌گیری به سرانجام نمی‌رسد. این گذار ضرورتی برای حفظ منافع ملی و مدیریت پایدار اقتصاد در شرایط پرریسک کنونی است.

زمان آن رسیده است که مسئله مبادلات ارزی از حاشیه به متن دستور کار سیاستگذاری بازگردد. شفاف‌سازی هزینه‌های پنهان نظام تراستی و تبیین منافع گذار به ساختار رسمی می‌تواند زمینه شکل‌گیری این اجماع را فراهم کند. بی‌توجهی به این ضرورت راهبردی در نهایت به معنای پذیرش یک قاعده نانوشته است که بر اساس آن اقتصاد کشور همواره باید با ضرب‌بیشی افزایش بهره‌وری و رقابت‌پذیری ناچار است بخش مهمی از انرژی خود را صرف مدیریت ریسک‌های غیرمولد کند. این جابه‌جایی اولویت‌ها به تدریج کیفیت رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد و ظرفیت‌های بالقوه کشور را بلااستفاده باقی می‌گذارد.

از منظر حکمرانی اقتصادی، استمرار نظام تراستی به معنای واگذاری بخشی از حاکمیت پولی به شبکه‌های غیررسمی است. هنگامی که مسیرهای اصلی ورود و خروج ارز خارج از چارچوب‌های نهادی عمل می‌کند، امکان اعمال سیاست‌های ضدچرخه‌ای و مدیریت شوک‌ها تضعیف می‌شود. این وضعیت ابزارهای سیاستگذار را محدود می‌کند و مسئولیت‌پذیری را نیز مخدوش می‌سازد، زیرا در نبود سازوکارهای شفاف، امکان ارزیابی عملکرد و اصلاح خطاها کاهش می‌یابد.

مسئله دیگر به تصویر بین‌المللی اقتصاد کشور بازمی‌گردد. اتکای مزمن به سازوکارهای غیررسمی پیام روشنی به شرکای تجاری ارسال می‌کند مبنی بر اینکه چارچوب‌های نهادی پایدار در دسترس نیست. این پیام قدرت چانه‌زنی کشور را در مذاکرات تجاری کاهش و طرف مقابل را در موقعیت برتر قرار می‌دهد. در مقابل، شکل‌گیری نظام‌های رسمی هرچند محدود و منطقی‌ای، می‌تواند به تدریج اعتماد نهادی را بازسازی کند و افق همکاری‌های بلندمدت را بگشاید.

کشورهایی که در شرایط فشار خارجی موفق به حفظ ثبات نسبی شده‌اند، پیش از هر چیز به انسجام در سیاست‌های پولی و تجاری توجه کرده‌اند. این انسجام با طراحی چارچوب‌های حقوقی و عملیاتی پایدار حاصل شده‌ است. در این چارچوب، نقش دولت از مداخله مستقیم به تنظیم‌گری هوشمندانه تغییر می‌کند و بخش خصوصی در فضایی قابل پیش‌بینی فعالیت می‌کند. برای تحقق چنین گذاری، لازم است نگاه کوتاه‌مدت به مسئله تحریم کنار گذاشته شود. تحریم واقعیتی است که ممکن است شدت و ضعف داشته باشد، اما ساختارهای اقتصادی باید به گونه‌ای طراحی شوند که وابسته به وضعیت‌های مقطعی نباشند. نظام پرداخت رسمی دقیقاً در همین نقطه اهمیت پیدا می‌کند، زیرا امکان برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت را فراهم می‌آورد و اقتصاد را از حالت واکنشی خارج می‌کند. بی‌گمان اجرای این تحول بدون هزینه نخواهد بود. شفافیت بیشتر به معنای پایان برخی رانت‌هاست و طبعی است که مقاومت‌هایی شکل گیرد، اما هزینه تعویق این تصمیم به مراتب سنگین‌تر است.

## بازنشر نرخ‌های هیجانی ارز و طلا ممنوع

انتشار مکرر عده‌هایی که پشتوانه مشخصی ندارند، به تضعیف عقلانیت اقتصادی منجر می‌شود و رفتارهای ناصحیح را تقویت می‌کند. در دوره‌های اوج نوسان، فاصله میان نرخ‌های تلگرافی و قیمت‌های معاملاتی گاه قابل توجه بوده و بسیاری از خریداران هیجانی، متحمل زیان شده‌اند.

کارشناسان از تباطات اقتصادی نیز بر نقش مسئولیت اجتماعی رسانه‌ها و کاربران تأکید می‌کنند. در شرایطی که اقتصاد با شوک‌های بیرونی و درونی مواجه است، پیام‌های منتشرشده می‌تواند اثر مضاعفی داشته باشد. بازیشر نرخ غیررسمی در مقیاس وسیع به بخشی از زنجیره شکل‌دهنده انتظارات تورمی تبدیل می‌شود. این موضوع به‌ویژه در شرایط ارز و طلا اهمیت دارد که حساسیت بالایی نسبت به اخبار و شایعات دارند.

بازار با سیگنال‌های ناپایدار تغذیه می‌شود. هزینه بی‌ثباتی در نهایت بر دوش عموم جامعه می‌افتد؛ از خانوارهایی که قدرت خریدشان کاهش می‌یابد تا بنگاه‌هایی که در فضای ناطمینان، برنامه‌ریزی تولید و سرمایه‌گذاری را به تعویق می‌اندازند.

از منظر اقتصادی، تفاوت مهمی میان اطلاع‌رسانی و هیجان‌سازی وجود دارد. چراکه بازیشر مبتنی بر داده‌های معتبر و تحلیل کارشناسی می‌تواند به شفافیت و تصمیم‌گیری عقلانی کمک کند. در مقابل،

نارزاییتی در مواردی به رفتارهای اعتراضی در فضای مجازی بروز پیدا می‌کند که یکی از نمودهای آن بازیشر عمدانه یا ناخواسته نرخ‌های شوک‌آور به‌عنوان ابزاری برای نشان‌دادن وخامت اوضاع است.

در این میان، خشم و نارزاییتی عمومی از عملکرد مسئولان اقتصادی، زمینه‌روانی این هیجان را تشدید کرده است. بسیاری از فعالان بازار و شهروندان معتمدند سیاستگذاران از انجام تکالیف قانونی و تنظیم‌گری مؤثر بازار ناکام بوده و با تصمیم‌های دیر هنگام یا متناقض، به بی‌اعتمادی دامن زده‌اند. این

سال‌هاست با یارانه سنگین عرضه می‌شود. هدف از قرار دارد. با این حال، مشاهدات میدانی و داده‌های تعرفه‌ای نشان می‌دهد مصرف‌های غیرضروری و لوکس، سهم قابل توجهی از گساز یارانه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند.
فعالیت‌گسترده استخرهای آب‌گرم روپاز در برخی مناطق و مناطق خوش‌نشین، دوباره مورد توجه افکار عمومی قرار گرفته است. این استخرها که برای گرم نگه‌داشتن آب در فضای باز، مصرف بسیار بالایی دارند، گاز طبیعی را با تعرفه‌های حدود ۹۰ تا ۱۰۰ تومان به ازای هر مترمکعب دریافت می‌کنند. این عدد، در مقایسه با قیمتی که صنایع برای تأمین گاز مورد نیاز خود می‌پردازند، شکافی عمیق و متناظر دارد. بسیاری از صنایع حاضر‌ند هر مترمکعب گاز اثر آن به شکل کاهش اشتغال، افت رانده‌های مالیاتی و کاهش رشد اقتصادی در سطح کلان، نمایان می‌شود.
بررسی‌ها نشان می‌دهد صنایع در زمان محدودیت گاز، ناچار به استفاده از سوخت‌های جایگزین گران‌تر و آلاینده‌تر می‌شوند یا بخشی از ظرفیت

نارزاییتی در مواردی به رفتارهای اعتراضی در فضای مجازی بروز پیدا می‌کند که یکی از نمودهای آن بازیشر عمدانه یا ناخواسته نرخ‌های شوک‌آور به‌عنوان ابزاری برای نشان‌دادن وخامت اوضاع است.

در این میان، خشم و نارزاییتی عمومی از عملکرد مسئولان اقتصادی، زمینه‌روانی این هیجان را تشدید کرده است. بسیاری از فعالان بازار و شهروندان معتمدند سیاستگذاران از انجام تکالیف قانونی و تنظیم‌گری مؤثر بازار ناکام بوده و با تصمیم‌های دیر هنگام یا متناقض، به بی‌اعتمادی دامن زده‌اند. این

سال‌هاست با یارانه سنگین عرضه می‌شود. هدف از قرار دارد. با این حال، مشاهدات میدانی و داده‌های تعرفه‌ای نشان می‌دهد مصرف‌های غیرضروری و لوکس، سهم قابل توجهی از گساز یارانه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند.

فعالیت‌گسترده استخرهای آب‌گرم روپاز در برخی مناطق و مناطق خوش‌نشین، دوباره مورد توجه افکار عمومی قرار گرفته است. این استخرها که برای گرم نگه‌داشتن آب در فضای باز، مصرف بسیار بالایی دارند، گاز طبیعی را با تعرفه‌های حدود ۹۰ تا ۱۰۰ تومان به ازای هر مترمکعب دریافت می‌کنند. این عدد، در مقایسه با قیمتی که صنایع برای تأمین گاز مورد نیاز خود می‌پردازند، شکافی عمیق و متناظر دارد. بسیاری از صنایع حاضر‌ند هر مترمکعب گاز اثر آن به شکل کاهش اشتغال، افت رانده‌های مالیاتی و کاهش رشد اقتصادی در سطح کلان، نمایان می‌شود.

بررسی‌ها نشان می‌دهد صنایع در زمان محدودیت گاز، ناچار به استفاده از سوخت‌های جایگزین گران‌تر و آلاینده‌تر می‌شوند یا بخشی از ظرفیت





در ادامه گزارش‌ها از نفوذ سایبری ایران در محافل صهیونیست و پس از افشای عملیات اخیر گروه حنظل به نفوذ به تلفن همراه نخست‌وزیر پیشین رژیم صهیونیستی، منابع این رژیم از بازداشت فردی خیر دادند که نه‌تنها از خانه‌نفتالی بنت فیلمبرداری کرده بلکه در قالب جاسوس، وارد وزارت جنگ این رژیم در کریا شده و در آنجا کار کرده است. ■■■

رژیم صهیونیستی در سال‌های اخیر بارها از نفوذ و جاسوسی از مقامات خود پرده برداشته است. در شرایطی که قرار است در اکتبر ۲۰۲۶ انتخابات پارلمانی جدیدی در اراضی اشغالی برگزار شود و نفتالی بنت نیز برای بازگشت به عرصه سیاست آماده می‌شود، مدتی است که او به سوژه نفوذ در میان صهیونیست‌ها تبدیل شده است. حدود یک هفته پیش گروه هکری «حنظله» با نفوذ به تلفن همراه بنت، فهرست مخاطبان او را منتشر کرد و نکته جالب توجه این بود که نام رافائل گروسی مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز در فهرست مخاطبان بنت دیده می‌شد. روز پنج‌شنبه نیز، سازمان امنیت داخلی رژیم اشغالگر (شاپاک) مدعی شد که یک شهرکنشین از ریشون لتسیون در مرکز فلسطین اشغالی را پس از انجام مأموریت‌هایی به دستسور عناصر ایرانی بازداشت کرده است. تصویربرداری از منزل بنت نیز در جرگه اتهامات لتسیون قرار دارد. منابع خبری صهیونیستی گزارش داده‌اند که این فرد، وارد اتاق فرماندهی مستحکم در مقر وزارت جنگ در «کریا» شده و در آن محل، کار کرده است. او همچنین با ایال زامیر رئیس ستاد کل ارتش دیدار داشته است. دادستانی ناحیه مرکزی ریز پنج‌شنبه کیفرخواستی را دادگاه منطقه‌ای شهر «لود» ثبت کرد و قصد دارد در روزهای آینده این مظنون را که

### واکنش به تصویب بودجه نظامی ۵۸ میلیاردی توکیو یکن: ژاپن دارد «دولت آشوب‌ساز» شرق آسیامی‌شود

ظاهراً شرق آسیا هم به سمت تنش رویارویی نظامی پیش می‌رود؛ تنش چین با تایوان تشدید شده، فروش گسترده تسلیحات امریکایی به این

جزیره خشم یکن را برانگیخته و تحریم‌های متقابل را به دنبال داشته، و حالا ژاپنی‌ها هم پس از بلندپروازی‌های امنیتی و هسته‌ای، بزرگ‌ترین بودجه نظامی تاریخ خود را تصویب کرده‌اند؛ اقدامی که با واکنش تند غیررسمی چین در روزنامه گلوبال تایمز رویه‌رو شده است: «این در حال تبدیل شدن به یک آشوبگر برای صلح و ثبات در منطقه است.»

کابینه ژاپن با تصویب بودجه‌ای بی‌سابقه برای سال مالی ۲۰۲۶، مسیر تازه‌ای را در سیاست امنیتی این کشور ترسیم کرده است. بر اساس این تصمیم، بودجه دفاعی ژاپن از ۹ تریلیون ین، معادل حدود ۵۸۵میلیارد دلار، عبور می‌کند؛ رقمی که پنج سال به سال تقریباً بیش از ۹درصد افزایش نشان می‌دهد و چهارمین سال از برنامه پنج‌ساله تقویت بودجه بود. هرز بنه‌های نظامی تاسف ۲درصد تولید ناخالص داخلی به شمار می‌رود. این بودجه بخشی از لایحه کلان ۳/۱۲۲ تریلیون ینی است که در صورت تصویب پارلمان، بزرگ‌ترین بودجه تاریخ ژاپن خواهد بود؛ حتی رکورد سال جاری را هم پشت سر می‌گذارد. دولت ژاپن این افزایش را پاسخی مستقیم به «چالش‌های امنیتی فزاینده» در منطقه می‌داند؛ چالش‌هایی که در اسناد رسمی توکیو، چین را در جایگاه «بزرگ‌ترین چالش راهبردی» قرار داده‌اند. بخش مهمی از بودجه جدید به تقویت توان موشکی اختصاص یافته است. بیش از ۹۷۰میلیارد یکن برای توسعه و استقرار موشک‌های دوربرد، از جمله موشک‌های ارتقایافته «نوع ۱۲» با بردی در حدود هزار کیلومتر.

نخستین واحدهای این موشک‌ها قرار است زودتر از موعد و تا مارس آینده در جنوب غرب ژاپن مستقر شوند؛ منطقه‌ای که از نظر جغرافیایی به تایوان و خطوط تماس با چین نزدیک است. در کنار موشک‌ها، پهلوهاها جایگاه ویژه‌ای در این بودجه دارند. ژاپن با توجه به کاهش جمعیت و کمبود نیروی انسانی نظامی، ۱۰۰ میلیارد یکن برای استقرار گسترده سامانه‌های بدون سرنشین در قالب سیستم «SHIELD» در نظر گرفته و حتی به واردات این تجهیزات از کشورهایی مانند اسرائیل یا ترکیه می‌اندیشد.

همچنین، توکیو بیش از ۱۶۰ میلیارد یکن برای توسعه مشترک جنگنده نسل جدید با بریتانیا و ایتالیا کنار گذاشته؛ پروژه‌ای که قرار است تا سال ۲۰۳۵ عملیاتی شود. با پهلوهای مجهز به هوش مصنوعی همراه باشد. این چرخش آشکار نظامی، فاصله منعداری با سیاست پس از جنگ جهانی دوم ژاپن دارد که استفاده از زور را به دفاع محدود می‌کرد. اکنون توکیو نه‌تنها به توان دفاعی، بلکه به قابلیت «حمله متقابل» نیز می‌اندیشد؛ مسیری که تحت فشار آمریکا برای افزایش سهم ژاپن در تاندان امنیتی دو جانبه، با شتاب بیشتری دنبال می‌شود. دولت ژاپن حتی اعلام کرده که زودتر از موعد مقرر به هدف ۲درصدی هزینه‌های دفاعی خواهد رسید. در کنار جهش کم‌سابقه بودجه نظامی، بحث سیاست هسته‌ای ژاپن نیز دوباره به یکی از حساس‌ترین محورهای مناقشه امنیتی در شرق آسیا تبدیل شده است. اگر چه توکیو رسماً همچنان به سه اصل «غیرهسته‌ای» اعلانی یعنی عدم تولید، عدم نگهداری زیر و عدم استقرار سلاح هسته‌ای پایبند است ولی اصول بیش از هر زمان دیگری زیر فشار واقعیت‌های ژئوپلیتیکی قرار گرفته‌اند. تا جایی که تشدید تنش‌ها در اطراف تایوان، افزایش توان موشکی چین و تهدیدهای مکرر کره شمالی، باعث شده بخشی از نخبگان سیاسی و امنیتی ژاپن درباره کلیات چتر هسته‌ای آمریکا تردیدهایی را مطرح کنند.

روزنامه گلوبال تایمز، که بازتاب‌دهنده مواضع رسمی یکن تلقی می‌شود، دیروز در سرمقاله‌ای تند نوشت ژاپن با این مسیر «در حال تبدیل شدن به یک دولت آشوب‌ساز برای صلح و ثبات در منطقه آسیا-اقیانوسیه و حتی جهان» است و هشدار داد که توکیو با فاصله گرفتن از محدودیت‌های پسا جنگ، خاطرات تاریخی نگران‌کننده‌ای را زنده می‌کند. این موضع‌گیری در حالی منتشر شد که یکن هم‌زمان، در واکنش به فروش بیش از ۱۱ میلیارد دلار سلاح امریکایی به تایوان، ۲۰ شرکت و چندین فرد مرتبط با صنایع نظامی آمریکا را تحریم و بار دیگر تأکید کرده است که مسلح کردن تایوان «صلح و ثبات تنگه تایوان» را تضعیف می‌کند. مجموع این تحولات، از تشدید رزمایش‌های چین در اطراف ژاپن و تایوان گرفته تا نقل کردن رادارهای نظامی و جنگ لفظی دیپلماتیک، نشان می‌دهد که افزایش بودجه نظامی ژاپن صرفاً یک تصمیم داخلی نیست، بلکه حلقه‌ای تازه در زنجیره رقابت‌های امنیتی شرق آسیاست. رقابتی که هرچند با واژه «بازراندگی» توجیه می‌شود، اما از نگاه منتقدان، بیش از هر چیز بوی ورود به دوره‌ای جدید از نااطمنبانی و تنش پایدار می‌دهد.

## پپو الملکر

سرورس بین‌الملل ۶۰۸۵۳۳۰

# نفوذ ایران تا قلب «کریا»

چالش اسرائیل محدود به تلفن همراه نفتالی بنت نیست



وادیم کوپریانوف نام دارد به اتهام جاسوسی محاکمه کند. نفتالی بنت در واکنش به این بازداشت، طی بیانیه‌ای برای رسانه‌های اعلام کرد: «تلاش‌های ایران برای آسیب رساندن به من، مرا از مأموریت زندگی‌ما بازخواهد داشت.» به گفته مأموران صهیونیست، کوپریانوف با عوامل اطلاعاتی ایران در

تماس بوده و طی دو ماه گذشته در ازای دریافت پول، مجموعه‌ای از مأموریت‌های امنیتی را انجام داده است. کوپریانوف پس از عکس‌برداری از مناطقی در نزدیکی محل سکونت شخصی نفتالی بنت در شهر رمانا شناسایی شده است. در جریان تماس‌های او با رابط‌های ایرانی، به وی دستور داده شده بوده عکاسی انجام داده است.

یک دوربین نصب‌شونده روی خودرو جهت تسهیل مراقبت‌های اطلاعاتی خریداری کند. اطلاعاتی که منابع صهیونیست منتشر کرده‌اند، حاکی از این است که کوپریانوف در بازجویی اعتراف کرده است که بنا به درخواست رابط‌های خود چندین مأموریت عکاسی انجام داده است.

## ۱۵ جوان

| روزنامه جوان | شماره ۲۴۸۶

■ **حمله ایران به نطقه‌ای راهبردی در جنگ ۱۲روزه**

کریا مرکز حکومتی و نظامی در قلب تل‌آویو است و از زمان تأسیس رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸، مقر فرماندهی نیروهای نظامی این رژیم بوده است و «پادگان رابین» نیز در این نقطه قرار دارد. کریا محل برگزاری جلسات امنیتی کابینه نیز محسوب می‌شود و دارای مقر زیرزمینی‌ای است که به نام «حفره» شناخته می‌شود. این مرکز چندین طبقه زیر زمین و با استانداردهای بالای امنیتی و حفاظتی ساخته شده تا در برابر حملات هسته‌ای و بیولوژیکی مقاومت کند. اما اهمیت کریا در جریان جنگ ۱۲ روزه، بیش از پیش برجسته شد؛ زمانی که تصاویر محدود از رسانه‌های عبری نشان می‌دهد حملات موشکی ایران خسارات قابل‌توجهی به «کریا» وارد کرده است؛ خساراتی که به گفته منابع صهیونیستی، برخی برج‌های مسکونی مجاور را به صورت کامل تخریب کرد. اسرائیل هیوم در بحبوحه جنگ ۱۲ روزه، گزارشی در این رابطه منتشر و ادعان کرد: «وقتی روز جمعه ایران حملات موشکی خود را به اسرائیل آغاز کرد، برای همگان مشخص شد که این بار ما با یک گروه اچ‌ریکی روبرو نیستیم بلکه دولتی به ما حمله کرده است که توانمندی تهاجمی عظیمی در اختیار دارد، از این رو در چنین جنگی به طور حتم اهداف راهبردی مورد حمله قرار می‌گیرند. در این میان یکی از مهم‌ترین اهداف این حملات را می‌تواند انتقالی جنوب یمن و وابسته به امارات باشد. کریا با است که پخش مستقیم اصابت موشک‌ها به آن راه‌هاگن دیدند.» به نوشته اسرائیل هیوم «ایرانی‌ها به‌خوبی از اهمیت این منطقه آگاه بوده و در آینده مشخص خواهد شد که این یک اشتباه تاریخی بوده یا واقعیتی است که مجبور به همزیستی با آن آو تلفات آ ن خواهیم بود.»

## پروژه صهیونیستی تجزیه یمن به دست امارات



مزدوران اماراتی را تشدید کرده است. منابع رسانه‌ای روز جمعه از حملات هوایی عربستان به مناطقی در «وادی نجب» در حضرموت پس از تصرف اردوگاهی متعلق به ائتلاف قبایل حضرموت توسط شورای انتقالی جنوب خبر دادند. به گزارش‌های امیادین، منابع مذکور همچنین از پروازهای هوایی گسترده بر فراز نوار ساحلی شهر «الشرح» به عنوان بخشی از فشار نظامی با هدف وادار کردن نیروهای شورای انتقالی داخلی و هم برای بازنگران منطقه‌ای مانند عربستان و امارات حلی می‌هستند. اگرچه خبرها به دنبال اشغال یمن بود، اما بن‌یمن» در آستان حضرموت، در نتیجه حملات هوایی عربستان شنیده شده است. منابع محلی از کشته و زخمی شدن تعدادی از نیروهای موسوم به «تخیه حضرمی» وابسته به شورای انتقالی جنوب تحت حمایت امارات در جریان تصرف مواضع تحت کنترل ائتلاف قبایل حضرموت توسط این شورا خبر دادند.

علاوه بر این، وزارت خارجه عربستان نیز با بیان اینکه اقدامات شورای انتقالی جنوب در حضرموت و المهره «خلاف توافقات» انجام شده است، نسبت به تشدید تنش‌ها در جنوب یمن هشدار داد. وزارت خارجه عربستان اعلام کرد: «ما بر این امر حساب باز می‌کنیم که شورای انتقالی ابتکار را با پایان دادن به تشدید تنش‌ها و خارج کردن نیروهایش از این دو استان در دست بگیرد.»

پس از یک دوره آرامش نسبی در یمن، مجدداً تنش‌ها شدت گرفته و درگیری‌های تازه‌ای میان مزدوران سعودی و اماراتی برای کنترل مناطق راهبردی آغاز شده است. در این نزاع، ده‌ها نفر از نیروهای وابسته به ابوطیبی کشته و زخمی شده‌اند. هم‌زمان، جنگنده‌های سعودی در چندین نوبت مواضع اماراتی‌ها در حضرموت را هدف قرار دادند. تحلیلگران معتقدند این تحركات بخشی از برنامه هدفمند ابوطیبی برای تجزیه یمن جنوب یمن است تاگرانی‌های امنیتی اسرائیل از جانب عملیات نظامی انصارالله را کاهش دهد. ■■■

به گزارش «هفن» اگرچه ۱۰ سال پیش عربستان سعودی و امارات با هدف سرنگونی جنبش انصارالله در یک جبهه واحد به یمن حمله کردند، اکنون این دو متحد سابق در برابر هم صف‌ارایی کرده‌اند و در تلاشند سهم بیشتری از غنای جنگی در این کشور به دست آورند. پس از آنکه نیروهای شورای انتقالی جنوب یمن وابسته به امارات چند هفته پیش استان حضرموت در شرق یمن را تصرف کردند، این اقدام خشم عربستان را برانگیخته و ریاض تلاش می‌کند با کمک مزدوران خود، کنترل این منطقه استراتژیک را دوباره به دست بگیرد. منابع میدانی گزارش داده‌اند که قبایل حضرموت یک عملیات دقیق علیه مزدوران امارات در منطقه «عیصی‌خرد» در حضرموت انجام داده‌اند که منجر به کشته و زخمی شدن تعدادی از نیروهای اماراتی و تخریب چندین خودروی نظامی شد. به گزارش الیمین نت، بیش از ۳۰۰ سرباز و افسر از نیروهای موسوم به شورای انتقالی جنوب یمن در درگیری‌های جاری در منطقه عیصی‌خرد حضرموت کشته و زخمی شدند.

در روزهای اخیر، استان‌های حضرموت و المهره در شرق یمن به یکی از کانون‌های اصلی رقابت میسان نیروهای تحت حمایت امارات و عربستان سعودی تبدیل شده است. نیروهای موسوم به شورای انتقالی جنوبی مورد حمایت امارات کنترل مناطق نفت‌خیز را به دست آورده و این پیشرویی با واکنش سعودی‌ها روبرو شده، به‌طوری‌که عربستان از شورای انتقالی جنوبی خواسته که نیروهای خود را از حضرموت و المهره خارج کرده و تنش‌ها را کاهش دهد. این تحولات نشان دهنده تضعیف وحدت میان طرف‌های ائتلاف متجاوز علیه یمن و تشدید رقابت‌های منطقه‌ای در جنوب و شرق یمن است.

عربستان که حاضر نیست مناطق بکر و راهبردی جنوب یمن را دو دستی تقدیم متحد سابق خود کند، دامنه حملات به

درنما

### دمشق در آستانه توافق بانل آویوزیر آتش

در پیشبرد این روند داشته و توافق احتمالی، شامل یک ضمیمه دیپلماتیک خواهد بود که ممکن است در نشست‌ی سطح بالا در یکی از کشورهای اروپایی یا حتی در دیداری مستقیم میان‌السرع و بنیامین نتانیاهو امضا شود. اسعد الشیبانی، وزیر خارجه سوریه نیز پیش‌تر اعلام کرده بود دمشق امیدوار است تا پایان سال ۲۰۲۵ به توافقی امنیتی با اسرائیل، مبتنی بر آتش‌بس ۱۹۷۴ و باصلاحاتی محدود، دست یابد.

البته منابع اسرائیلی تأکید دارند که تل‌آویو با عقب‌نشینی کامل از مواضعی که پس از سقوط دولت بشار اسد در خاک سوریه تصرف کرده، موافق نیست و تنها در صورت دستیابی به «توافق صلح جامع» حاضر به خروج از برخی از ۹ موضع تحت کنترل خود خواهد بود. هم‌زمان، روزنامه الاخبار و

## نگاره

حنیف غفاری

### حمله بی‌فایده گروسی

### به خطوط قرمز هسته‌ای ایران

رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، یک بار دیگر نقاب بی‌طرفی خود را رسماً کنار گذاشته و فصل جدیدی از بازی خطرناک خود را در زمین طراحی‌شده توسط واشینگتن و تل‌آویو آغاز کرده است. در شرایطی که منطقه غرب آسیا شاهد یکی از بی‌سابقه‌ترین تجاوزات نظامی علیه یک دولت مستقل بود، اصرار مدیرکل آژانس بر پیگیری تعهداتی که در بستر امنیتی کاملاً دگرگون شده، فاقد هرگونه توجیه حقوقی و منطقی است.

پس از حمله دوازده روزه و گسترده رژیم صهیونیستی و امریکا به خاک مهین عزیزمان در ماه ژوئن ۲۰۲۵، بدیهی است که اسرائران نمی‌تواند نباید همکاری‌های متعارف خود را با نهادهی بین‌المللی که تحت نفوذ مستقیم متجاوزان قرار دارد، ادامه دهد. حفظ امنیت ملی و حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی در برابر تهدیدات نظامی، نه‌تنها حق، بلکه یک تکلیف حاکمیتی است. در چنین فضایی، انتظار همکاری‌های بی‌قید و شرط با آژانس، نه‌تنها غیر منطقی، بلکه ناقض اصول حاکمیت ملی و امنیت داخلی ایران تلقی می‌شود.

گزارش اخیر مدیرکل که در قالب گزارش فصلی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ۱۲ نوامبر منتشر شده، صرفاً بازتاب‌دهنده واقعیت‌های پس از این تجاوز است. در این گزارش، آژانس مدعی شده که پس از درگیری‌های نظامی ماه ژوئن، با «چالش‌های جدی و مداوم» برای اجرای تعهدات نظراتی خود در ایران روبرو شده است. این اعتراف، نه‌شانه عدم همکاری ایران، بلکه گواهی بر شرایط امنیتی اضطراری تحمیل‌شده از سوی امریکا و رژیم صهیونیستی است.

آژانس خود اعلام کرده بود که به دلایل امنیتی، به‌طور موقت بازرسی‌ها را متوقف و بازرسان خود را خارج کرده است. این اقدام، مهر تأییدی بر وخامت اوضاع امنیتی (ناشناسی از حملات امریکا و رژیم صهیونیستی) بود. هر چند توافقی موسوم به «توافق قاه» در سپتامبر میان ایران و آژانس برای ازسرگیری بازرسی‌ها حاصل شد، اما ایران در سایه قفدان تضمین‌های امنیتی معتبر و در پی تهاجم بی‌رحمانه‌گزارشی ویژه‌دربراره وضعیت مواد هسته‌ای و تأسیسات آسیب‌دیده‌اره نکرده و این روند قطعاً تا زمان عدم تغییر شرایط کنونی و اصرار غرب بر رویکرد غیر حقوقی خود ادامه خواهد داشت. در نتیجه این شرایط بحرانی، آژانس بدون اشاره به تجاوز امریکا و رژیم صهیونیستی مدعی شده که «مداوم آگاهی» خود نسبت به ذخایر اعلام‌شده ایران، از جمله مقادیر قابل‌توجهی اورانیوم با غنای بالا، را از دست داده است؛ وضعیتی که گزارش آن را «نگران‌کننده» توصیف می‌کند. اما نکته کلیدی اینجاست: این وضعیت نگران‌کننده نه‌تنصیر ایران، بلکه پیامد مستقیم و غیرقابل‌اجتناب تورنوسم دولتی تجاوز نظامی است. در اوج این فشارها و بازی‌های سیاسی، در ۲۰ نوامبر، شورای حکام آژانس با صدور قطعنامه‌ای، تحت تأثیر القاتل‌کشوهای غربی، از ایران خواست بدون تأخیر اطلاعات مربوط به ذخایر اورانیوم و تأسیسات هسته‌ای خود را ارائه دهد و دست‌رسی‌های لازم را فراهم کند. این اقدام، اوج بهره‌برداری سیاسی از یک بحران امنیتی بود و با هدف درهم‌شکستن خطوط قرمز حاکمیتی ایران صورت گرفت. واکنش قاطع و بهموقع ایران، خروج رسمی از توافق قاهره در همان روز (۲۰ نوامبر) صورت گرفت. این اقدام نشان داد که ایران در برابر فشار سیاسی و سوءاستفاده از سازوکارهای بین‌المللی، هیچ‌گاه سر تعظیم فرود نخواهد آورد.

گروسی در حالی مجدداً گزارش خود را به شورای امنیت ارسال کرده که هیچ مستسک حقوقی و انسانی برای این دخالت‌های سیاسی وجود ندارد. ایران پس از تحمل حملات مستقیم، توجیهی حقوقی و منطقی برای همکاری با نهادهی که مدیر کل آن بی‌محابا و وقیحانه به بازی خود در زمین واشینگتن و تل‌آویو ادامه می‌دهد، ندارد. روشن است که مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، با تکرار این سنسارپوی نخبعما، نخواهد توانست خطوط قرمز هسته‌ای ایران را در هم بشکند. این یک حقیقت غیرقابل‌انکار است.

## حالات

### هلاکت صهیونیست‌ها طی عملیات ترکیبی در سرزمین‌های اشغالی

رسانه‌های رژیم صهیونیستی اعلام کردند که عملیات ترکیبی شامل حمله با سلاح بسپرد و زیرگیری بی‌خودرو در شهرک «العوفله» در شمال فلسطین اشغالی دو کشته‌وشش زخمی برجای گذاشت. همچنین، تیراندازی در یک پایگاه نیز به کشته‌شدن یکی از نظامیان رژیم صهیونیستی منجر شد.

رسانه‌های رژیم صهیونیستی، دیروز از هلاکت دو شهرکنشین به دنبال عملیات ترکیبی زیرگیری با خودرو و حمله با سلاح سرد در حد فاصل دو شهرک صهیونیستی «العوفله» و «بسان» در شمال فلسطین اشغالی و زخمی شدن دست کم شش تن خبر دادند. گزارشی که منابع عبری از این واقعه منتشر کرده‌اند، حاکی از این است که یک زن صهیونیست در عملیات حمله با سلاح سرد در شهرک العوفله کشته شده و عامل این عملیات هم دستگیر شده است. منابع مذکور سپس از پیدا کردن جسد یک صهیونیست دیگر در منطقه «جیسان» در نزدیکی شهرک العوفله خبر دادند که در سه عملیات زیرگیری با خودرو کشته شده بود. پس از این عملیات که در سه منطقه در شمال فلسطین اشغالی انجام شد، فرمانده پلیس ارتش اشغالگر برای بررسی جزئیات ان عازم شمال فلسطین اشغالی شد. رادیو ارتش اشغالگر هم اعلام کرد که عامل این عملیات یک جوان فلسطینی اهالی روستای قباطیه در نزدیکی جنین بوده است و تحقیقات برای مشخص کردن هویت او همچنان ادامه دارد. همچنین، کانال ۱۲ تلویزیونی رژیم صهیونیستی اعلام کرد که یک نظامی ارتش اشغالگر پس از تیراندازی در داخل یک پایگاه در شمال سرزمین‌های اشغالی کشته شد. این رسانه صهیونیستی توضیح داد که پلیس نظامی اسرائیل تحقیقاتی را در مورد شرایط این حادثه آغاز کرده است. این جزئیات بیشتری در مورد نفوذ تیراندازی با هویت تیرانداز فاش نکرد. یک روز پیش از این، ارتش رژیم صهیونیستی ادعا کرد که یک افسر این رژیم بر اثر انفجار بمبی در یک خودرو در رفح، در جنوب نوار غزه، زخمی شده است.

## اخبار گوناگاه

■ **اخبار متناض از نفتکش بلا – ۱**

رویترز گزارش کرده که نفتکش ایرانی «بلا- ۱» پس از چندروز تعقیب و گریز توسط نیروی دریایی آمریکا در اقیانوس اطلس توقیف شده است. امریکا مدعی است که این نفتکش به دلیل حمل نفت ایران و ویزوتلا در لیست تحریم قرار دارد. با این حال، برخی منابع همچنان می‌گویند که این نفتکش هنوز توقیف نشده و گارد ساحلی امریکا این نفتکش مرتبط با ایران و ویزوتلا را که سعی در فرار از محاصره دریایی این کشور علیه کشتی‌های تحریم‌شده داشته است در آبهای بین‌المللی تحت تعقیب قرار داده و قصد توقیف آن را دارد.

■ **سفر فرستاده ویژه ترامپ به بغداد با پیام‌های تهدید آمیز**
مارک ساوایا، فرستاده ویژه امریکا در امور عراق، قرار است اوایل ژانویه به بغداد سفر کند. منابع عراقی می‌گویند او حامل پیام‌هایی درباره خلع سلاح کوردهای مقاومت عراقی و روند انتخاب نخست‌وزیر آینده است. اظهارات مداخله‌جویانه سلوایا واکنش‌های منفی در محافل سیاسی عراق به همراه داشته و به‌عنوان فشار مستقیم واشنگتن بر روند سیاسی این کشور تعبیر شده است.



## آغاز تور کنسرت‌های نوازنده پیشگوسوت موسیقی لرستان در ایران

فرج علیپور از نوازندگان پیشگوسوت موسیقی نواحی لرستان طی روزهای پیشرو مجموعه کنسرت‌هایی را در تهران و دیگر شهرهای کشور برگزار خواهد کرد.
تور کنسرت‌های تهران و شهرهای ایران فرج علیپور، نوازنده و خواننده پیشگوسوت موسیقی لرستان از چند روز دیگر در تهران آغاز می‌شود و پس از آن در دو شهر دیگر کشورمان پیش روی مخاطبان قرار خواهد گرفت.
براساس برنامه‌ریزی‌های انجام گرفته، علیپور ابتدا روز هفدهم دی در تالار شهید آوینی خرم آباد کنسرتی را برای مخاطبان اهل استان لرستان برگزار می‌کند. این هنرمند سپس در روز بیستم دی میزبان مخاطبانش در سالن اکومال کرج خواهد بود.
تور کنسرت شهرهای کشور را ادامه دهد.
علیپور همچنین روز بیست و پنجم دی در فرهنگسرای بهمن تهران که به تازگی فعالیت‌های بیشتری را در زمینه برگزاری کنسرت‌های پایتخت آغاز کرده، میزبان مخاطبانش خواهد بود.
فرج علیپور که در ماه‌های اخیر به دلیل استقبال مخاطبان عمده برنامه‌های خود را از تالار وحدت تهران به سالن‌های پرطرفت‌تر انتقال داده است، مانند سنوات گذشته تصمیم دارد قطعات منتخب خود طی سال‌های گذشته را برای علاقه‌مندان ارائه کند.
این قطعات عمدتاً مبتنی بر اجرای شادانه‌هایی است که در کنسرت‌های گذشته با استقبال خوبی از سوی مخاطبان مواجه شده است.

## معرفی آثار بخشی رادیوتئاتر جشنواره تئاتر فجر

آثار بدیقه شده بخشی رادیو تئاتر سه‌چهل و چهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر توسط هیئت انتخاب این بخش معرفی شدند.

هیئت انتخاب بخش رادیوتئاتر سه‌چهل و چهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر آثار بدیقرفته شده این بخش را اعلام کرد. براساس آمار، ۱۲۲ اثر منقاضی شرکت در بخش رادیوتئاتر این دوره از جشنواره بودند که از این میان شش اثر به مرحله نهایی داوری راه یافتند که دو اثر از تهران و چهار اثر از دیگر شهرهای کشور، کارگردان یک اثر خانم و پنج اثر آقا هستند. اسامی آثار بدین شرح است: نمایش «زاده» به کارگردانی سید بهزاد تاج‌الدینی از کرمان؛ نمایش «باغ وحش شیشه‌ای» به کارگردانی فریدون مجرابی از تهران؛ نمایش «بر لب بحر فتا» به کارگردانی محسن مکاری از بوشهر؛ نمایش «پایان هزاره بیداد» به کارگردانی سلمان خطپی از مازندران؛ نمایش «تلخک» به کارگردانی هانی پیرامی از خراسان جنوبی و نمایش «هنو حالا نوازش کن» به کارگردانی محمد مجدزاده از تهران.

سه‌چهل و چهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر به دبیری وحید فرخ موسوی بهمن ماه در تهران برگزار خواهد شد.



## نمایش «هیس!» دخترها فریاد نمی‌زنند» در موزه هنرهای معاصر تهران

فیلم «هیس!» دخترها فریاد نمی‌زنند» به کارگردانی پوران درخشنده یک‌شنبه هفتم دی در سینمای تیک موزه هنرهای معاصر تهران اکران و بررسی می‌شود.
سینما تک موزه هنرهای معاصر تهران با همکاری مؤسسه فرهنگی هنری «حقوق و هنر»، با ادامه برنامه‌های تخصصی خود، این هفته میزبان نمایش و بررسی فیلم «هیس!» دخترها فریاد نمی‌زنند» به کارگردانی پوران درخشنده است. این برنامه با عنوان «حقوق در سینما؛ درام‌های دادگاهی» روز یکشنبه ۷ آذر ۱۴۰۳ در سالن سینما تک تورو شند.
معاصر تهران برگزار می‌شود. دبیر جلسه، امیرحسین سلیمان است و نقد و گفت‌وگو درباره فیلم نیز با حضور تهورت بشیری، استاد حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه علامه طباطبائی و رئیس انجمن علمی حقوق شناسی انجام خواهد شد.

فیلم «آخرین آرزو» به کارگردانی محمد پوری، با نگاهی انسانی به سراغ مادران شهیدای تورو رفته و داستان مظلومیت جوانان مؤمنی را روایت می‌کند که در سال‌های ابتدایی انقلاب، فقط به خاطر اعتقاداتشان تورو شدند.
به گزارش «جوان»، محمد پوری، کارگردان فیلم داستانی «آخرین آرزو» درباره ایده اصلی ساخت این اثر به میزبان گفت: طرح اولیه فیلم توسط سارا جوان نگاشته شد و پس از تعطیلات نوروز ۱۴۰۴، در ادامه روند فعالیت‌های کانون فرهنگی جوانان بسیج شهید آوینی وابسته به ناحیه مقاومت بسیج ویژه کمیل مشهد، در جلسه‌ای با حضور سعید محسنی‌نفر، تهیه‌کننده اثر و سایر اعضای گروه مورد بررسی قرار گرفت.

وی ادامه داد: در آن جلسه تصمیم گرفته شد ایده اولیه به فیلمنامه‌ای کامل تبدیل شود. سارا جوان متن نخستین را نوشت و این متن پس از دو مرحله بازنویسی توسط بنده، به نسخه نهایی کنونی رسید.
با توجه به اینکه اثر در راستای بزرگداشت شهیدای تورو استان خراسان رضوی و در چارچوب یکشنبه هزار و ۵۰۰ شهید تورو ساخته می‌شود، مرحله پیش تولید



### روزنامه‌سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیر مسئول: محمدجواد اخوان
سر دبیر: غلامرضا صدیقی
آدرس: تهران، خیابان بیهقی
کوچه شهید اکبر زجاجی (چهاردهم غربی)، پلاک ۱۲
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۵۴۸۸
روابط عمومی: ۰۶۰-۸۸۵۲۳۰۶۰-فکس: ۸۸۴۹۸۴۶۶
توزیع: مؤسسه نشرگستر امروز نوین ۰۹۴۲-۸۸۷۲
چاپ: همشهری
Public@JavanOnline.ir

روزنامه جوان | شماره ۱۷۴۸ | شنبه ۶ دی ۱۴۰۴ | ۶ رجب ۱۴۴۷ | اذان ظهر: ۱۲:۰۵ | غروب آفتاب: ۱۶:۵۸ | اذان مغرب: ۱۷:۱۸ | نیمه شب: ۲۴:۲۰ | ۲۴:۲۰ | طلوع آفتاب فردا: ۵:۴۲ | ۰۷:۱۳

امیرالمؤمنین امام علی علیه‌السلام:

روزگار نیت‌های پنهان را برای تو آشکار می‌کند.

بخارا، آلتور، ج. ۷۷، ص. ۲۸۶، ج. ۱

«جوان» در گفت‌وگو با چهره‌های فرهنگی و نظامی به بررسی جایگاه رادیو مقاومت می‌پردازد

# صدای حماسه ایران در جنگ روایت‌ها

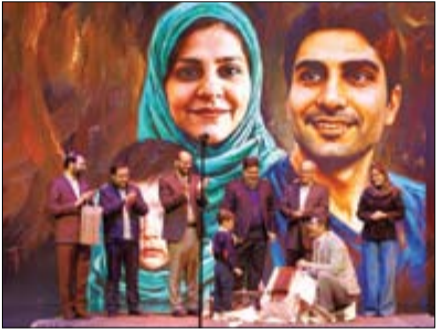
ستاد کل نیروهای مسلح نیز با تأکید بر ضرورت وجود رادیو مقاومت گفت: رادیو مقاومت در کشور، در منطقه و در سطح فرمانتقله‌های نقش منسجم‌کننده همه ظرفیت‌های مقاومت را برعهده دارد و می‌تواند در این جنگ و استیزی که امروز وجود دارد، صدای مقاومت و اندیشه مقاومت را در جهان ان‌شاءالله منظر قرار دهد.
وی افزود: رادیو مقاومت می‌تواند هم به گسترش و توسعه محور مقاومت کمک کند، هم به مستضعفان و مظلومان جهان امید بدهد و هم دشمنان را ناامید کند. اگر این رادیو وجود نداشت، قطعاً خلأ بزرگی احساس می‌شد. درباره پویایی آن نیز باید گفت حتی اگر رادیو به‌صورت فصلی فعالیت کند، در شرایط جنگی و در اتفاقات روز، می‌تواند با کمک همه ظرفیت‌ها به یک رسانه پویا تبدیل شود و خودش را با تحولات روز منطبق کند.

سردار شکارچی ادامه داد: ما باید بتوانیم به حول و قوه الهی کمک کنیم تا رادیو مقاومتی محتوایی فاخر و اثربخش تولید کند؛ چه در سطح ملی، چه در سطح منطقه‌ای و چه در عرصه بین‌المللی. در این مسیر باید دست به‌دست بدهیم تا رادیوی ماز محتوایی غنی برخوردار باشد؛ رادیویی که پهنوی صدای حماسه ایران و صدای اقتدار ایران است.

وی در باره جایگاه این رادیو و میزبان شنودگی خود از آن گفت: ما معمولاً وقتی سوار خودرو می‌شویم، از رادیو استفاده می‌کنیم و تلاش‌مان این است شونده برنامه‌های رادیو مقاومت باشیم. برای ما در رادیو اهمیت ویژه دارد؛ یکی رادیو مقاومت و دیگری رادیو معارف، رادیویی برای افزایش معرف و معرفت و تقویت روحیه اعتقادی.

معاون فرهنگی ستاد کل نیروهای مسلح افزود: رادیو مقاومتی می‌تواند بستر انتقال تجربه‌ها باشد؛ به‌ویژه تجاربی که دست‌پسندست می‌دود. این رادیو می‌تواند بستر مدیریت دانش و جریان‌سازی حماسه باشد. این نکته بسیار مهم است و همه چیز به محتوایی بستگی دارد که تولید می‌شود. ریحانه سللاسی، دختر شهید سردار سلامی درباره جایگاه و رسالت رادیو مقاومت در میان شبکه‌های رادیویی کشور گفت: رادیو مقاومت، با توجه به نوعی صدای حماسه و صدای اقتدار ماست، جایگاه ویژه‌ای در میان شبکه‌های رادیویی دارد. به‌نظرم رادیو مقاومت در واقع نقش رسالتی مهم برعهده دارد و آن رنده نگه‌داشتن فلسفه مقاومت در این حجم از جهمه‌های است

که دشمن در حال وارد کردن به ایران اسلامی عزیز و قلب و ذهن جوان‌های ماست.
وی افزود: در این مسائل، به سمت روایت کلان و پیوسته از مقاومت در عرصه‌های علم، فرهنگ، اقتصاد، امنیت و زندگی روزمره مردم حرکت کرد. نقطه تمایز رادیو مقاومت، ترکیب واقعیت میدان با روایت صادقانه و امیدآفرین است. تلاش کرده‌ایم با تکیه بر تجربه میدانی، عقلانیت انقلابی و زبان مردم، مقاومت را به‌عنوان یک «راحل تمدنی» معرفی کنیم. این نگاه منظومه‌ای باعث شده رادیو مقاومت به یک رسانه مرجع در حوزه روایت اقتدار و پیشرفت تبدیل شود.
مدیر رادیو مقاومت در پاسخ به این سؤال که چگونه این شبکه رادیویی می‌خواهد امید فعال و اعتماد به توان ملی را به ویژه در میان نخبگان، جوانان و دانشجویان تقویت کند، گفت: محور روایت پیشرفت علمی و جهاد دانش‌پیمان در رادیو مقاومت مبتنی بر این باور است که امید واقعی از دل واقعیت می‌آید. ما تلاش کرده‌ایم دستاوردهای علمی کشور را در قالب روایت مستر طی شده، تلای، شکست‌ها و موفقیت‌ها به تصویر بکشیم. در این شبکه نخبگان، پژوهشگران، شرکت‌های دانش‌پیمان و جوانان خلاق صرفاً «سوزه رسانه‌ای» نیستند، بلکه صاحبان روایتند. مخاطب واقع می‌کند و او را به تفکر وامی‌دارد.
معاون صدا با اشاره به اینکه ما باور داریم که اقتدار ایران، صرفاً در توان دفاعی خلاصه نمی‌شود، بلکه در سرمایه اجتماعی، در همبستگی ملی، در اعتماد عمومی و در قدرت روایتگری نهفته است، توضیح داد: رادیو مقاومت، می‌خواهد این اقتدار را از دل روایت‌های واقعی، از زبان کارشناسان، نخبگان و مردم، به تصویر بکشد و نشان دهد که قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، برخاسته از



دبیر هفتمین دوره جشنواره تئاتر «شهر» در مراسم اختتامیه:

## جشنواره تئاتر شهر باتوقی برای همدلی، خلاقیت و بازتاب امیدها بود

این سازمان خود را صرفاً برگزارکننده رویداد نمی‌داند، بلکه متولی جریان هنر در شهر است. در همین راستا، فاز جدید تماشاخانه ایرانشهر وارد مرحله اجرایی شده، جالش ۱۷ ساله تماشاخانه آیینی و سنتی صبا برطرف شده و نمایش تهران هم‌زمان با این جشنواره به‌بهربرداری رسیده است. وی با تأکید بر عدالت فرهنگی خاطر نشان کرد: تئاتر نباید محدود به نقاط خاصی از شهر باشد. اجرای رایگان نمایش‌ها در مناطق مختلف تهران، فرصتی برای نخستین مواجهه خانواده‌ها و نوجوانان با تئاتر فراهم می‌کند.

رئیس سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران در پایان با قدردانی از دبیرخانه جشنواره، داوران، هنرمندان، گروه‌های نمایشی و عوامل اجرایی، بر گزیدگان جشنواره را شایسته تقدیر دانست و گفت: در این جشنواره، همه شرکت‌کنندگان هنری شهرداری تهران نیز تلاش خواهد کرد زمینه اجرای دوباره آثار شاخص جشنواره فراهم کند و از همه نهادهای فرهنگی و مردم تهران دعوت می‌کند برای تداوم و ارتقای این رویداد فرهنگی همراه باشند.

همچنین در ادامه این مراسم، دبیر هفتمین جشنواره تئاتر شهر، با اشاره به پیشینه تئاتر شهری گفت: هفتمین جشنواره تئاتر شهر باتوقی برای همدلی، خلاقیت و گفت‌وگوی زنده با شهر بود و حضور پرشور مخاطبان نشان داد نبض تئاتر در قلب این کلان‌شهر زنده و پویاست.

امین اشرفی از هم‌راهی نهادهای فرهنگی و هنری یاد کرد و گفت: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، سازمان زیباسازی شهرداری تهران، خانه هنرمندان ایران، صدا و سیما و دیگر نهادهای حامی، با پشتیبانی خود ستون‌های

نیاز مخاطبان را به‌درستی منتقل کنند.

در ادامه این مراسم، محمداقرا علمعی، رئیس سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران با تأکید بر نقش مردم در پویایی تئاتر گفت: تئاتر در ایران هنری برخاسته از متن زندگی مردم است و اگر پیوند عمیق میان صحنه و جامعه وجود نداشت، هیچ جشنواره‌ای نمی‌توانست چراغ این هنر را روشن نگه دارد.

علمی با اشاره به همراهی هنرمندان تئاتر با مردم در مقاطع مختلف تاریخی، از پیروزی انقلاب اسلامی تا سال‌های دفاع مقدس افزود: هنرمندان تئاتر همواره در کنار مردم ایستاده‌اند، نه جلوتر و نه عقب‌تر، بلکه درست همراه با آنان.

تئاتر آیینی و مردمی ما نیز جلوه‌ای از همین پیوند عمیق میان هنر، ایمان و زیست اجتماعی است.

وی با بیان اینکه تئاتر مردمی همچنان زنده است، تصریح کرد: حضور پررنگ نوجوانان در این دوره از جشنواره نشان داد که با فراهم شدن فضا، اعتماد و شنیده شدن صداهای تازه، تئاتر تهران همچنان ظرفیت پشرو بودن را دارد.

رئیس سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران هفتمین جشنواره تئاتر شهر را جلوه‌ای از ظرفیت گسترده تئاتر پایتخت دانست و گفت: تنوع آثار، گروه‌های نمایشی و پراکندگی اجراها در نقاط مختلف شهر ثابت کرد که تئاتر تهران رنده به چند سالن و چند نام شناخته‌شده نیست.

تئاتر برای ما اهمیت بیشتری داشت، حضور فعال و پیگیر مخاطبان و شکل‌گیری گفت‌وگوی مستقیم میان هنرمندان و شهروندان بود.

علمی با اشاره به رویکرد سازمان فرهنگی هنری بیان کرد:

هفتمین دوره جشنواره تئاتر «شهر» یا معرفی

برگزیدگان این رویداد هنسری در پردیس تئاتر تهران

شهر را با توفیقی برای همدلی و خلاقیت و همچنین نمایشی و عوامل اجرایی، برگزیدگان جشنواره را شایسته تقدیر دانست و گفت: در این جشنواره، همه شرکت‌کنندگان هنری شهرداری تهران نیز تلاش خواهد کرد زمینه اجرای دوباره آثار شاخص جشنواره فراهم کند و از همه نهادهای فرهنگی و مردم تهران دعوت می‌کند برای تداوم و ارتقای این رویداد فرهنگی همراه باشند.

همچنین در ادامه این مراسم، دبیر هفتمین جشنواره تئاتر شهر، با اشاره به پیشینه تئاتر شهری گفت: هفتمین جشنواره تئاتر شهر باتوقی برای همدلی، خلاقیت و گفت‌وگوی زنده با شهر بود و حضور پرشور مخاطبان نشان داد نبض تئاتر در قلب این کلان‌شهر زنده و پویاست.
امین اشرفی از هم‌راهی نهادهای فرهنگی و هنری یاد کرد و گفت: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، سازمان زیباسازی شهرداری تهران، خانه هنرمندان ایران، صدا و سیما و دیگر نهادهای حامی، با پشتیبانی خود ستون‌های نیاز مخاطبان را به‌درستی منتقل کنند.
در ادامه این مراسم، محمداقرا علمعی، رئیس سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران با تأکید بر نقش مردم در پویایی تئاتر گفت: تئاتر در ایران هنری برخاسته از متن زندگی مردم است و اگر پیوند عمیق میان صحنه و جامعه وجود نداشت، هیچ جشنواره‌ای نمی‌توانست چراغ این هنر را روشن نگه دارد.
علمی با اشاره به همراهی هنرمندان تئاتر با مردم در مقاطع مختلف تاریخی، از پیروزی انقلاب اسلامی تا سال‌های دفاع مقدس افزود: هنرمندان تئاتر همواره در کنار مردم ایستاده‌اند، نه جلوتر و نه عقب‌تر، بلکه درست همراه با آنان.
تئاتر آیینی و مردمی ما نیز جلوه‌ای از همین پیوند عمیق میان هنر، ایمان و زیست اجتماعی است.
وی با بیان اینکه تئاتر مردمی همچنان زنده است، تصریح کرد: حضور پررنگ نوجوانان در این دوره از جشنواره نشان داد که با فراهم شدن فضا، اعتماد و شنیده شدن صداهای تازه، تئاتر تهران همچنان ظرفیت پیشرو بودن را دارد.

توضیح داد: ساخت تئاتر در شهرستان، آن هم اثری با محتوای انقلابی، دشواری‌های خاص خودش را دارد. مهم‌ترین چالش ما مسائل مالی بود، چراکه معمولاً در این گونه آثار حمایتی از سوی اسپانسرهای تجاری وجود ندارد. با این حال، تیم ما با عشق و انگیزه پیش رفت. مراحل پیش تولید حدود دوماه و تمرینات یک‌ماه به طول انجامید. فیلمبرداری نیز در پنج روز انجام شد. با وجود کمبود امکانات نسبت به تهران، سعی کردیم اثری اورموند تولید کنیم تا دین خود را به شهدا ادا کنیم.

بوری درباره علت حضور در جشنواره مؤمن است که در مسجد و هیئت خدمت می‌کند و در مسیر علم آموزی و خدمت به مردم گام برمی‌دارد. او به دست منافقین تورو می‌شود و مادرش، در پی این حادثه، دچار اندوه و دلخوری از شهید می‌شود.

پس از مدتی ندامت و احساس تنهایی، مادر شهید به بنگاه املاک مراجعه می‌کند تا همدمی بیابد. در این میان، با خانواده‌ای با جمعیت مواجه می‌شود که قصد صاحب خانه‌ای را دارند.
بوری افزود: شخصیت شهید در فیلم نمادین است و به شهید خاصی اشاره ندارد. در ابتدا قصد داشتیم بر اساس زندگی یکی از شهدای واقعی کار کنیم، اما با نظر بنیاد شهید خراسان مقرر شد از ذکر نام شهید مشخص خودداری شود تا شبیه‌ای برای خانواده‌ها پیش نیاید؛ بنابراین شخصیت شهید به‌صورت کلی و نماد شهدای تورو طراحی شد.
وی ادامه داد: در این فیلم از هشت بازیگر جدید استفاده کردیم که برای نخستین‌بار مقابل دوربین قرار گرفتند. آنها پیش‌تر در تئاتر فعالیت داشتند و در تست‌های متعدد انتخاب شدند. در کنار آنان چند بازیگر شناخته‌شده خراسانی مانند مجتبی زاده، ماهرخ چترایی، محمد قابل، حسین مصیری و میترا جباری حضور دارند.
انصوری درباره هدف از ساخت این فیلم داستانی تصریح کرد: هدف اصلی ما از تولید این فیلم، زنده نگه داشتن یاد و راه شهدا است؛ همان‌گونه که مقام معظم رهبری بارها تأکید کرده‌اند باید نسل جوان و نوجوان با فرهنگ ایثار و شهادت آشنا شوند. شهدای تورو از مظلوم‌ترین گروه‌های شهیداه هستند که کمتر درباره‌شان سخن گفته شده است.
وی درباره چالش‌های ساخت این فیلم